

0272 Y

مِنْ كِتَابِ الْجَامِعِ الْأَكْبَرِ

لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُهَاجِرِيْنَ

Ketabton.com

اعلامیه مشترک جمهوریت افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی



در دعوی که از طرف پساغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم افغانستان در مسکو ترتیب یافته بود، پساغلی نیکولای بود گورنی صدرهای رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی والکسی کاسیگین صدراعظم آنکشور استراک وزیده بودند.

پساغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم جمهوریت افغانستان بنا به دعوت هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حکومت شوروی از تاریخ چارده آبان هزده جو زای سال ۱۳۵۳ از اتحاد شوروی بازدید رسمی و دوستی ای بعمل آوردند.

پساغلی محمد خان جلال وزیر تجارت، پساغلی علی احمد خرم وزیر پلان و پساغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه جمهوریت افغانستان بمعیت ایشان بودند. بین پساغلی محمد داود ول. ای. بریزنت هشی عومنی کمیته مرکزی حزب گمنیست اتحاد شوروی، ن. و. بودگورنی عقو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب گمنیست اتحاد شوروی و صدرهای رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، و ام. کاسیگین عقو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب گمنیست اتحاد شوروی وزیران اتحاد شوروی وریس شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱.۱. گروهیکو عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب گمنیست اتحاد شوروی ووزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مذاکرات و مباحثات صورت گرفت که در آن اشخاص ذیل نیز اشتراک نمودند:

از طرف افغانی: پساغلی محمد خان جلال وزیر تجارت. وزارت تجارت خارجی و پساغلی علی احمد خرم وزیر پلان. پوزانف سفیر کبیر اتحاد جماهیر روابط افغانستان و شوروی را پایه خاطرنشان کردن که علایق دوستی پساغلی وحید عبدالله معین سیاسی شوروی سوسیالیستی در جمهوریت گذاری نموده در معاهدات تاریخی وحسن همچواری بین جمهوریت اتحاد شوروی معلومات دادند.

از طرف شوروی: پساغلی نور احمد اعتمادی سفیر در جریان این مذاکرات که در محیط مجمع گردیده و در دشوارترین شرایط اعتماد و تفاهم متقابل وسطح عالی اوضاع بین المللی از قید آزمایش زمان جماهیر شوروی سوسیالیستی. اعتماد صورت گرفته بود مسائل اثکاش بذرآمده است، این اصول بطور کامل پساغلی عبدالقیوم منصور معاون و تحکیم مزید روابط دولتی و حسن ویامانع اساسی مردمان هردوکنمور ادیریت روابط اقتصادی وزارت امور همچواری بین افغانستان و اتحاد مطابقت داشته و شکل هسته تزلزل خارجه.

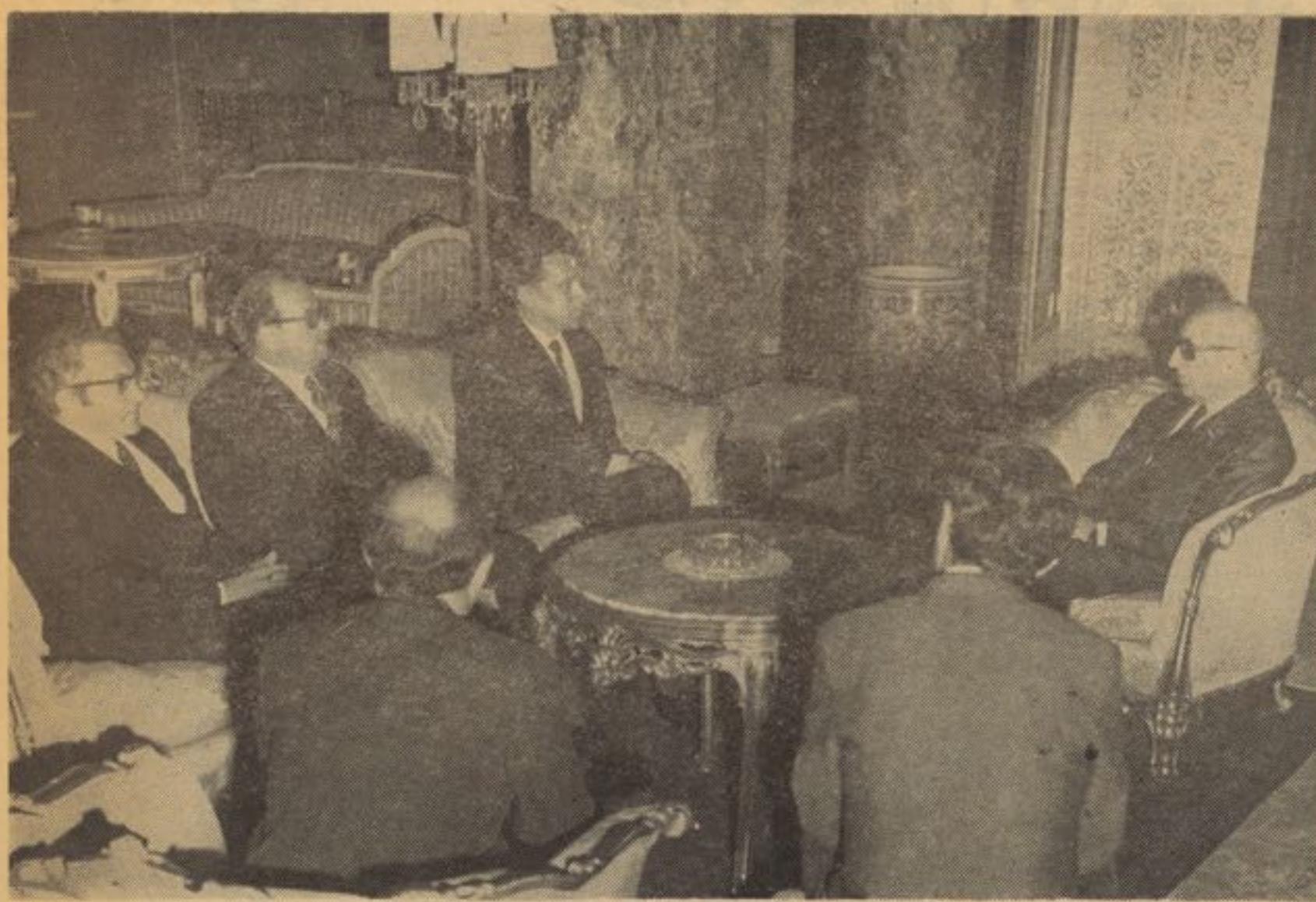
از طرف شوروی: پریم بین المللی «ورد علاقه» طرفین جمهوریت افغانستان و اتحاد جماهیر پساغلی ای و ارخیوف معاون تحد غور و بررسی قرار گرفت. شوروی راتشکیل میدهد متکی باین به صورت مداوم اثکاف نموده عمیق رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی رئیس دولت جمهوری افغانستان اصل دولت شوروی نخستین کشوری سوسیالیستی.

از طرف شوروی: پساغلی س. ۱۰. سکاچکوف رئیس دوستی، حسن همچواری، تساوی حقوق حاصل شده بود رسیده شناخته است، اقتصاد ملی اتحاد جماهیر شوروی رضایت متدکر شدند که اصول افغانستان را گهدازه مبارزه مردم آن جمهوری افغانستان در فسنه اثکاف نموده سوسیالیستی.

از طرف شوروی: پساغلی س. ۱۰. سکاچکوف رئیس کمیته دولتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای احترام متقابل بحق حاکمیت و علم هیجان دوست شوروی اوین کشوری سوسیالیستی ورشد اثکاف زندگی جمهوری شوروی صورت گرفته است و همچنان داخله در امور داخلی که از طرف بودگه در سال ۱۹۷۳ جمهوریت اسلام شوروی در ساده کارویالیت بقیه در مفعله.

رئیس دولت و صدر اعظم بساغلی را یزدرا

پذیرفتند



ریاست عمومی دفتر ریاست جمهوری
اطلاع داد که بساغلی محمد داؤد رئیس
دولت و صدر اعظم ساعت یازده قبل از ظهر
۲۲ جوزاً بساغلی رایز معین وزارت خارجه
جمهوریت مردم هنگری را برای ملاقاً تدریج
قصروی است چمبو دی پذیرفتند.
درین موقع بنا غلی وحید عبدالله معین
سیاسی وزارت امور خارجه بنا غلی محمد
اکبر رئیس عمومی دفتر چمبو دری و -
بساغلی بالنت کمال سفیر کبیر غیر مقیم
هنگری در کابل نیز حاضر بودند.
بساغلی رایز بد عوت رسمی وزارت
امور خارجه اخیراً به کابل آمد
است.

بنا غلی محمد داؤد رئیس دولت
و صدر اعظم هنگامیکه معین وزارت
خارجه جمهوریت مردم هنگری رادر
در قصر ریاست چمبوی پذیرفتند
و باوی صحبت من نمایند در عکس
معین سیاسی وزارت امور خارجه
وبعضی از ذوات معیتی وزارت خارجه
هنگری و سفیر کبیر غیر مقیم آنکشور
در افغانستان نیز دیده می شوند.

در پیامی بمناسبت روز مادر

رئیس دولت و صدر اعظم

فرمودند:

رشد شخصیت از دامان مادر آغاز می یا بد

طفل خود باشد بزرگترین را در پای جمهوریت به عنصر برای شخصیت، اخلاق تمنای مردم افغانستان را طعن پرستی است. بسانند.

آئین برابری، برا دری و مادرانیکه درست و جایب خود را ادا مینمایند در حقیقت ازادی رادر راه رفاه و سعادت مردم خود بکار برند تا رسالت فردای خود را به نصیب شان میگردد. بهمان صفاتی و استواری تامین نمایند.

آئین برابری، برا دری و مادرانیکه درست و جایب خود را ادا مینمایند در حقیقت ازادی رادر راه رفاه و سعادت مردم خود بکار برند تا رسالت فردای خود را به نصیب شان میگردد. بهمان صفاتی و استواری تامین نمایند.

یکبار دیگر با تمنای بہتر شدن حالت مادی و معنوی دولت جمهوری به امیدواری مادران محترم که عینده دار

سالم، مفیدو مؤثر فرزندانشان های بزرگ و برای دنیای در مبارزان حیاتی موفق بر

دین روز گار مهیم کشود دانش تقدیم کرده‌اند. آید و در ادای و جایب ملی عظیم و مقام او شایسته تکریم است.

و موقیت شانرا در تربیت که فرزندان بزرگ برای معرفه استوار و پایه‌دار می‌سازد تا

مادران ارجمند تنهیت می‌گویند نامداری دردامان خودپروردگار زندگانی در برابر دشواریها

و مادران ارجمند تنهیت می‌گویند نامداری دردامان خودپروردگار زندگانی در برابر دشواریها

با کمال همت روز فرخنده بوطن اهدای می‌کنند و بیشتر می‌مترین وظیفه ما در تربیته

ما در را در نخستین سال افتخار فرزند صالح بـمادر فرزند است، مادر به طفل و خطیر است احترام مادر

جمهوریت افغانستان بـکافه میرسد. کشور ما مادران آئین زندگی میدهد او را در

مادران ارجمند تنهیت می‌گویند نامداری دردامان خودپروردگار زندگانی در برابر دشواریها

با کمال همت روز فرخنده بوطن اهدای می‌کنند و بیشتر می‌مترین وظیفه ما در تربیته

ما در را در نخستین سال افتخار فرزند صالح بـمادر فرزند است، مادر به طفل و خطیر است احترام مادر

جمهوریت افغانستان بـکافه میرسد. کشور ما مادران آئین زندگی میدهد او را در

مادران ارجمند تنهیت می‌گویند نامداری دردامان خودپروردگار زندگانی در برابر دشواریها

و مادران ارجمند تنهیت می‌گویند نامداری دردامان خودپروردگار زندگانی در برابر دشواریها

با کمال همت رحمت می‌کنند که هسته خدمت سترگ مادر که هسته سجا یای عالی انسانی دارای و مربی اساسی و اوگلی نسل ما در از تندرستی

روجیه ملی و مجہز بـدانش مملکت اند در حقیقت بـنیان نموده بـنیان صحت جمیعت گذار کانون خانواده و رشد می‌مون را لازم صمیم قلب تبریک

حضر به اجتماع بـسپارند. گذاران واقعی جوامع بـشری را می‌گذارند چون اساسن خدمت سترگ مادر که هسته سجا یای عالی انسانی دارای و مربی اساسی و اوگلی نسل ما در از تندرستی

روجیه ملی و مجہز بـدانش مملکت اند در حقیقت بـنیان نموده بـنیان صحت جمیعت گذار کانون خانواده و رشد می‌مون را لازم صمیم قلب تبریک

در آئین مقدس ما خداوند گذاران واقعی جوامع بـشری را می‌گذارند چون اساسن خدمت سترگ مادر که هسته سجا یای عالی انسانی دارای و مربی اساسی و اوگلی نسل ما در از تندرستی

روجیه ملی و مجہز بـدانش مملکت اند در حقیقت بـنیان نموده بـنیان صحت جمیعت گذار کانون خانواده و رشد می‌مون را لازم صمیم قلب تبریک

به مادرانی رحمت می‌کنند که جامعه مربوط بـمعیار دا نش گذاشته می‌شود. نخستین متوجه این وجا بهم خواه برای کشور جمهوری

با وصف مشکلات زندگانی و تربیه افراد آنست که آموزش و دانش را فرزند و عظیم خود بوده موافق به ما افغانستان از خدای بزرگ

در تربیت اولاد خود توفیق نیاز مند های کشور و قبول التجا می‌کنند. نیاز مند های کشور و قبول التجا می‌کنند.

مادر دیده بـان روزهای نخست عصر فرزندانی بـرو و شـرس قوا می‌پذیرد.

ما به مادرانی حرمت می‌شـد شخصیت از دـا هـان دـبـستان فـرزـندـشـ مـیـباـشـدـ. دـهـنـدـ کـهـ باـ تقـوـیـ وـ فـضـیـلـتـ

گـذـارـنـدـ کـهـ فـرـزـنـدـانـ باـشـهـاـمـتـ،ـ مـادـرـ بـایـدـ موـاظـبـ اـخـلاـقـ زـنـدـگـیـ اـمـرـوـزـ وـ فـرـدـایـ وـ وـطـنـ

بـایـمـانـ،ـ اـسـتـوارـ وـ عـقـيـدـتـمـنـدـ مـادـرـ آـغـازـمـیـ يـابـدـوـتـكـامـلـ مـیـکـنـدـ.

رئیس دولت و صدراعظم بناغلی عبداللطیف الاحمدزاده پر فتند

تیکر امپایک، تبریزیکه به لندن و مانیلا
مهاجر بره گردید
 مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه
 خبر داد که از طرف پس از غلبه
 محمد داود رئیس دو لتو صد و ایشان
 تیکر امپایکه به مناسبت سالگرد تولد
 علیا حضرت ایزرا بت دوم مملکه انگلستان
 عنوانی هو صوفه به لندن مغایره شده است.

همچنان مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف پس از غلبه
 داود رئیس دو لتو صد و ایشان عقلم به مناسبت
 روز ملی فلپین تیکر امپایکه عنوان ایشان
 بناغلی فردینا ند هار کوس رئیس جمهور
 آنکشور به مانیلا مهاجر شده است.

بناغلی را با

دوکتور

محمدحسن شرق ملاقات کرد

بناغلی رایز معین وزارت امور خارجه
 جمهوریت مردم هنگری ساعت ده قیل از
 ظهر ۲۳ جوزا بادکشور محمد حسن شرق
 معاون صدارت عظیم ملاقات نمود.

درین وقت سفیر کبیر غیر مقیم هنگری
 در کابل نیز حاضر بود.

قراریک خبر دیگر پس از غلبه رایز ساعت
 بعد از ظهر پس از غلبه محمد خان جلال
 در بر تجارت و به ساعت شش بعد از ظهر بناغلی
 علی احمد خرم وزیر پلان نیز ملاقات
 کرد.

علی این ملاقات ها روی موضوعات
 مورد علاقه اقتصادی و تجارتی بین دولت
 جمهوری افغانستان و جمهوریت مردم
 هنگری مذکور را صورت گرفت.

همچنان بناغلی رایز ظهر ۲۳ جوزا ملاقات
 نیازی بافتخار پس از غلبه وحید عبدالمعین
 سیاسی وزارت امور خارجه هو تسل
 انتر کانتی ننتا ل ترتیب داده بود که در آن
 بنغالی محمد اکبر رئیس عمومی دفتر
 ریاست جمهوری ارا کین وزارت امور
 خارجه و سفیر کبیر غیر مقیم هنگری در
 کابل اشتراک داشتند.



بناغلی رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه هیأت اقتصادی کویت را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

در تمویل ۲۱ پروژه اتحاد شوروی همکاری اقتصادی و تکنیکی خود را برآزداشته است

علی ایکه اتحاد شوروی در تطبیق آن امدادگی
 همکاری اقتصادی و تکنیکی خوش ابراز
 کرده است در چوکات یکپلا ن دور نما یی
 مساعدت مالی و معاونت اقتصادی و
 تکنیکی برای تطبیق یکتمدادر پروژه ها در
 افغانستان خواهد شد. و عوامل استقلاده
 وسیعتر را از منابع طبیعی و زراعی کشور
 فراهم خواهد ساخت.

وزیر پلان از زود بیست و یکپروژه ای
 که همکاری اقتصادی و تکنیکی آنرا
 اتحاد شوروی با افغانستان وعده داده در
 ساحت احداث پروژه آبیاری و دستگاههای
 برق، ساخته ایزرا ن فابریکه ذوب مس،
 توسعه فابریکه کود کیمیا وی و برق، -

علی مسافت پس از غلبه محمد داود رئیس
 دولت و مسدران عقلم به اتحاد شوروی
 مساعدت مالی و معاونت اقتصادی و
 تکنیکی برای تطبیق یکتمدادر پروژه ها در
 کشور مورد بحث قرار گرفت.

دولت اتحاد شوروی علی پا نزده سال
 اخیر که در قسمت تمویل پروژه های
 اکتشافی افغانستان نسبت بر جسته داشت
 یکبار دیگر آمادگی صمیمانه خوش ایشان
 مورد کمکای اقتصادی، مالی و تکنیکی
 به جمهوریت افغانستان ابراز داشته
 است.

بناغلی علی احمد خرم وزیر پلان
 قسم توضیح مطالب متذکر پروژه

قوانین مالیه مواد استهلاکی وجواز سیر عراده جات نافذ گردید

براساس س تصویب مجلس عالی وزرا
 منظوری رئیس دو لتو قوانین مالیه مواد
 و خارجی منظور گردید و مواد استهلاکی
 تولید میدارند صرف نظر از امتیازات
 مالیاتی قانون مذکور از مالیه مواد استهلاکی
 مورخ ۱۵ جوزا نشر و نافذ گردید.

بعو جب این قانون نمایلای تی با لایی فی
 واحد مواد استهلاکی که در فا بر یکمه
 های داخلی تو لید و در گشود فروخته
 شود مبلغ تایپی طبق جدول منتدر جهاده
 سیزده همین قانون ن تعیین گردیده است.
 همچنین بالای تما م مواد استهلاکی
 گذربیعه مو تدین به شمول شرکتی
 سپاهی می شر کت های محدود المسوو لیت
 تصدیقهای دولت تصدی یهای مختلط، -
 شرکتی ایشان و می سسا تیکه به
 تولید ایشان و استغراق معادن و سایر
 انسکالا تو لید اموال اشتغال دارند مالیه
 گذاشته شده است.

باقر افت پیام رهبر ملی مادر و مادر

در سراسر کشور تحلیل گردید

نامه نگاران می افزایند که حاضرین مخالف

با استماع پیام بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم که به هنایت خبر نگار باخته می افزاید که به هنایت بعده آنکه پیام رئیس دولت و صدراعظم روزه این روز به مستحقین برروزه صحن شیوه کی و یوهنتون بودندی دکتور محمد حیدر رئیس یوهنتون با ابراز احساسات استقبال نموده آنرا هنرمند و مادر طی محل بانگویی از طرف همراه توشه عصر روز جمعه ۲۴ جوزا در تالار زینت‌بنداری تحلیل گردید.

با این بانگلی رئیس دولت و صدراعظم روزه این روز خجسته مادر طی مخالفانه روز ۲۳ و یک‌نهاش نامه و گنترت به پیام رسید.

روز ۲۴ جوزا در ولایات کشور ترتیب یافته بود

همچنان روز مادر طی مخالفان در

کلب جوانان کتابخانه های عامه وزارت اطلاعات

و کلتور تحلیل شد.

قرار یک خبر دیگر روز ۲۳ جوزا باین مناسبت

محل بانگلی رئیس دولت و صدراعظم که

تواخته شد پیام رئیس دولت و صدراعظم که

باین مناسبت شرف صدور یافته بود توسط

میرمن صالحه فاروق اعتمادی و نیمه دیرمن

توشه فرانت گردید که با احساسات گرم و با

کف‌زدنیهای هفتاد حاضرین بدرقه شد.

دو محل بانگویی که بمناسبت این روز

خجسته در دهیاری توشه ترتیب شده بود مجهزه

میرمن زینب‌داؤد خانم بناغلی رئیس دولت و

صدراعظم، بناغلی محمد نعم و خانم محترمہ

شان، دکتور محمد حسن شرق، عده‌ای از

اعضای کمیته مرکزی، اعضای کابینه، صاحب

منصبان ارشادی جمهوری، مأمورین غالبه

ملکی، والی کابل، عده‌گنتری از مدعیین با

خانم های شان حضور یهم رسانیده بودند.

طی این محل بعد از آنکه مادران هفتاد سال

مادران قابل قدر و نویسندهان و هنر هنرمن

میرمن زینب‌داؤد جوازیز تبیه شده توسط محترمہ

میرمن زینب‌داؤد خانم بناغلی رئیس دولت و

صدراعظم به آنها اهداء گردید.

دوین محل میرمن صالحه فاروق اعتمادی

رئیس میرمن توشه بایانه ای در باره‌های

روز مادر ایراد گرده و هم درین محل ترانه

عای چمپوریت، ترانه های مادر توسط اطلاع

و درگذشت میرمن توشه فرانت مدار فسروده

شد که طرف استقبال گرم حاضرین فرادر

گرفت.

خبر نگار باخته می افزاید مادران هفتاد

که حایزه گردیده اند قرار ذیل اند :

میرمن زلیخا واعظی مادر هفتاد درجه اول

از ولایت کابل، میرمن بیکم نساء مادر هفتاد

درج دوم از ولایت کابل، میرمن صورا

سکندری مادر هفتاد درجه سوم از ولایت کابل

میرمن معصومه مادر هفتاد درجه چارم از ولایت

کابل و مادران قابل قدر عبارت اند از :

میرمن زهره از ولایت کندھار، میرمن بی بی

حاجی ازولایت یکتا، میرمن کوکوکل از ولایت

ننگهار و میرمن محبوبه سلطانی از ولایت

ننگهار.

تعقیب این روز خجسته که مصادف با

جوزا می باشد محل بزرگی از طرف دافقانستان

خارجندی توشه در سینه‌ای آربانا قبل از ظهر

روز ۱۳ جوزا برگزار گردید

محل بانگل ایات چند از قرآن علیم

الشان استباح گردیده و پس از آنکه سروه ملی

جمهوری توشه شد بیام رهبری های که به این

مناسبت شرف صدور بساته است توشه

دوکتور نعمت‌الله پروان و وزیر معارف فرانت

گردید.

خبر نگار باخته می افزاید که نویسنده

پیام بناغلی رئیس دولت و صدراعظم و زیر

معارف بایانه ای ایراد گرده و متعاقباً عده از

منسوبین خارندی مفاسین، مقالات و اشعاری

پیرامون مقام مقدس مادر فرانت گردند و ترانه

جمهوریت و ترانه های توسعه زمزهای خارندی

خوانده شد.

محل باجرای گنترت خاصی توسط هنر-

مندان رادیو افغانستان در حوالی ساعت بیانه

و نیم بایان یافت.

خبر نگار باخته می افزاید که نویسنده

لیسه های مکاتب شهر کابل نیز روز ۲۳ جوزا

شم احتفالات و گنترانس های صنفی با ترانه

بیام رهبر ملی هاروز مادر را تجلیل نمودند

و چریده هایی به این مناسبت انتشار داشند.

همچنان روز خجسته مادر طی محلی روز ۲۴ جوزا

محترمہ زینب داؤد خانم بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم هنگام برید نگیک سالکرد مادران هفتاد سال

ارزاق قیلا با وزارت تجارت را جمع به فرار

داد تورید صابون از خارج به تعامل شده

بود که آن وزارت اخیراً فرارداد های رایا

کمپنی های صابون در خارج عقد گردیده است

که باور و دان در آینده تندیز یک قس ور ت

هموطنان از این ناحیه رفع مشود.

وی هنگریش فعل در بدل غر بر جه

احتیاطی کوپون مامورین مامورین دو گلجه

صابون داده مشود ولی بعد از تو رسید

صابون از خارج و تبیه آن از طریق فابریک

های گشود تعداد توزیع به شش گلجه

بلند خواهد رفت.

انجیری عبدالملک ویس سین زد -

شرکت گفت در نظر است سالانه بیش از

است.

بناغلی محمد آصف رئیس از راه

خود را از طریق ریاست ارزاق پفر و شن -

گفت باس اتفاقی که بین آن هو سسو

برسازند.

بناغلی محمد آصف متذکر شد ویاست

شرکت سین زد بعمل آمده صابون رخت

صفحه ۵

برای کوپون داران صابون توزیع میگردد

حسب هدایت حکومت

شوبی و صابون حمام مازاد شر کت موصوف

از طریق ریاست ارزاق به کوپون ۱۰ دان

عرضه میگردد.

منقول جلو گیری از صعود قیمت صابون

وی علاوه گرد برای جلو گیری از بلند

دقیق قیمت صابون در بازار به شر کت

مقازه های هر بیو ط برای ها مودین -

کاریگری ن واجیرا ن دو لت گز فته -

سبا می صنایع افغان یلچر خی نیز هدایت

داده شده تا مقدار کا فی صابون تو لیدی

گنترانس های صنفی با ترانه

بیام رهبر ملی هاروز مادر را تجلیل نمودند

و چریده هایی به این مناسبت انتشار داشند.

همچنان روز خجسته مادر طی محلی روز ۲۴ جوزا

تصمیم قاطع خلل تا پذیر و دامداریک هلت میتواند اورا به هدف عالی آش برساند

در دفتر مدیر

«درین روز ها که هوا بسیار گرم شده و تند باد های شدید توام با گرد و خاک کنافات را بر هر طرف می براکند، اگر تو جه جدی در قسمت حفظ الصحه محیطی مبنیول نگردد امکان بروز و شیوع امراض مختلف موجود است.

حفظ الصحه محیطی در قدم اول از وظیفه اساسی خود مردم است که بانیست در زمینه تو جه زیاد مبنیول گردد. اکثر دو کار ران در اطراف واکناف شهر که دو کار نهای شان بدون قفسه است میوه تازه را بالای مردم پفر و ش میبر سا نند، از آن گذشته یک تعداد از طواریان دوره گردنه تنها میوه بلکه آب، شیر یخ وغیره مواد را به مردم عرضه میدارند که اگر میوه در سنت شسته نشود امکان بروز همیضی های مختلف در وجود یک نفر وجود دارد. صحبت اطفال خورد سال که اصولاً تو جه باین امر ندارند بیشتر ازین ناحیه به خطر مواجه است. فکر میکنم در قدم نخست از وظیفه تمدن دو کار داران و طوافان است تادر زمینه توجه نموده و مواد خورا کی دست داشته شانرا با جالی ها و تکه های سفید و پاک بپوشانند و هم وظیفه تمام فاصله ها است که در زمینه توجه نموده و مواد خورا کی را بعد از آنکه خوب شسته شود، بخورند، این نامه را یکسی از دوستان و خوانند کان خوب مجله ژو ندو ن بنیاغلی عبدالباقي برای ما فرستادند و مابدون اندک تغیری آنرا به نشر رساندیم.

بخا طر آنکه راستی هوا سخت گرم شده و تجربه نشان میدارد که همیضی های گونه گونه درین فصل شیوع میباشد که اگر با مراقبت و تو جه به یک سلسله مسائل ابتدایی صحت چلو نشو و نما جرائیم و مکروب های مختلف را نگیرید امکان دارد امراض مختلف بروز نموده و در اسرع وقت در اطراف واکناف شهر شیوع یابد.

ژوندون

شماره ۱۳ شنبه ۲۵ جوزا ۱۳۵۳ برابر با ۲۴ جمادی اول مطابق ۱۵ جون ۱۹۷۴

روز مادر

مادر موجود یست سزاوارستایش و احترام فراوان، بخا طر رنج های بیکرانه ایکه برای رشد و ترقیه فرزندانش متتحمل میشود و بخا طر نقش سازنده ایکه در جامعه بازی میکند.. ازین قرار مادران دارای مقام والا و شکو همندی در جا ممکن باشند.

برای اینکه از مقام منبع ما در قدردانی بعمل آمده باشد روز خجسته ویر میمانت مادر روز ۲۴ جوزا باشکوه تراز هر وقت دیگر در سر تاسو افغا نستان تجلیل گردید.

مقام ما در از آنچه واجد احترام و ستایش است که تهداب گذارد شخصیت فر زندان نیک و عناصر سالم برای جوامع اند. این مادر است که رسالت عظیم را داد تر بیشه فرزندانش بعده میگیرد و تلاش زیادی درین راه بخراج میدارد.

موقع زن در سهمگیری جوانبه مختلف کارهای اجتماعی و حیاتی در کشور ما از دیرینه قابل تذکر ویاد آوری است. نیفست طبقه نسوان که ده سال قبل بتا سی از اندیشه های نیک رهبر عالیقدر ما بوجود آمد، برای طبقه نسوان زمینه بیشتر میسر گردید تادر امور اجتماعی سهم فعال بگیرند.

بسیاری از ما درانی را میشننا سیم که در پهلوی تربیه فر زندانش، تحت شرایط بسیار دشوار به کارهای اجتماعی نیز تن داده اند. تا بدین وسیله امرار معیشت نموده و فرزندان صالح و سالم تحويل جا ممه بدهند. بگذار زنی را ستایش کنیم که مادر است. مادریکه بخا طر تر بیه فرزندانش در بدبیرین شرایط شب و روز کار گردیده و فیضه از اندیشه آنها فارغ نبوده است، تا هدف و لای که در تربیه فر زندانش داشته باورده شود.

ما روز خجسته ویر میمانت مادر را به تمام ما دران کشور تبریک و تهنیت گفته آرزو میبریم فرزندان نیز همیشه وظیفه و مسئولیت خود را در مقابل مادران درک کرده و همیشه کار دی کنند که والدین هما نظر ریکه توقع دارند از آنها راضی باشند. و مسئولیت عظیم و خطیر که مادران در تربیه فر زندان شان داشته آنها نیز برای شگوفانی و آبادانی مملکت در شرایط که نظام جمهوری در کشور مستقر است همیشه کوشان وفعال باشند.

السُّلْطَانُ الْمَرْفُوزُ الْكَبِيرُ

ازع : هبا

بزرگ تو بود که برای سه مرتبه ای سب
هر اسر نگو نگرد تا انکه اینک دیگر توان
از جا بلنده شد ندر آن موجود نیست ، آرزو
نهند خواهش والتماس را پیدا بیری و دعا
کنی که اسب من دو بار به سلا مستاز
جایش برو خیزد و فیرت حرکت و رفتار
پسدا کند و بحال او لی اش برو گردد و من
در هر جاییکه باشم از تو از دعو ت نوحایت
خواهم کرد و من به عظمت اسماء نی تو
اعتراف دارم ، محمد (ص) دعا کرد و آن -
اسپ دوباره بحال اول خود درآمد و از جا
بر خاست و آماده حرکت شد .
درین مرحله نیز امکان نجات پیامبر
اسلام در آن حال غیر مسلح بود ن در -
برابر این خود پیکران سلح ، پیشوایانیکه
چوانان مکه در برایش ایشان نه ای از -
شجاعت بوده نمی توائیستند غیر منصور بود
ولی باز هم خداش او رانجات داد و -
دشمنش را سر افکنه و منقاد شد
ساخت .
با فیدارد

من نهایی وی در جواب گفت ای یبغیر خدا
این امر حقیقت دارد من چنین میکنم یبغیر
اسلام گفتند ای عثما ن خداوند ما به
رعبا نیز نه و ستد است و بپرسی بن دین
آنست که گذشت و اعتدال داشته باشد
بدون شک جسم جسد اهل تو برا یست
حق دارند باید نهای ز بگذر اری و دو زه
بگیری والظاهر کنی .

ابن ملقعون (رض) شخص عاید و خدا جو
بوده از داشتماندا ن اصحا ب بحسا ب من
ایند و از حجا زیاد برخوردار بود چنانچه بد
میدید که همسر ش عورت وی دا بیبیند
و این امر نیز یحضرت رسو لعلیه اسلام
رسیده برایش گفت چرا ازین امر حیا نموده
بدعیتداری زیرا خداوند همسرت دا برای
تو و ترا بپرسی دلها س گردانیده است
فایلیم عورت هرا هی بیست . وی در جواب
گفت ای یبغیر خدا (ص) شما خود اینکار
رابکنید سپس این ملقعون در خست شد
یبغیر اسلام گفتند این ملقعون ن شخص
با حنا است سر انجمام ایسن صحا به
جلیل القدر هر یعنی مد حشی که منجر به
مرگ او شد مبتلا گردیده یبغیر اسلام
وقتی داخل شد در حالت سجده دلیا را
ترک نموده است از چشما نرسو ل خدا
آنقدر اشک ریخت و او را بوسید گهانش
رسول خدا (ص) بر خسار عنمان بن
ملقعون جاری شد و یبغیر اسلام تا قبر
جنائزه او را مشاهد نمودند و در جنت
البعض بخاک سپریدند .

ان الله وانا لـه راجعوا ن
زما نیکه دفن گردید یبغیر علیه اسلام
فرمودند چنیک شخصی که از میان ما رفت
پسرش سایب و برادرش قدامه بن ملقعون
ازوی احادیث بسیار روایت گرده اند .

عقیده و وطن

قسمت دوم

هرسان نشوید بعر کت خودادمه بد هید
درین دقایق باز آن اسب بعدی سرتکون
شد که آن شجاع خو ناشام رانش زمین ،
ساختولی اینبار اسب وی دیگر از جایش
بر نخاست و چون فاسله اند ل بود خطاب
به محمد (ص) صدا زد که توقف نماید
دیگر باشما کاری ندارم . دیگران این
لجه او را حیله و مکر خواندند لیکن محمد
بالغ نیست و در هر صورت آنها رسیده است ،
باید از شتر پیاده شویم و با ایشا ن مصادف
توقف نمود و به سراغه فرمود چه میخواهی
دھیم ، اما حضرت محمد (ص) هی فرمود -
بکوئی ؟ گفت اکتو ن متین شتم رو ح

اسپ گردید و همانطور بدنیا ل ایشا ن براء
افتادند . در مرحله اخیر که بسیار نزدیک
رسینه بودند و بر اسب های خوش نهیب
میزند و شمشیر های خود را از غلاف بیرون
آورده بودند برخی از همراهان محمد (ص)
ازشنا ختن سرا قه و شجاعت و دلیری که او
درین هردم مکه دارد بسیار در هر اس -
افتادند و حتی گفتند که دیگر فاسله ای
بالغ نیست و در هر صورت آنها رسیده است ،
باید از شتر پیاده شویم و با ایشا ن مصادف
توقف نمود و به سراغه فرمود چه میخواهی
دھیم ، اما حضرت محمد (ص) هی فرمود -

ج - در راه بشرب :

حضرت محمد (ص) با ابو بکر صدیق
پس از سیری شدن چند روز از آنجا بروند
شدن و با سواری شتر راه خویش را در
وادی های گسترد و هموار بجا نب پتر ب
باز گردند . با هنات ره عی پیمودند و با
آنکه قدم بقدم از همه وحدود آن دور و دور
ترهیشندند باز هم از خطر آن دشمنان سر
سخت و گینه جو مطمین نبودند .
قبایل قریش و قتل مسا عی خویش را
برای پیدا کردن محمد (ص) بی نتیجه
بافتند بالآخره یعنوان آخرین چاره فصله
کردن که هر کس بتواند محمد (ص) را به
قتل برساند و یا گرفتارش نموده نزد ایشان
حاضر گند هست حق یکصد شتر جایزه -
خواهد گردید . یکصد شتر تروت بسی
نظیری بود که بجز درید ل همین قیمت میسر
شده نهیانت است ، تروتی که مسله مرگ
وزندگی و مسله سر نوشت بحسا بیعنی
آمد .

شغصی موسوم به سراقه با غلامش
که هردو در شجاعت و عتود لیری د قبیل نه
داستنند برای دریافت این جایزه کا نزد
شدن و مردم نیز همه باور گردند که
اینکار تبا و تبا از سرا قه و غلام نا می
اش ساخته است ، اسپهای تازی و کم
تفیر خویش را سوار شدند و شمشیرها
کشیدند و بدین منظور راه ببابا ن عای
شرب را در پیش گرفتند . یاد یکصدتر
جایزه هر لحظه بر شجاعت آنها میزود
و قمچین های سوزنده ایشا ن بیلوی اسپ
شارا میسو زاند .

محمد (ص) و همرا هاش از مکه خیلی
دور شد و بودند که حتی در نظر بعضی
ایشان دیگر خطری از ناحیه قریش متوجه
آنها نمتصور نبود .
درین لحظات ابو بکر صدیق چشم های
خود را بسوی عقب در صحراء افتادند و عمیق
نگاه کرد گفت در نگاه من از آن سوی صحراء
گرد و خاکی بلند میشود و دیگران نیز
چشمیدند او را تایید گردند که غباری در
صحراء هست ولی باید این غبار سم اسپ
های قریش باشد که بدنیا ل ها افتاده اند
مارا تعقیب گرده اند . این گرد رخاک نزدیک
ونزدیک تر هیشد ، فاگیان هشاده گردند
که اسب یکی از آنها سر نکو ن بزر میش
افتاد . بس از لحظه ای چند دوباره سوار

شعهیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

قسمت دوم

حضرت عثمان بن مظعون (رض)

با چنین پیش آمد ها مواجه بود بعد تا اینکه به
مدينه متوره هجرت نمود .
شاعر اتش زبان عرب گرم بود و با شاد
وقاید بزمی احسا سات مردم را تحریک
از اسلام العلاء روایت عیکنده گفت . یبغیر اسلام
میگرد درین اثنا عثمان بن ملقعون در یکی
از گفتارش بصر احت اتفاق نموده آتش
خشم شاعر و همنشیتا نش را شعله و ر
ساخت . لید به قریشی ها گفت . این
همنشیتا نهاد را اذیت میگند و مجلس
ما اخلال وارد می نماید یکی از آنها گفت
بنگذار که او دیوانه و نایان است هیان ما
و درینها و خته است ، اسپهای تازی و کم
آنرا درین جنگ بصفت یک اسراردا کارو
یک سر باز بایها ن مشاهده کردم که در
راه خدا و اسلام چنان شمشیر میزد که
بات تتعجب همگا ن فرار گرفت .
همسر عثمان بن مفعون روزی به خانه
یبغیر اسلام داخل میشود و ازدواج مطهرات
از شو هرش می پرسند در جواب میگویند
روزه میشه روزه دار دودوش بیدار خوابی میکند
در این اثنا یبغیر علیه السلام به خاله
می آیند و از واج مطهرات حالت عثما ن
بن ملقعون را برای شان اطلاع می دهند
وقتیکه یبغیر اسلام بن ملقعون را ملاقات
میکند برایش میگویند یعنی خبر رسید که
روزها گذشت و عثما ن بن ملقعون رض

مسافرت تاریخی نکسن در شرق میانه

کامل فیصله نامه نمبر ۲۴۲ ماه نوامبر ۱۹۶۷

متوجه امریکا مسافرت تاریخی خود مساله جدا ساختن قوا در جبهه زیان کشید.

را در شرق میانه ادامه میدهد. وی جولان که همین حال لار حال تطبیق به قاریخ دهم چون به مقصد این است. بدون شک این کار هم تأثیر

این هم بائیستی متضمن هنافع

در مسافرت شرق میانه خویش در این سفر، از واشنگتن عزیمت کرده و برای مشبته بر روحیه عربها داشته است

دو روز در اتریش توقف نمود. طی

که نه تنها مردم سوریه از نتایج

این دو روز با زعمای آنکشور ملاقات آن مجسس شده اند بلکه سایر

نموده و روی مسایل مورد علاقه دو مردم عرب نیز آنرا به نظر قدردانی

کشور مذاکراتی انجام داد. همچنان می بینند.

داتر هنری کیسنجر که درین سفر

با نکسن همراه میباشد، گذشت

از مذاکره با مقامات مربوطه اتریش

با گنتر وزیر خارجه جمهوریت اتحادی

مان در یکی از شهرهای سرحدی

آنکشور با اتریش مذاکراتی انجام

داد.

از تعقیب توافق دوروز در اتریش

رئیس جمهور امریکا و همراهان نش

وارد قاهره شدند. در قاهره

انور السادات رئیس جمهور عرب

هردو سایر شخصیت های مصر و

نمود آنکشور از نکسن و همراهانش

استقبال نمودند. گفته میشود استقبال

هردو حکومت جمهوریت عربی مصر

از نکسن خیلی گرم و با حرارت بود

طوريکه خوانند گان گرامی اطلاع

دارند مسافرت نکسن در شرق میانه

به تعقیب دو موافق بزرگ داتر

هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات

متوجه امریکا در شرق میانه صورت

میگیرد. یکی ازین هو فقیه عبارت

است از جدا ساختن قوا در محاذ سفر نشان میدهد آنچه کیسنجر آن راجع به روابط دو کشور از سویز که در اثر آن اسرائیل در انجام داده هردو تایید وی حکومت اقتصادی و کلتوری گرفته تا اجتماعی و مردم امریکا است. علاوهتا رئیس شرق کanal سویز عساکر خود را عقب کشید و کانال و اطراف و جوانب آن در اختیار هردو گرام بیشتر مصادر مانند تا برو گرام بیشتر روی این امر خواهد کوشید در بیانیه گفته شده است که هردو کشور را که ایجاد میکنند در های اعماری را که ایجاد میکنند در آنکه حق دارند هر راهی را که سیاستی واقعیت های عربی را کمایی کند چه همکاری ها و معاونت های وسیع میخواهند در امور اقتصادی اجتماعی سیاسی وکلتوری برای خود اتخاذ شود. علاوهتا درین جدا ساختن قوا قسمت زیادی از جزیره نمای سینا که در آنکه در جنگ ۱۹۶۷ بین اسرائیل و اعراب در اشغال اسرائیل در آمده بود مجددا به تصرف هردو آمد. واژه هم گذشته با جاه گزین شدن عساکر صلح ملل متعدد بین قوای متخاصم حدا قل موقتا صلح در آنجا تأمین شد بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و این مبارزه را بوسیله سلاح برای صلح تامین گردد و وسائل پیشرفت

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و این مبارزه را بوسیله سلاح برای صلح تامین گردد و وسائل پیشرفت

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین علل بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

اعراب علاوه بر یکنده کشورهای البته صلح عادلانه و با دوام با تطبیق نمودند.

و هردو هردو جانب تایید نمودند اسرائیل بیکار نمودند با همکاران می بینند هردو جانب تایید نمودند

و معاونت دهنده گان آن هم در مبارزه که صلح جهانی و تضمین ادامه آن ایجاد آنرا میکند که در شرق میانه بودند.

بنابر همین عllen بوده است که گویا هردو هردو صلح از استقبال گرم خود در نفت انجام دادند. در مقاطعه نفتی وانکشاف درین ساحه جستجو شود برابر رئیس جمهور امریکا درین اینچه در صفحه ۵۹

بیش در خشکه می زیستند و نسل
های بعدی تدریجاً پدریا رو کرد و
در آن تکامل تغییر شکل داده و با
محیط آب ساخته اند.

این دو خانواده از نظر تکا مل
ذهنی به انسان نزدیک تر اند و گفته
میشود که بعد از انسان با هوش
تیرین موجودات جهان میباشند دو
لوفین ها که از لحاظ جسمی به اندازه
انسان هستند هزاران سال است که
رابطه روتانه با انسان های ساحل
داشتند.

مثلث افسانه های یونان باستان
و افسانه های دیگر از کمک این حیوان-
نان به فرزندان آدم حرف های است
تا قرن فعلی اکثر مردم این گفته
ها را فقط افسانه می پندانند تا
اینکه اتفاقات مشابهی صحبت افسانه
را نشان داد.

در طی چند دوام یک دو لوفین
قایق حامل شش پیلوت امریکا بی را
که طیاره شان در دریاسقوط کرده بود
تا ساحل رساند هشت سال بیش
بعد دو لوفین در خلیج سویس شنا-
گری را زنگ کوسه‌ماعی هانجات
دادند و آنقدر از او محافظت کردند
که بالاخره به ساحل رسید.

در سال ۱۹۵۶ در ساحل ذیلان
جدید دو لوفین مادر ایکه مردم آنکشور
او را تو فول نام دادند هر روز
تابستان با شنا گران به توب بازی
می پرداخت و کود کان را در بازی
ها عمرانی میکرد.

در حال حاضر ماهیگیران استر-
الیا جزیره موریس سواحل افریقا
و ساحل های امریکای جنوبی، هند
و جمهوریت مردم چین ازین دوستی
دو لوفین ها استفاده میکنند و صید



خواندنیها

اولینکا برووا ۲۳ ساله یک چهره سانتیمتر است (هفت سال را با ماند). در حال حاضر الیزابت تایلر امید جذاب سینمای چکو سلوا کیا سر براد هاریس در چوکات زنا شوهری گرم جها نگردی میباشد در حال حاضر در روم است. در فلم گذشتاند، اما پس از گرفتن طلاق برتون که سخت در برابر زیبایی زن ازاو اکنون در منزل یک پرورد وسر از خود ضعف نشان میدهد موقع نیابد و خطری را متوجه او نسازد. دخترش سیرینه اغلب اوقات پیش مادر کلان خود در پراگ می‌باشد. (اندازه سینه و بغل او لینکا ۱۱۰-

یویس مونتاند ۵۲ ساله که یک

هنرمند مشهور سینمای فرانسه به شمار می‌رود (هو اخوه زنانی مانند ایدت پیاف، فرانسروا سماکان و ما-

نرلین مونرو میباشد) مجدداً عاشق

شده است. او هنگام فیلمبر داری

فلمنی بنام (اتفاق واچار) در نیس

با هنر پیشه جوان امریکایی بنام

کاترین روس آشنایی نایاب شده

پس دگر آندو جدایی نایاب شده

اند. یویس مونتاند که پیش از

ظاهر شدن به روی پرده سینما یک

خواننده شناسون بود اکنون تصمیم

گرفته است که دو باره به آواز

خوانی بپردازد. کاترین روس نیز او

را درین راه سخت تشویق میکند

سیمون سنیوره همسر ۵۲ ساله

یویس مو نتاید عجالته نفسش را بلا

گرفته هیچگونه اظهار نظری در زمینه

نماید تا دیده شود که آینده

شود که آینده چه میشود.



دولفین

نسل نهنجک های عظیم الجثه
او قیانوس های جهان، در خطر ازین
رفتن است.

فamilی های کوچک تر حیوانات
بحري و خوک های دریایی، توجه
دانشمندان را پیش از پیش جلب
کرده است. اخیراً کتابی در لندن
به چاپ رسید بنام نهنجک ها، خوک
های دریایی و انسان، که نه تنها شامل
تاریخچه روابط انسان با این پستان-
نداران با هوش دریایی است بلکه
دسته های ماهی را به طرف ماهیگیران
آخرين کشفیات دانشمندان را نیز
می رانند. در حال حاضر کشور های
در باره آن حیوانات در بر میگردد.
روغن نهنجک را قدغن کرده اند تا
لوفین یا خوک دریایی پستا نداران
شاید شکارچیان نهنجک تعداد کمتری
اند که اجداد شان ملیو نهای سال
صید نمایند.

از گل احمد زهاب نوری

خاطرات مهما نداران طیاره

کویمه:

دین در ۳۰۰ سفر هوایی شرکت



کویمه: من عاشق اسپ سواری هستم
دستکش های نازک و قبهوه ای
رنگش را، بیک دست می گیرد،
نستی به موهای سیا هش میکشد
بعد، میگوید:

مهمازداری غریزه فطری افغان
هاست، من هم شاید روی همین
غریزه و شاید هم، برای تسکین
حسن کنگاواری ام، بعیث مهمازدار
طیاره شامل کار شدم و ...

باز می برسم:
وچه خا طراتی ازین سفر هایست
داری؟

کویمه می گوید:
چه خاطره بی؟! همه سفر های
ما خاطره است، مثل همان سفر
نخستین ما، وقتی برای اولین بار،
بیک طیاره بزرگ و مدرن، به هوا
بلند شدم و لحظه بی که در یک
شهر دیگر، دوراز وطن وزادگاه
قدم گذاشتیم، هر یک خاطره های
فراتوش ناشدنی است.

من درین سه سال، به شهر های
دهلی، لاہور، امریتسر، بیروت،
نہران، استانبول، پاریس،
فرانکفورت، امستردام، لندن، روم،
مسکو، تاشکند سفر کرده ام و

در واژه اتاق را باز می گنم، از
جایش برمی خیزد، قدش کمی
بلند است، چشم های در شتش
کمی تنگتر می شود، یو نیفورم
سر خونگی بتن دارد... با خنده
دستش را بسویم دراز میکند، با
او احوال پرسی میکنم می نشتم لحظه بی
بعد، کریمه شروع به صحبت
می کند و... نیعنی می مس قصه
ها میگوید.

او ۲۱ سال قبل، در فامیلی که ۲۳۵ طفول دیگر دارند، چشم به دنیا
می گشاید، سالها یکی بی دیگری
می گذرد، او بزرگ و بزرگتر
می شود، تحصیلات خود را، در
لیسه زرغونه تا صنف دوازدهم به
پایان می رساند، به پوهنتون
می رود و امتحان کانکور را سپری
می کند، اما چند روزی بعد به او
اطلاع میدهند، که شامل پوهنتون
شده نمی تواند.

کریمه مایوس نمی شود، او از
مدت ها سرت که آرزو دارد،
مهما ندار طیاره شود، چه فرصتی
بهتر ازین؟

به داریانا افغان هوایی شرکت
مرا جمعه میکند، تستی را می گذراند.
او که دختری ذکری و پر معلو مات
است و به انگلیسی، پخو بسی
حرف می زند، اینبار موفق می شود
و شامل کار می گردد ...

حالا بیش از سه سال از آن روز
گذشته، سه سالی که بیشتر
شب ها و روز های آن را، در یک
ودر پشت ابرها، به سفر گذرانده
است.....

می برسم:
چه انگیزه بی باعث شد، که این
شغل را انتخاب کنی؟

پیغنه کریمه مهمازدار داریانا
افغان هوایی شرکت

* هر کس به چیزی عشق میورزد، بن عاشق اسپ سواری هستم.
* کودک چهار ساله بی که هم گنگ وهم کر بود ساعتها تنهای
با ما سفر کرد و ...
* ما ۲۴ خواهر و برادر هستیم.

دریک کشور خارجی، از من بر سیدند:
درستی است که دختر های افغان کمر باریک اند؟
مسافری که درین طیاره برای من نوشته ...





پیغله کریمه مهمندار داریا نا افغان هواپی شرکت



پیغله کریمه به سوالات خبرنگار زوندون پاسخ میدهد.

کت کرد ۱۵۱م

درین سفرها، چیزهای بادستکش هایش
مشغول بازی بادستکش هایش
می‌گردد....
بناغلی عبدالعلی سرور، آمر
تبليغات موسسه آریانا که زمینه
بشيما می‌رود. کریمه برای لحظه‌یی
سکوت می‌کند، و من باز هم
سوال که در ذهنم پیدا شده بسود
اینطور طرح می‌کنم:

موسسه می‌برسم:
برای مهمنداران طیاره، چه
تسهیلات و آنها تو... فایض
شده اید، که بیشتر دختران، این
شغل را انتخاب می‌کنند؟

خیره می‌شوم، می‌بینم باز هم
او لبخندی می‌زند و آهسته بر روی
چوکی می‌نشیند، بعد می‌گوید:
برای همه کارکنان این موسسه
تسهیلات و امتیازات خاصی وجود
دارد، که باعث تشویق آنها در
کارشان می‌شود.

مثل دادن تک رایگان سفر به
هر نقطه دنیا که طیارات آریانا
برروز داشته باشند، به همه
کارکنان آریانا او از جمله مهمنداران
طیارات، دادن تک سفر حج،
برای والدین مهمنداران، در عمر
سه سال یکبار، تخفیف در قیمت
تکهای سفر، برای فامیلی
کارکنان آریانا و امتیازات دیگری
از همین قبیل...

باز گفتگویم را، با کریمه
مهمندار سابقه دار آریانا ادامه
میدهم، او یکی از خاطرات جالب
مهمنداری اش را، اینطور قصه
می‌کند:

چند هفته قبل، پسرک کوچکی
که در حدود چهارسال عمر داشت،
تسبا، از کابل به فرانکفورت
سفر گرد. این طفل در مراحله
نخست از طیاره وحشت داشت و
ناکس برداری کند...

کریمه، این دخترک بلند قد و
خوش اندام، باز هم سکوت می‌کند
طیاره بروز کرد، ناگاه پسرک در

پیغله در صفحه ۵۴



میز مدور زوندون

دانی عاطوری است که نه تنها نقشی در کاهش بخشیدن حجم کنایات روی جاده و کوچه ندارد بلکه گاه خود به یک مخزن مکرر و تعفن تبدیل می‌گردد و ناشاعر چند مرتب اش را به معیطی کثیف و چنل تبدیل می‌نماید.

راه چاره از نظر من این است که شاروالی بیلر های کم خروج که سر پوش آن اسان باز و پسته شده بتواند ساخته و آنرا مخصوصاً بعفو اصل نزدیک بیم و بیایه های برق - نصب نماید و دیگر اینکه در تخلیه آن کم توجهی نگردد و لاقل عمر دو و زیکد فسنه کنایات جمع شده بیرون شهر انتقال داده شود مشکل دوم در ناحیه ای که من در آن زندگی دارم افزایش روزافزون گذاشتی حرفوی باند پیچ شده است که در عمر چند قدم مراهم رعروان میگردد و تا چیزی - نگیرند و اگذار طرف نمایی شوند.

این مشکل هم بتواند با چدیت بیشتر مأمورین مرستون و یا هر شعبه و هو سسه مسؤول دیگر رفع گردد تا هم حیثیت شرمنه محفوظه بماند و هم رهروان از عدای مزاحمهن وار هند.

مشکلات اساس مردم ناحیه دوم آب، برق و اسائلات نیست اکنون هد تمبا است که این کمبودها بر آورده گردیده است و لی بی توجهی ها در نسواحی گاه و بگاهه و جویی میگردد که جاده های یاک به مخزن آلوگه ها بدل گردد یا که عومن مردم مالاین است که هیو هجات رادر حال راه ها نموده است سا ختمان این زیارت

مشکلات را از میان برداشت؟

و برای اینکه شاروا را لی توانسته باشد ساخته خدمات اجتماعی و شهری اش را - بستر گستره سازد چه طرح همچو بالانهایی باشد بعمر حله اجرای قرار گیرد؟

در خواست ما از شما اشتراک گشته که آن غیریز این است که عرکدام در محدوده مشکلات ناحیه ای سخن بگوید که در آن سکونت دارند و دیگر اینکه نظرات انتقاد این و پیشنهادات شما درسا که امکانات ایجاد کردد که بر اوردن آن میسر باشد و در شرایط کنونی تطبیق آن به بخشی از مشکلات اشاره شده بیان بخشید اینکه سخن را بشما میگذارم.

زهره شریف:

گوینده نخست است او بعداز مقدمه کوتاهی در باره مسائل شهری، مسیر گوید: عدم رعایت حفظ الصحه معیط به منظور تامین نظافت و پاکی شهر یکی از مشکلات اساسی است که از نظر من باشند گا ن تمام توافق شهر و شیوه های مقاومت با آن رویروان و از آن رنج میبرند.

یکی از دلایل اینکه چرا پاکی و سترک در کابل تامین نمیگردد این است که هنوز مردم همچنان تدارکده مسائل تنظیمه شهر احسان مسوو لیست نهایت و سیم گرفتن در این امر راوجبه قبول شده خود بدانند و دیگر اینکه شاروالی کابل با آنکه زیارت دانی ها را در گوشی و کنار جاده ها و کوچه ها نصیب نموده است سا ختمان این زیارت

نتظم و نگارش: روف راصع و نفیسه محمود
زیر نظر مهندس مشورتی زوندون
پاشترانی:

- محمد امین قدیری محل مصل منصف یونج بو لی تغییک ناحیه اول
اسدالله شعور محل ادبیات ناحیه دوم
بنگله زعره شریف محل بو هنخی حقوق ناحیه سوم
- خلیل الله حیدرزاد محل طلب احیه یونج
محمد نادر پیشناز محل بو لی تغییک ناحیه هفتم
سبدالحیب نوون محل حقوق ناحیه ششم
سوارسلا شیرازی محل انجیری
نظرات از: نجیب الله و حق ودو ستایختی

روستا باختی معاون مجله زوندون:
زوندون به منظور انکاس بخشیدن -
شان محسوس است تعلق میگیرد و این
واقعیت های معیطی وزندگی میوهی
بدان جای است که تعداد بیش از ۵۰ هزار
جمعی و به منظور راه های بیو و راه
از خواندنگان مجله زوندون همیشه در این
معدوده باداره مجله میرسد و مردم -
خواهان آنند که مجله محبوب شان روی
مسایل حیاتی واجتها عنوان مشکلات و کمبود
های گروهی هی شان مطالبی را بشناس
خود را برای حل مشکلات عام تر و عمومی
سپارد.

سؤال این طور طرح میگردد:
از این مبحث مادر این دور به مسائل
شهری در دایره کنترول و مرآ قیمت نزدیک
نظرشما با درنظر داشت ساخته ای
وسع حقنه الصحه معیطی، ترا فیک و
مشکلات باشند گما ن محلات کهنه ساز



یک تن از اشتراک گذاران میزبانی زوندوز در حال بیان نظر را تاش.

در خدمت نهاد

ترین کارتهای توسعه کابل باز هم با
میرزا های رو برو می گردید که بکوچه و
بیاده رو حاشیه منزل سرای بر میگردند
این بیک تقدیمه است لاآقل پتو بسید وقتی
کارتهای خارجی احداست میگردد باین اصل
توجه مرد و اولد گی ها در حالیکه اینظور
نیست و محلات کهنه ساز باین بهانه که
کانال گشی بیفتدند.

در حال حاضر بوضع حفظ الصحه وی وقت
بارشبر گفته باید تو جه چدی مید و ل
گردد و برای اینکه مشکلات وا فی مردم -
باشند کان این نواحی میگردد .
دوست ما از بی مبالغه مردم دو تامین
حفظ الصحه محیطی یاداور شدند و من همی
خواهم بگویم اخلاق اجتماعی مردم را باید
پرورش داد همین اکنون وزارت صحیه و
رباست بشاروا لی شب و دارا ت عریض
وطو یلی با سمای حفظ الصحه محیطی و -

من به تایید گفته های دوستان یاد
آوری میکنم که مسا له حفظ الصحه محیطی
و تامین نفا هست شیر نه تباوار و جم این
مشکلات اجتماعی میگردد بلکه در شیوه ع
اشراف نقش اساسی دارد تا گذشتگانه
برای تامین حفظ الصحه محیطی کاری صورت
نگرفته است مشکل دوم در ناحیه پنجده و
محلات غربی آن گمبد آب آشانه میدنی صحر
است که فکر میکنم باز هم بیشتر باشندگان
نواحی دهگانه با آن روبراند .
بشاروالی سابق با انتشاراتی که بیک
عده مردم داده موجب گردید که قلت آب بیشتر
محسوس باشد .
شاروالی کابل سا لها است از مردم بیول
تنظیفات میگردد اما یا از تنظیمات اصلاح
خبری نیست و با اینکه تو جه بیشتر به
مناطق تو ساز شیر است نعملاحتی که

روی سخن من هم بیشتر در همین مورد
است.

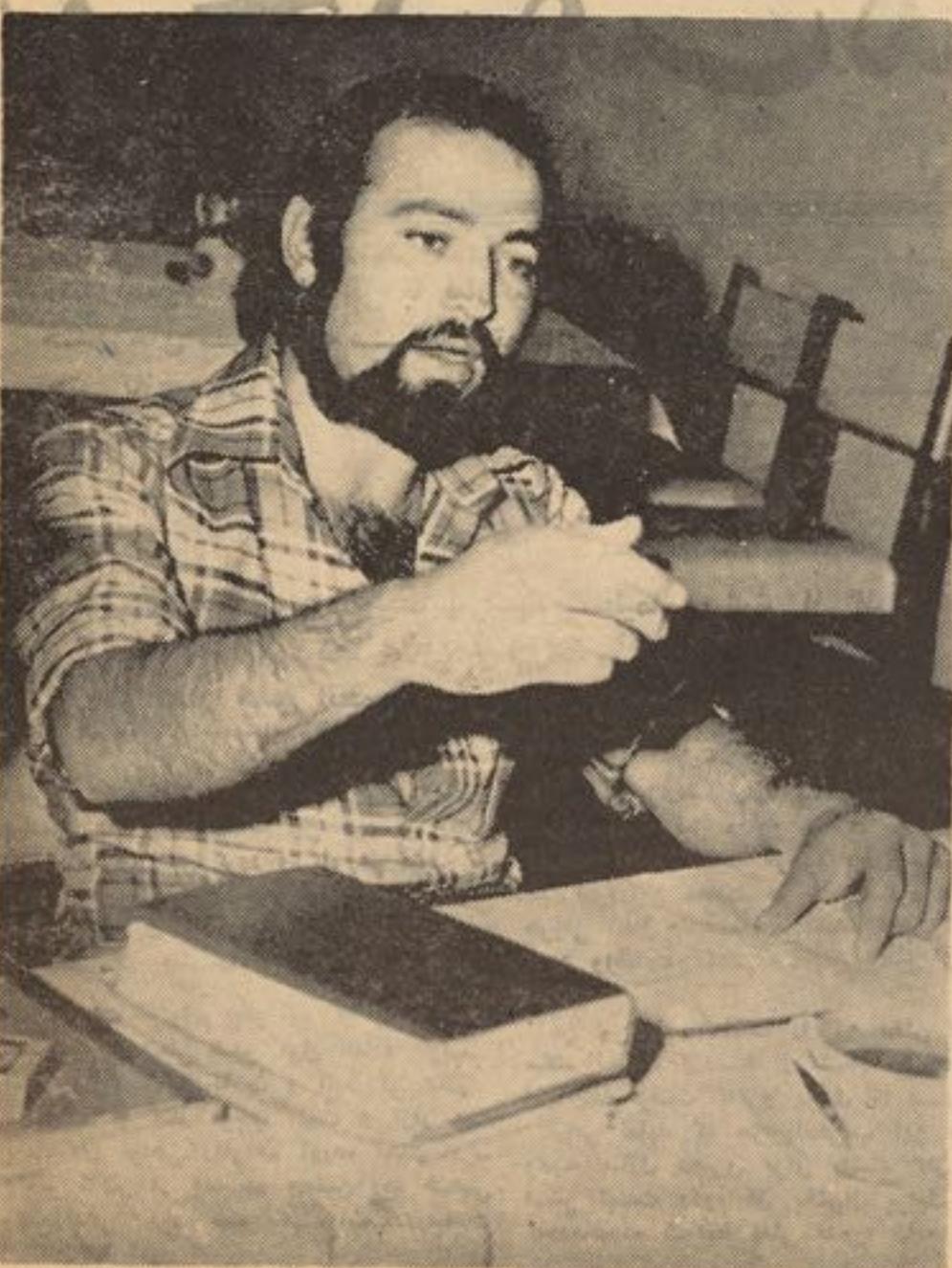
به عقیده من بیشترین تو جه بنا روایی
در شرایط گذشتگی بایست متوجه محلات
کهنه ساز شیر باشد و در زمینه رفع
کنایات و الود گی ها در حالیکه اینظور
نیست و محلات کهنه ساز باین بهانه که
زیر تغیر است که علا ازیاد رفته است .
و همین موجب سنجین شدن بار مشکلات
باشندگان این نواحی میگردد .
دوست ما از بی مبالغه مردم دو تامین
حفظ الصحه محیطی یاداور شدند و من همی
خواهم بگویم اخلاق اجتماعی مردم را باید
پرورش داد همین اکنون وزارت صحیه و
رباست بشاروا لی شب و دارا ت عریض
وطو یلی با سمای حفظ الصحه محیطی و -

از زندگی بیزاره میگذرد و حتی شبکه های آن ،
برق و اسغالات نیز در این محلات ناقص است
و از همه اینها گذشته موجود بودن جاده های
زحمت رهروان میگردد و گاه هم هنجر به
کم عرض در این محلات مو جب میگردد که اگر
حوالتی زمین خوردن رعر و افتادن او
حریق اتفاق افتاد چندین خانه طعمه آتش
گردد و اظفایه بکمک صاحبان منازل شتابه
میشود .
محمد نادر پیشتر:

برای رفع کنایات و تنظیف پهلوی شبهه تنظیمات بیشتر از گذشته
فعال گردد .
من طر فدار جدی انجمن های مشاورتی محلی میباشد .

از زندگی بیزاره میگذرد و حتی شبکه های آن ،
برق و اسغالات نیز در این محلات ناقص است
و از همه اینها گذشته موجود بودن جاده های
زحمت رهروان میگردد و گاه هم هنجر به
کم عرض در این محلات مو جب میگردد که اگر
حوالتی زمین خوردن رعر و افتادن او
حریق اتفاق افتاد چندین خانه طعمه آتش
گردد و اظفایه بکمک صاحبان منازل شتابه
میشود .
محمد نادر پیشتر:

من این گونه مشکلات را بدبو بخش تقسیم
میکنم نخست آن دسته از مشکلاتی که رفع
نشرات گسترده ای داشته باشند برای مردم
موضوع دوم که مو جب افزایش کنایات
در شیر میگردد عدم شبکه کانال لیزاسیون
است و سیستم کانال گشی زیر
زمین .
میسر نیست دوم از بخش از پرابلم های
که در محدوده شرایط فعلی بدبو نایجا ب
وضع زندگی مردم شیر گفته است در محلات
کهنه ساز شیر کابل هنوز میرزا ها بکوچه
مسار فزیاد و بالند گی جدیت و تو جه
و بالا قل جلو گیری از بی ما لای هاوی
مسئله توجه گردد . همین اکنون در عصری
تجویی ها میتوان آنرا ازیمان بر داشت و
بدوگانه شده در عهده مردم را



شاروالی هیتواند هبرز های عمومی را در گوشه و کنار شپر
دایر نماید و با اخذ تکس از استینا ده کنند گان، هم ضرور دست
شپریان را بر آورده ساز دو هم محل عاید اتی خوب داشته باشد

ساکنین منازل اطراف کوه خواجه عصما یک مشکل آب را تا ده افغانی خریداری میکنند.

آنچه که رفاقت اشتراک گننده بان انتباره -
نمودند وجود دارد از گوچه های گرفت
خندق های آگنده و معلواد کنایا تمبرز
های سرایزیر شده در گوچه و چنلی و -
الودگی های محلات این ناحیه که یکد و یم
حمام خودش یک مشکل است آنهم مشکلی
که در جریان سالها حل نگردید و ما نموده
است.

از اوپساغ داخلی حمام میگذرد دلاک
و گیمهال هم چنان وظایف خود را انجامد
دهندو لیک شاعم از گمر یکی باز نشده
بکمر دیگری بسته میگردد مساله مهم تو
آبرواین حمام میباشد که هر پائزده رو ز
یکبار از محل ولای پاک میگردد و این گل ولای
هیچگاه بخارج شپر انتقال داده نمی شود
بلکه همیشه در دوچنان جوی یکی من کن
تعفن جدید تبدیل میگردد تا اینکه خشک
شود و خال آنرا باد بسر و روی ودهان
عابرین به راگند.

گبوداب آسا میدنی صحی نیز در این
ناحیه بیشتر از هر محل دیگری اسباب -
تکلیف مردم و باشندگان منطقه را فرا هم
آورده است.

در این ناحیه در طول ۲۴ ساعت فقط
چارساعت آب چاری است و به همین علت
همیشه گنار نلایی عمومی صفح از منظرین
راستو رانبا از نظرها هست و گفت خود در
یک سطح فرار میگیرندوبا ز هم متساصل نه
کابل با سنتنای سه یا چار رسود ان -

درجه اول که کمتر کسی قادر ت و نوان
برداخت قیمت غذاشان را دارد تمیام
رستو رانبا از نظرها هست و گفت خود در
شعب حفظ الصحه بنا روای ونه هم
شعب هربوط وزارت صحیه در این بخش
کمترین تو چون نداشته و راگر گا همکار
داشته اندنه اخطار ونه هم جریمه تقاضی
موقرده است.

برای رفع این مشکل هم باید اقدامات
فوری و مقتضی صورت گیرد و هیات های
باصلاحیت بصورت تدوامدار از رستوران
عای شپر وارسی نمایند.

عبدالحکیم نوان:

رفیق من به هو قموع خوبی تها رس
گرفتند و آن استقرار نداشت نر خبای است
در بازار کابل.

شاروالی ظاهر سا نیاست که هر

۱۵ روز یکبار تر خنا هه مواد غذایی و
مادحتاج زندگی وا تبه و عرضه مدارد
ولی اگر دو گانداری بافت شود گه بتر خ
شاروالی جنس خود را بفروش رسائی
او را باید مصال تعیین داد
همین اکنون نمیتوان در تمام شپر جنسی
را دافت گه به تر خ شاروا لی فروش
گردد، شاید ادعائشود گه عیات عای سیار
شاروالی همیشه هر ایت و گنتر ل نموده
و شاهد قول شان نیز اخذ جرایم متعدد از

منخلین میباشد ولی من ادعا میکنم که
جریمه نمودن نه تنها برای استقرار تر خبای
گار فقیدی نیست بلکه بایمن دلیل که
فروشته بول برداخت شده جریمه را نیز
روی اصل قیمت زیاد میسازد و به نقصان
خریدار تمام هشود و به ضرر او
من در ناحیه ششم زندگی میکنم و در
این ناحیه مشکلات حفظ الصحه وی بد تراز

و سخنی باخانواده ها:

زوندون از نخستین سما و سال روان برای اینکه نفس پیش آهنگ و مطبوعاتی خود را در زمینه های مسایل کروهی و ساختهای ایجاد نموده باشد سلسله بعد های میز مدور را که از برجسته ترین هنرمندان اجتنای خود هنرمندی اقتصادی و حقوقی اداره میگردید به منظور راهیابی یک زندگی شادر و سالمتر - خانوادگی به طرح و پرسی مسایل کوئنه گونه کامیل ها، از یابی مشکلات شان و علت یابی اندیشه عایین که در مجموع خودبینار روابط اعفای خانواده هارا از استحکام می اندخت، اختصاص داد و در علت جویی و راهیابی یک خودبینار و انتقادات را از دید کامهای مختلف و نظر انداز های متفاوت بتعکس ساخت.

در بیخت خا من خانواده انجه که باید گفته میشد گفته شد و اینک کاری نهاده است چه اینکه پیشنهاد نظرات د انتقادات اشتراک گشته اند میاحت و یا آنانکه بانامه عای محبت آمیز خودبینار متن گذاشته اند تصنیف گردد و بعدهای تطبیقی ارسال شود ت امورد بر رسمی و ارزیابی دقیق علمی فرار گردد و چههای تطبیقی آن با درنظرداشتن شرایط خاص فر هنرمندی و اجتماعی ها ارزیابی گردد . که این کار را زوندون میکند و مجموع نظرات ارایه شده را در زمینه حل مشکلات و پرایلم عای خانوادگی ، از قبیل : تأسیس دلا تیر تعاوی خانواده ، دفاتر ازدواج و طلاق توجه پیشتر باصل توازن حقوق زن و مرد در چار چوبه مسایل مریب طبیه خانواده - کسترس ساختمانی انجمن رعنای خانواده بمسایل جدی تر، تأسیس گلب عای خاص جوانان، ا خلاط مکا تبد خزان و پیشان ، تعیین سن ازدواج برای دختر و پسر، فراغم آوری تسبیلات لازم برای ازدواجی کم مضر ف و چلو گیری از - مغارج اضافی و مو سمات مول این مسایل و . همه وهمدرا یهرا مع آن ارسال میداریم و این شما ره محتوا ی بحث آزاد میز مدور را از جارحیه مسایل خاص خانوادگی در نک یعنی وسیع تر و گسترده تر مسایل اجتماعی میکشانیم و یا تکر حادترین و اساسی ترین مشکلات مرد ماز زندگی مردم و از زبان مردم میگردیم و برای اینکه گفته هاویا احیانا انتقا دا تیکجا به مطرح نشده باشد بلا فاصله یک هفته بعداز مسؤولین شعبه و اداراتی که گفته ، نظرورا انتقاد متوجه فرم و محتوا ی کار شان شده است دعوت می نمایم تا در مقابله انجه انتقاد استدعا نمایند یا اینکه بحال از یابی علمی و تطبیق آنرا بیانند.

البته بعثت های خانواده آنطور که هدف خواسته مابود به نتیجه قاطع و مطلوب نرسد و ما نتوانستیم در اخیر بحث یک یا چند اصل پیشنهادی را به عنوان حل ای این مشکلات خانواده ها ارایه دهیم که زمینه تطبیقی فوری همدانش باشد و بعدها نشان دهیم که این را هجوی و عملی یابی ها جبرای عوشنار خانواده هار چه برای اداره - مسؤول یی فایده و تاثیر هم نبوده و نقطه عطفی است برای از یا بی مشکل عین مردم در مطبوعات گشوده ها

ما اوین دور سلسله بحث تازه میز مدور زوندون مشکلات زندگی باشند گمان نواحی دهگانه کابل را مطرح می نماییم و دم محصل جوان از دهناحیه این شهر بزرگ بی نهایتندگی هر منطقه اساسی ترین پرا بسلم عای زندگی اجتماعی شان را از بو ته نقد میگذرانند و تلاش زوندون برای رفع و از هیان برداشتن این مشکلات هم جنان د وام میباشد.

گروهی مشهودتی زوندو ن باز هم در خدمت خوانندگان همافرادراند و ما می کوشیم ساختمانی همکاری این گروه باز هم گسترده تر گردد و توسعه پیشتر واسای تر بیابد.

نگار دیگر از فرد شما خواننده تان عزیز که در این کاره ایم - مشوق هائی این بیانه هاو تبلو ن های دوستانه و محبت آمیز خود بمن است - گذاشته اید سیاست میگذردیم و باز هم در انتظار نامه های شما نظرات و انتقادات شما و راهنمایی های شما میباشیم .

ترین کار ته ها از نظر شیر سازی کوچک گردد که در شیر ای ایجا بات ترین ارزش ندارند و کمترین تو جیب به نظام مرد می کشند خود بخود گما میابی - نکات اساسی آن نشده است که میتواند اساسی در راه رفع نواقص بر داشته باشد همین اکنون هو سات و اداراتی هستند که زندگانه آن بیرون از آن است و کتاب فات که روی باده روحها سر ازیر میگردد .

مو جو دنیو دن شک مار کیت ها در کارته ها تفاوت داده اند و نمونه زندگانه آن را فیک یک مشکل اساسی دیگر است که هو جب تجمع خریداران به هارکیت های شیر و در نتیجه بلند وقت قیمت به علت تفاوت های خادوساسی مردم کابل بشمار می فت زیاد در مقابل غرضه کم میگردد و چاره آن همین است که خود شاروال باید هارکیت های این است که خود شاروال بدن شک با فعالیت شاروالی نیز بدون شک با فعالیت های را در نقاط موناگو ن شیر فعال سازد .

و در مردم عدم استقرار نرخها به جرات و در مردم کارهای ای از راه تطبیق میگوییم که تاکنون خود شا روا لی برای گرانی مواد غذایی و دیگر ضرور با تزندگی یک عامل بوده است و اگر نر خبای بازار مشکلات مردم کارهای انجام دهد که در گرانتر از نر خبای فود هو لی شا روا - است تباید فقط فر و شنده را مقصود است صدر آن وضور تر آن عطف تو جه چه چه نرخ گذاری های شاروا لی بیشتر از آنکه باساز مطالعه صورت گردد روی تخمین بوجود آوری یک شبکه قوی تطبیقی تر .

مرد می گردد .

اسدالله شعور :

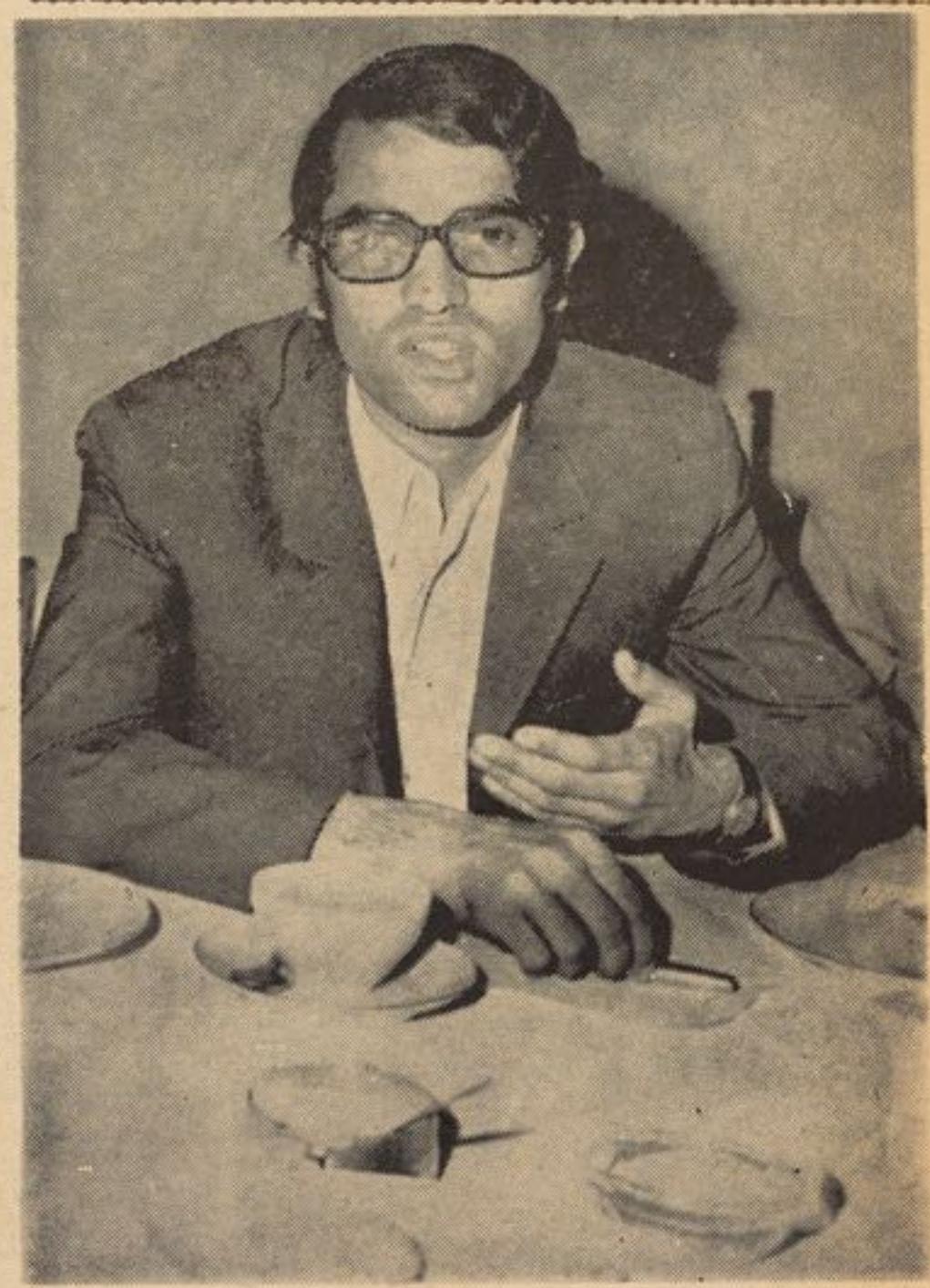
عما نظور یکه اشتراک گشته اند گان عزیز که لااقل کوچه و محل زندگی شان از کتابت یاک گردد و تعفن هوای هنر لشان باشندگان نواحی شیر پیشتر ازنا چه را آلوده نسازد .

من طرفدار تأسیس انجمن های هنرمندان از اینکه هر تاریخ شیر گابل میباشم ، اینکه برای هر تاریخ شیر گابل میباشم ، اینکه استقرار نر خبایست در بازار گه همه درست است البته این نکته باید داد آوری بقیه در صفحه ۵۷

عدم استقرار نرخها در هارکیت های شیر یک مشکل اساسی است. نباید تمام گناه را بگردن فروشنده اند از خود شا روالی در وقت نرخ گذاری باید به ارزیابی و مطالعه نرخها بپردازد.

بعضی از حمامهای شهر به خندق های آب گرم بیشتر شبا هست دارند تابه حمام .

هیچکس نمیتواند جنس را به نرخ شاروالی خریداری نماید ، حتی اعضا شاروالی .



شخصی فرو شنده اند گه خودشان هایکباره ویران گردد بنظر من نخست - باشست یک سر وی عموم هی این نواحی این مشکلات سالها صورت گردد و بعد ساحه خانه های زیر تغیر گردد . ولی اکنون شک ندارم که بمرور از میان برداشته میشود ولی تو جه جدی شاروا لی رویی میتواند در کار خود موفق تر باشد بعفیده من باید یک یلان شبکه تطبیق شیر تدوین گردد و مخصوصا برای تدوین چاده ، آبروها ، حمامها و فروشندها دوره آن مقرر های خاصی وجود داشته باشد که جنبه تطبیقی داشته باشد .

ارسلا شیرفی :

در شیر کابل بصورت عموم سه نوع که در شرایط کنونی هم تغیر اند از مشکل ساختهای خانه های گبه در آمده است شیر کهنه ، خانه های گبه در سر کوه و خانه های نو ساز در مناطق هموار شیر است وهم اینکه مطالعات از نظر تو یو گرا فی صورت درمورد خانه های گبه ساز باید بکو یم این درست نیست که حکم کنم این خانه

کریستوف کلمب د تاریخ دیولوی کاشف



کریستوف کلمب

هخه کجی یو او د خبلی گیمه او له ختیش خخه سیدان شی جه هندو چین نه رسپیری او بیا فکر کوی چه دغه خمکو نه سینهند لازی رسیدل امکان لری . خنکه که داسی نه واي دد وو تنو چینا یا نو پری ، هعنه هم به یوه زره ببری گنیمه به هفو سیمو گنیمه نه موندل گنده . باید وویل شی چه ددگه ، توری د مانو گانو و نه آسی ماجرا جویی دیره زیانه موجوده وه ، له همدغه اهله کلمبوس غوزی چه به بیرقه را سنتنید و سسر د آیسلنید به شمال گنیمه خو سوهینه و ترخی او ویل کیدای شی چه کلمبوس د قطبی دایری تر شما خوا او (دامینا) ته خو خانه سفر کوی او گنوری تجربی تر لارمه کوی . ۱۴۷۸ء اهله چه دغه ورگوی چه (ما دیرو) ته مانو وظیفه په غاره امنی . له دی کنیمی خپل لیاقت او کفاره خر گندوی . یه بیرون دیرش گلنی گنیمی د برقا . یو مهمی تجارت خی د یوی تجارتی بیرون د مانو په حیث گمنز گنیمی . آنجبوس په دغه وحتم گنیمی یو با تجربه ، زرهور او پوه سمندر و هونکی شمپرل کیبری . یه لزبن گنیمی د براخ تجربه ، زرهور او پوه سمندر و هونکی بر هنک او علومو د بركت یو ایک او لوست زده کری او د جغرافی او نجومو په برخه گنیمی یو پوره علومات لاس ته راوره او له قطب ناما خنده د استفادی لازی چاری یسی زده کری .

کلمبوس د سمندر له لاری هندتله د تک دیاره خان چمهو کوتی یعنی به کامبوس د خبلی نایی سره خوده همه لار چه مقدونی اسکندر هند ته تانی وو ، د پنځلسه می بیرون داردا په نظره ، هند هغه بر اخه خوازه وه چه د هند ، بر ما ، چین ، اندونیزیا ، جاپان اود هالاکا تابو وزمه هیوادونه پکنی شامل او دعه هیوادونه له سر ورزو سپینتو ززو ، ور بشمو ، پنی ، ور بیمو ، دواکانو او عطر یاتو خخه دک وو او له همدغه امنه یی د یو شمیر ماجرا جویانو یامنونه خان

هغه ما جراغو بستونکی چه له او قیانوس خخه و نه ویرید ، هند ته در سید و په لاره کنیمی یی نوئ خاوره کشف کر ۱۴۹۲ء اسپانی د پاره یی دیو ۵ لویه استعماری خاو ره منع ته راوستله .

● کلمبوس د خپلی نقشی د عملی کولو په لاره کنیمی دیو خله له خند و نو او موانعو سره مخاخ شو ، خو هیئحکله یی له خپل عزم او ارادی خخه لاس و انه خیست او خو کاله و روسته یی خپله اراده عملی کړه .

۱۴۹۱ء کال یوه توده ورخ ده ویخی او له پلار خخه پوښته یوه ورمه بیرون د سمندر د خپل سره کوی . لاسن او گرایوان ده . په بیرون کی یو پلار او زوی یی د انمول د ساتلو د پاره دی خوا ، خوا ته په هخه کی پلار خواب ورکوی .

- البته ، البته ، د هیخ یسو بر سترنونو یه تور باری چه (درنا) نومیمی ، هین کیبری او واده ور سره کوی او ددغه کورنی له نقشو او باد داشتونو خخه دیره گنیه اخلو . کامبوس د خبلی نایی سره خوده همه لار کیبری او پلار خواب ورکوی .

په هغه نده تړلی . پلار خپلی او سمندری خطر و نو ورسته غو نهی ته رسپیری او پلار سره هبارزه کپری ده . زوی ستری د صومعی سبینه کپری بشوروی .

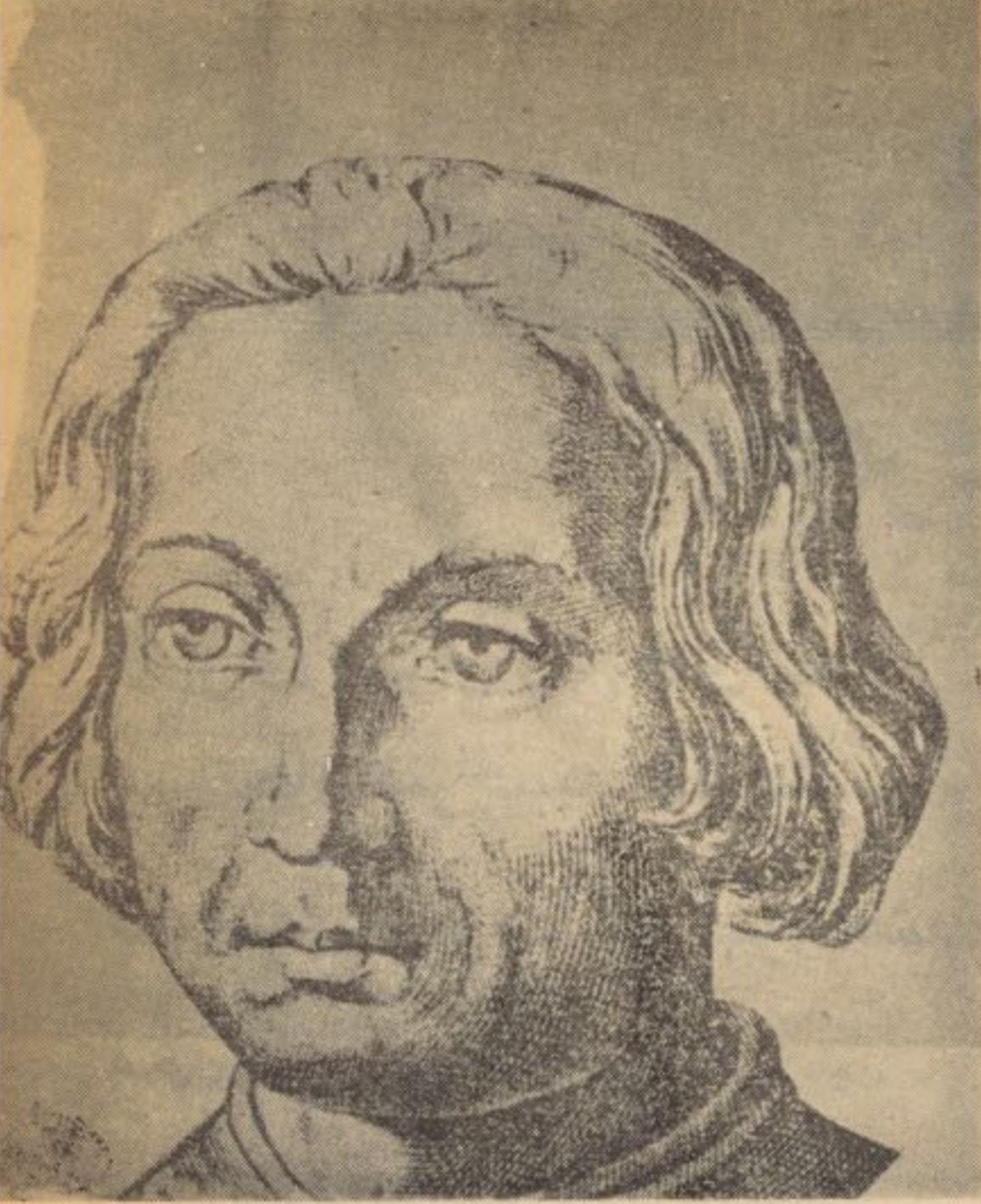
لړه شیبه ورسته د صومعی دروازه په لور آواز خلاصپیری او لور دیل کیبری او پلار هغه ته دا وکر ساحل په لیری بختنه کې بنکاره سر لوچی لند سری بنکار کیبری .

کله چه دوی دواړو ته خیر خیز تیروی او په همدغه خای کنسمی کوری نو په زړه کې وايی . (که (د دولا فلیپو) خپل ماشوم چه هنک

خه هم کالی خیری دی ، خو بیوزلی دی ، زیری او (د زیکو کنکوس) نه معلو میبری .) پوښته ور خخه نوم ورته تاکل کیبری

لاسونه د سمندر په تروه او بوکی کوی چمخه غواړی . پلار چه خواب به مادری ، گنیمی

کی وايی ، د شبیه تیرو لو دخای په خنی بخشی سره به مادری ، گنیمی



او ضمنا په یوه غشی دوه عدفوووهی دوازه به میاشتو بی تکلیغه پاتی کیزی
زیو (دیکو) لاس اخلي او په بیپری
کتبی اسپانیی ته خی . کله چه پالوش
نه رسپری . (لار پیدا) صومعه له
لیری خخه دده یامنرنه خان ته ایروی
تصمیم نیسی چه په وچه کتبی پلی
شی ، صومعه ته لای شی او (دیکو)
هلته وسپاری . کله چه هلته رسپری
(آنتر ینو دومار شنو) په نامه یو
راهاب چه په نجوم کتبی بیساري
معلومات لری ، دروازه د دوی په منع
برانیزی .

راهاب ته یوازی (دیکو) د خپل
شاگرد په حیث منی ، بلکه د کلمبوس
د پاره د کنت (دوریناسلى) نومی
اسپانیوی لوی سوداکر په نامه یو
سپاربست لیک هم لیکی .

کلمبوس په غم خپلی زره (دیکو)
خپل زیو پریزدی او په مادرید کتبی
د کنت د لیو د پاره خی او د خپلی
نقشی د خرگند ولو په ترخ کتبی
له هغه خخه د خلورو مجهر و بیپری
غوبستنه کوي . کنت د ټولواکمنی
ایزابل خخه دا جازی تر اخیستلو
پوری خپل موافقه خنیوی . مکر
ټولوا اکمنی د دغه معدرت په را وستلو
سره چه دغه کار چیر مهندی او پايد
دربار تر خارنی لاندی اجرا شی ،
دھفه له تصویب خخه پدھ کوي . په

نتیجه کتبی د کلمبوس له دیرو
قیمتی وختونو خخه شپر کاله ضایع
خپل نوشه اجرا کاندی ، خپل ورور
کیزی ، دخرنگه چه و کلمبوس په دی
هخه کتبی دی چه خپل خبره په هر
قیمت چه وی ، عملی کپری او
خپل نوشه اجرا کا ندی ، خپل ورورو
(بارتلمبی) د خپلی نقش د یوه کابی
سره انگلستان ته لیپری خو له بدھ
مرغه لارو هونکی په لاره کتبی
(بارتلمبی) دومره لوحوي کله چه
انگلستان ته رسپری ، حتی منا سب
لباس نه لری چه واگوندی او باریابی
حاصله کپری . دده تنگه دو مره
زیاتیری چه مجبور پوری د خپلی گیپری
دمرو لو دباره نقشی او یا دداشتنه
و پلوری . البتہ خو کاله وروسته د
اوزم هانری سره به کتلو بر یا لسی
کیزی او هغه په دیره نمازنخه منی
او هانری د کلمبوس په نقشے باندی
منبته نبته بزدی مگر اعلام کوي چند
تنکسی او ناداری په وجه ددغی
نقشی دملاتپ توان نه لری . کلمبوس
له دی امله چه د ورور له خوا کومه
خبره نه اوری ، غواصی چه دده د
موندلو د پاره انگلستان ته و خوشبزی
شمالی بنارونو په کتنه بوخته ده ،
تولواکمنی میره دی .

پاتی په ۶۱ منځ کسی
صفحه ۱۷

نه ایولی وود پنځلسمنی اروپا د هنډ
په باره کتبی د اسپانیویانو پر نگایانو
او اینا لویانو اطلاعات له یولې کیسو
او روایاتو په تیوه بیا د هار کوپولو
په سفر نامه کتبی ووبل شنوو روایانو
خخه تجاوزنه کوي .

ددغه عصر چغرا فیایی معلوما ت
دوړه نیمکړی دی چه هنلا په دی
نه پوهیانی چه داو قیانوس په بتاوخوا
کتبی یوه بله فاره د امریکی په نامه
شمې . ضمانته دغه غنط فکر ورمسره
شته چه اروپا ، آسیا او افریقا د
لویی تاپو پهشان داوقیانو سه په
محاصره کتبی دی .

په دغه ترخ کتبی کلمبوس ته بشنه
جا نس پیدا کیزی از هغه دا چه د
(یانو تو سکانلی) په نامه دیوه ده
منج او ریاضی یوه سره آشنایی
پیدا کوي . مکر د کلمبوس سه اکتشافی
نقشه او پروگرام دومره پراخ دی
چه د پر تکال یا اسپانیی او جیسا د
دولتونو له مالی هرسنی نه پرته غیر
عملی میندل کیزی .

کلمبوس خپله نقشه لومړی د
جینوا د جمهوری سر مطرح
کوي ، مکر اد پامنری و پنه ګرځی ،
کله چه له جینوا خخه نامیده کیزی
پر تکال ڈه مخه کوي . پر تکال پادشاه
کله خه هم .

نقشه عملی بولی ، خو هغه یوی
کمیتی ته چه له تن مسیحی کشیش
او دوو تنو یهودی پوهانو خخه
جوړه شویده ، وړاندی کوي . نوموري
کمیتی په ۱۴۸۵ کال کتبی نه یوازی
د کلمبوس پیشنهاد روی بلکه دده
سره خیانت هم کوي . یعنی دده
نقشه دوه تن پر تکالی سمندر و هوونکو
ته په (دولمو) او (استراتیو) نومیری
ورکوي چه پخیل لکبنت د هغه په
عملی کولو لاس پوری کپری .

۱۴۸۵ کال باید د کلمبوس د بد
چانسی کال و ګټل شهی ، خکه په
همدغه کال کتبی نه یوازی دده نقشه
رده شوه ، بلکه بسخه یې هم له زوند
خخه ستر ګئی په یوی او په نتیجه کتبی
د پر تکا لیانو سره دده چیر کلک مزی
شلیبری . کلمبوس چه له پر تکا لیانو
خخه خیانت لیدل او د خپلی مايني
داغ په زره کتبی لری ، تصمیم نیسی
او هانری د کلمبوس په نقشے باندی
چه اسپانیی ته لای شی او د خپلی نقشه
د (ایزابل) د هغه هیواد د مقتدری او
بدالی ټولوا اکمن سره مطروح کپری .
په اسپانیه کتبی د خپلی بشخی د
خوانه پر ته چه د یو اسپانیو سره
بی وعده کپریده ، بل هیڅوک نه پیژنی

دور دی پا یان

رایوراز: هریم محبوب السری

پنجره هار ابکشايد و دو بهار

روز ۲۴ جوزا یکرو ز فرا موش ناسدنی شکوهمندی بهاری دیگر استن میشود
 برای هادران است روز یکه در آن تجلیل دامنه تعزیز های محدودی آن
 یکواقعیت عینی اشکار است هزارا نهزار میگذرد و بدور ترین نقاط افغانستان وسیع و
 دل درین روز دد سینه ها می تیند و هزاران وسیع تر میشود . امسال هادران دو بهار
 جسم انتظار دارند تا بینند کدام هادر است داشتند ، دو بهاریکه تصویر آن برای همیشه
 که تمریدک عمر رنج ها خوش بش را دریگروز درد ها حک گردیده و نقش بسته است .
 روزیکه بهار ده سال قبل به وجود آمد و
 بیکمال میشود و گب انتخار و عنوان هادر
 بزرگی سال را از دیگران می ربايدو ...
 هادران تهدده است و آن بهار جمهور است .
 بخند هایر لبها نهایا ن میگردد و هزاران
 دست بسوی هادران دراز میشود و هدیه
 سپاس درین روز فر خنده تقدیم هادران
 میگردد .
 امسال شکوهمندی این روز با روز تراز
 مجلس با چند آیه از قرآن کریم آغاز
 سالهای دیگر است امسال دو ز مادر از

● برای جبران رنج های مادر ،
 دست های همراه جنبید ، قابل و هاتر سیم
 شد ، اشعاری نغزو دلپذیر سرو دید
 وهدیه مادران گردید .



میرمن بیگم نساء مادر دوم سال



میرمن زلیغا واعظی مادر، اول سال

برای مادران

شکوهمند رادریکروز بنگرید

عنوانی مادر اول سال انتخاب گردیده‌ام
بسیار خوشحالم و خوشحال بودن بدین
معنی که توانته ام فر زندان صالح و مفید
به جامعه و اجتماع تقدیم کنم.
(خوب مادرت میخواهم چند فرزنددارید
و فرزند بزرگ شما چند سال عمر دارد)
چشمها نش رایه نقطه‌نا معلو می‌دوخت
فکری گرد و گفت (من ینج فر زند دارم که
بلکه علت وانگیزه آن اسرار فر زندان نمی‌بود
از جانب دیگر امیدی نبود که در این گاندید
من مادر اول انتخاب شوم چون تعداد مادرانکه
فرزند بزرگم حفظه واعظی داشته وزنی خاندار است.
لطفاً ورق بزنید
به جامعه تقدیم کرده باشند واما اکنون که

(علت وانگیزه که خودرا در ردیف
مادران گاندید گردید چه بود؟)
دستی به چادر بزرگ سفید ش کشید
آرام آرام به سوا لم چنین یا سخن
داد.
(خودم اصلاً باید فکر نبودم که خودرا
گاندید گتم و مادر اول سال انتخاب بشوم.
از جانب دیگر امیدی نبود که در این گاندید
مادر اول انتخاب شوم چون تعداد مادرانکه
خودرا گاندید گرده بود بسیار زیاد بود
البته شاید آنها فرزندان خوبتر و صاحب تحریر
داشته وزنی خاندار است.

مبارک باد هیگویم.
مادران گاندید گردیده شان سوگواره مادران ن برگزیده
مادرانکه توانته مزد و نجای خویش
را بیستند محترم میرمن زلیخا واعظی
مادر بر مزیده اول سال می‌باشد. زنی
خوش تیپ و خوش بر خورد به نظر میرسید
چهره اش بشاش و شاد است و خطوطی
که در اثر گذشت زمان در پیشانی اش
ایجاد گرده بود به خوبی به پیش می‌خورد
عنکبوتی دندانی به چشمهاش نماید بود آهسته
آهسته کم میزد و زیاد گوش میداد دوقتی
به مقابلش فرار گرفت لبخندی زد و عیشکش
را جایه جاگرد و منظر شد تا از او سوال
کنم اولین سوالم با او این طور آغاز
گردید.

یافت در این محل محترمه زینب داؤد همسر
قاید ملی ها - بنغالی محمد نعیم و همسر
محترمه شان سوگواره محمد حسن شرق
واعظی کمیته مرکزی اشتراک نموده
بودند.
مجلس با خواهد نسروند ملی پس ایان
یافت. درختم مجلس جوانی برای مادران
از اطراف دهیرمنو تو لنه بدست محترم
زینب داؤد تقدیم مادران گردید.
یک پایه داش بر قی برای مادر اول سال، یک
سیست نان خوری و چای خود ری ۱۲ نفری
برای مادر دوم سال یک سیست نان خوری و چای
خوری ۶ نفری برای مادر سوم سال و یک
نخنے قالنجه مزاری با یک دیگر بخار برای
مادر چهار مسال هدیه داده شده.
ماهین روز فر خنده را به همه مادران



میرمن سفودا سکندری مادر سوم

صفحه ۱۹۴



میرمن آمنه بینوا مادر سوم سال

شماره ۱۳

تجلیل روز مادر در سراسر کشور، غرض

در اثر تداوی و عراقت آن وضع اقتصادی
بکلی خراب شد تا بین که غر فن اغا شه
فامیل مجبور شدم با اطفال ۲ و چک خوبش
بکابل بیایم در کابل چون کدام مدرگ -
پولی ندا شتیم همین بود که برای دفع
گرستگی و تداوی شو هرم مجبور بفروش
فرش و قروف خانه شد م داز پول آن می
توانستم غذای بخور و نمیری تهیه کنم و دروز
شب خود را بکارانم)

پرسیم ...

(۱) ن شرایط سخت اقتصادی بروجعه
اطفالان را تائیر سوئ نکرد؟

وی بعد از اند ک سکوت چنین یا سخ
داد *

(برای این که این وضع
ناگوار تاییر خرابی بالای رو حیه و اخلاق
اطفال نداشت باشد مجبور شدم که هر
کدام شانرا بعد از دخست مکتب بطر ف
کاری بفرستم تاهم مدرگ پو لی برای ما
باشد و هم اخلاق اولادهایم خراب نشود -
همچنان خودم برای بهتر شدن و فسح
زندگی مجبور به انجام دادن کارهای دستی
شدم خیاطی میکردم ارجمند میلو ختم،
روپند و چادری و خا مک دوزی میکردم در
ابتدای کارهای کدام خریداری نداشت اما
بعد از این زحمت خودم توائیم مقصد
پولی از این راه بدست بیاوم و سو پرسی
خود و فامیل خود را کنم)

پرسیم.
خوب اکنون کشمها به حیث مادر دوم
سال انتخاب شدید چه احسا سی دارید؟
خنده دیده ... خنده معنی داری کرد و گفت
(کدام چیز بالاتر و ارزشمند تر برای یکهاد
است که تعریه زحمات خود را می بینند من
آنقدر خوشحال آنقدر خوش هستم که اصلاً
امروز یکروز فرا مو ش ناشد تی در زندگی
می باشد ...)

محترم مهربان من آمده و محترم
سکندری مادران سو مسال انتخاب گردیده
اند هم با خواننده های عزیز میرویم برای
هردو *

هستن و بر ازته به نظر می رستند
بزرگ منش و هنات روح در چهره هردو
نمایان است با جیبن باز و گشاده ما را می
بدیرند و تبسم میکنند * واقعاً نشانی از
مادر ممتاز در آنها سراغ میشود. هردو
چادرهای بزرگی سفید بافته های پهنه
به سر افکنده اند با میر من آمده پرسش
عبدالواصع بهنوا آمله است و بینله زبده

(شش فر زند دارم که عمه نسان برومندو
تحصیل یافته اند فرزند کلام عیناً تقویم
صمدی لیسا نسخه حر بی یو هنون که به
حیث دگر وال دیس ارگان قوای را گفت کار
میکند محمد علی صمدی دگران، عبد العزیز
صمدی به حیث نهایته را گفت ترازیستی در
بندر تهره مشغول گار است *

عبد الله صمدی نهایته اریانه داد -

استانیو ل می باشد یعنی حق صمدی -

لیسانه یو هنگ هوایی و عبد استار -

صمدی محصل دارا لعلی عالی کا بل

است.

محترم بیکم نس ادایه مید هد -

(من فرزندانم رادرسترن شرا یسته

اقتصادی در هزار شریف بزرگ کرد م

شوم دریکی از شرکت های اتحاد یه

هزار شریف کار میکرد در ابتدا و فسح

اقتصاد ماخوب بوداما بعداً شو هرم هریضی

گردید و این هریضی دو سال دوام کرد

میرویم به سرا غمادر دوم سال محترم
میرمن بیکم نسما عصمه مادر دوم سال
از ولایت بلخ است. کام های گذشت زمان
در چهاره اش به خوبی هویدا است * یکی از
پسرانش در کنارش نشسته بود منقش
ظالمانه زمان انقدر سخت و طاقت فر سا
برایش بوده که اکنون دیگر نیروی در
خودسرانه ندارد. دیگر قدرت دو بازو اش
نیست دست سر نوش او را خمیده و پیر
تر گردانیده است.

اما ... چیزی دیگری وی به خود -

اند و خود است چیزی که برای همیشه هایه

فخر و میاهات وی وفا میلش می باشد

او همه این مشقت را قبول کرد واندو خته

ای برای آینده خود اندو خت * از اوسوال

کردم.

(چند فرزند دارید؟)

آهسته آهسته پاسخ داد.

میر محمد سعید و اعلقی لیسانس
اکا دمی بو لیس و فعلاً به حیث امور خدمات
ترافیک کابل اینلای و ظیله میکند. دوکتور
سید مخدوم دهین دوکتور در ادبیات و فلسفه
استاد یوهنی ادبیات و علوم پژوهی می باشد.
انجیل سید زلی و اعلقی ها ستری
خود را از یونورستی ماسکو گرفته و فعلاً
استاد پو لی تخفیک کابل می باشد گل مکی
واعقی لسانی تعلیم و تربیه و اکنون در
الفانفلم مشغول گار است.

از محترم واعقی مادر اول سال

پرسیم.

(شما در چه شرایطی فرزند انتان را

بزرگ گردید اید؟)

چهره اش را تائز عمیق و تکلیف سرش

دا پایین انداخت و لحظه فکر کرد. معلوم

میشد که از یاد آوری صحنه های پر مشقت

زنده اش رنج می برد. بالا خره باصدای

نسبتاً شورده شورده چنین پاسخداد.

(شوهر م در سال ۱۳۵۳ در اثر هریضی

که عاید حالت بود چشم از جهان پو شید

در آنستگام که شو هرم را از دست داد *

بودم در شرایط سخت اقتصادی دیگر از داشتم

اطفال همه کوچک ویه محبت و نوازش

پدری و آخوش گرم مادر محتاج بودند *

وضع اقتصادی ماسخت ناگوی وغیر قابل

تحمل بود در چنین شرایط یکانه سریرست

خوبی را از دست دادم و در شرایط

نامسا عد محیط واقعه دی رانلاش خستگی

نایدیر در تعلیم و تربیه فر زندان یتیم

خوبی همت کما شتم الیه کدام مدرگ -

پولی هم برایم نبوداما آنطوریکه گفته اند

کلید خوشبختی بدست خود مادر است.

بالاخره به فضل خدای بزرگ محظیک در

آن یاس و نا امیدی چهره کشوده بود چای

خود را بخوشی و سعادت همیشگی داد که

اکنون زحمات و تمر آنروز عای پرمشقت

رامی بیم.

از مادر اول سال پرسیم.

(شما که اکنون به حیث مادر اول سال

انتخاب گردید ید هدیه و تو صیه شما برای

مادران دیگر چه چیز است؟

لبخندی زد و گفت *

(کلید خوشبختی یکنون ولود مختارین

شرایط اقتصادی قرار گرفته باشد بسادت

خودش است و راه یافتن به جاده سعادت

از خود همارتی بکار دارد مادران متوجه

باید آن را داشته باشند و من به عنوان

ما در اول سال برای دیگران تو صیه

میکنم که فر زندان صالح و خوب ببر ای

اجتمع خود تقدیم کنند که جامعه ها سخت

یه آنها نیاز دارد.



میرمن مقصوده مهتاب مادر چارم سال

سپاهان و از محبت‌های بیکران

۱۰۰

گردن به بول نا چیزی که انسان در دسترس خود دارد. من میگویم که باعث مو قیمت من همین چیزها بوده و برای دیگران نیز گوییم که این چیزها را پیشنهاد نکند تا به آرزو های خوبش برسند.

اگنون میرویم به سراغ مادران کا بل قدر.

محترم کوکوکل ازولا یت جلال آبادی باشند با اسراییل محدود زندگی نداشتند که زندگی خود شوهرش را داشتند. رابرخاند و توانسته است که با پیشگیری خود فرزندان خود را به راه مددات و پیشگیری کار در راه کسب تحصیل رعنون شود.

محترم مهیر من زهره هادر قابل قدر از ولایت‌کندهار می‌باشدند و دارای ۴ فرزند بوده و در سن ۳۸ سالگی شوهرش را از دستاده است و با کلاهشون بیان نداشتند. فرزندانش را به حیثیت تویی خود و

میر عن محبویه سلطان هادر قابل قدر که دارای ۴ فرزند بوده که سه فرزندش بیرون بوده و دارای شغل رسمی هستند. بکدختوش تحصیل نکرده و این خانم به تسبیب در حالکه لحاف آتشک و کلاه می‌دوخت به تعلیم و تربیه اولاد هایش برداخته است.

محترمه بیان حاجی ازولا یکتا که بزبان دری آشنا بی ندارد ولی بدرین نکته ملتفت بوده کسی که سواد ندارد بیتواند عضو مقدم جامعه باشد و دارای ۶ فرزند است که مصروف تحصیل بوده اما تبا بک پسرش محمد داده لیسا نسخه بیونخی خود را در قوای هوا بیان کار نمی‌کند.

این بود مختصر را پوری از مادران سال آنانیکه اشعار شان به گرفتن جوابیز موفق گردیده اند تیار است از ناصر طبودی سعادت ملوک اشعار دری درجه او ل در حسین هدی. محمد آصف فکر تر اشعار دری درجه دوم.

بنگلی على گل بیوند از اشعار پیشتو درجه اول به گرفتن جایزه موفق شدندانه. بنگلی حجاج احمد زبار بیگر فتن جایزه پیشتو درجه دوم موفق شده اند.

میرعن محبویه سلطان از ولایت ننگرهار جمله همتأبی لیسا نسخه بیونخی تعلیم و تربیه فعلا بعثت سویور و زیر در مرکز ایشان.

ناصیف چار مدور هاده ایه تحصیل گرده و تمرازدواج آن ۴ دختر و چار بسرمه باشد چارده‌سال اول ازدواج رایمیرمن مخصوصه باشیه تدارک لوازم ابتدایی حیسا ن زنا شوهری و تربیه هشت طفل به مشقت و خواری سیری گرده است.

محترم مقصوده معموله در پاسخ سوا لی

چنین بیگوید.

(باوصفت مشکلات مختلف ویدو ن سر برست همیشه به این لکن بوده‌نم تمام فرزنداتم از علم و کمال بی ببره نه نش روی این متفقور با عمه دردعا و تا لیم دست و پنجه ترم گرده آم و باصیر و شکیابی به تعلیم و تربیه اولاد های خدید ببرد خته ام و بعد از یک‌عمر رنج و زحمت توانسته ام که فرزندان خود را انتظار یکه دلخواه خودم است فرزندی به چامعه تقدیم کنم.) از محترم مقصوده معموله میخواهیم که در هرورد فرزندانشان حزف نشند. وی می‌گوید.

(محمد امین بیان لیسا نسخه افتخاره) -

علم‌پژوهی و تحصیل در اسلام مسی

باشدند.

میتاب لیسا نسخه بیونخی خار می‌گیرد.

آفره‌لایرا توار دیبور ادویه.

رحمه همتأبی لیسا نسخه اقتصاد فعلا در اسلام غرب مصروف تحصیل است.

حافظه همتأبی لیسا نسخه علوم عصو

بیونخی علوم و فعلا مصروف تحصیل در

عندستان.

عبد اواسع بیان محصل بیونخی طب طب پو هنتون کابل عبدا شکور بیشتر و مصروف تحصیلات عالی در امریکا.

خلیل الله بیان محصل بیونخی طب

بیونخون کابل.

بیغله شهلا بیان متعلمه صنف دهم

لیسه هلاقی.

بیغله ناهید بیان متعلمه صنف هشتم

لیسه زرغونه)

وی می‌افزاید.

(البته خداوند کریم همه فرزندان نهاده



میرعن کوکو کل ازولا یت جلال آباد

سکندری با محترم مصفورا سکندری آمده اند. سوالات ماهیه هردو مادر سوم سال دارج هیشود (طفا شما بگوئید که چه چیزی سبب ند تاماده سال انتخاب شوید...) میرعن آمده بیان می‌کوید:

(محدودیت‌های اقتصادی، شرایط سخت هایی و معاش ناجیز، از طرف دیگر زندگی گردن در خانه های گران‌زیستی ده‌نفر از فamilی البته همین زمان بود که نتیجه آنرا اگنون می‌بینم)

محترم مصفورا سکندری می‌گوید.

(عنگا میکه اوین فرزند دوره ابتدایی مکتب راسپری گرد وضع اقتصادی هایر هم

خورد و خانواده مادر سخت‌ترین شرایط اقتصادی فرار گرفت و بعراز افتخاره اند. بیغله زینده سکندری آنقدر بالای هارجوع گرد که خود مجبور بودم که با پول بسیار کم و ناجیز محدود

زندگی خود وفا میل را به چشم داشت. سرنوشت برای هایسپیار ظالم بود و قیس اولین فرزندم به صنف بازدهم رسید.

نامزد شد که دست از تحصیل بکشد و کار

کند. و من مجبور شدم که باعث نیزه و غیرت و با معاشر ناچیز بسیم زیر سقف های

گرانی با فقر و نداشتن به تعلیم و تربیه فرزندان دیگر بیشتر داشتم. این سازش

کنم که البته همین رنج های بود که اگنون نمره آنرا می‌بینم.)

برسیم. (طفا توضیح بدھید از آغاز زندگی زنا شوهری تاکنون چند فرزند دارید؟)

محترم مه آمده بیان می‌کوید.

(من فرزند دارم که کلا نزین آنها - دوکنور امیر محمد بیان میکند و بیان میکند.

بیغله صفحه بیان لیسا نسخه بیونخی تعلیم و تربیه استاد هضمون گیما در آنستیتو ت تربیه معلم.

بیغله ذکری بیان لیسا نسخه بیونخی ساینس و معلم کیمیا در لیسه نا لی

آریانا.



میرعن محبویه سلطان از ولایت ننگرهار

جمله همتأبی لیسا نسخه بیونخی

تعلیم و تربیه فعلا بعثت سویور و زیر

در مرکز ایشان.

محمد عظیم زر بخش هامور فتنی

زراحت.

محمد عمر متعلم صنف ۱۲ لیسا

غایزی.)

از محترم مقصوده معموله همتأبی من در

که توصیه شما برای مادران جایست. وجه

چیزی باعث مو قیمت و خوشبختی در

زندگی زناشوهری می‌باشدند.

وی می‌گوید.

(اولین چیز یکه انسان را بسوی جاده

خوشبختی رعنون میشود صبر و حوصله

وشکیابی می‌باشدند و دیگر قضا نیست

میرعن زهره از ولایت کندهار

صفحه ۲۱

سال می‌باشد.

اشعه لازیرو در خدمت

مترجم: دبپلوم انجینیر سر وردی

**ساختمانهای لازیرو فعالیت ماشین
های محاسبه الکترونی را تمام‌لیاردها
علمیات ظرف یک ثانیه بلندمی‌بود.**
**اشعه لازیرو یا قوتی که بکمک
تلسکوپ به مهتاب ارسال گردید
مسافه تقریباً چهار صد هزار کیلو
متر را طی کرده و در آنجا یک
مساحت قدری مناسب را روشن
کرده است. تو جیه حیرت کننده اشعه
لازیرو بدون شک و تردید رولمههی
را در تامین مخابره کیهانی و دید
کیهانی بازی کرده و امکان آن موجود
است که از آن برای حمل و نقل
انرژی بمسافت بعید استفاده گردد.
اشعه لازیرو را می‌توان به آسانی
اداره کرد. بصورت عمومی می‌توان
اشعه لازیرو را نظر بزن بازیار
امپولس «شانده» و امواج بسیار
کوتاه را که طول آنها به یک صد
میلیارد حصه ثانیه می‌رسد ارسال
کرد. نوری را که ما به آن عادت
کرفته ایم عبارت از اشعه طویل‌یاری
است که درین شرایط به شکل یک
قرص روشن که ضخامت آن بیک
می‌متر می‌رسد دیده می‌شود. بکمک
این قسم اشعه های آنی مسافه تا
سطح سیاره مهتاب با درجه دقیق
بودن تاده‌ها سانتی‌متر تعیین گردیده
است.**

نظر بخواص فزیکی خود شعاع
لازیرو ما نند امواج رادیونی است.
مگر فرقیکه از امواج رادیونی دارد
عبارت از آنست که فریکا نس
نو سان در امواج لازیرو ملیون نه
مرتبه زیادتر بوده و بهمین ترتیب
امکانات معلوماتی آن بلند ترمیباشد
راجع باین موضوع و چندین مرتبه
نوشته شده است لیکن فقط چندی
قبل مفکوره تامین مخابره لازیرو
در ساحه تحقیک جامه عمل را
بوشانده است. این پرایلم در نتیجه
حل موافقانه یک عدد مسایل تحقیکی
ساختن انتقال دهنده (برنده) های
نور فیصله گردیده است. این ها
عبارت از تارهای بسیار باریک
است که در آن نور عیناً ما نند
جریان برق الکتریکی در ناقله ها
(سیم ها) انتشار می‌یابد. زیاد
ساختن حجم معلومات ارسالی اجازه

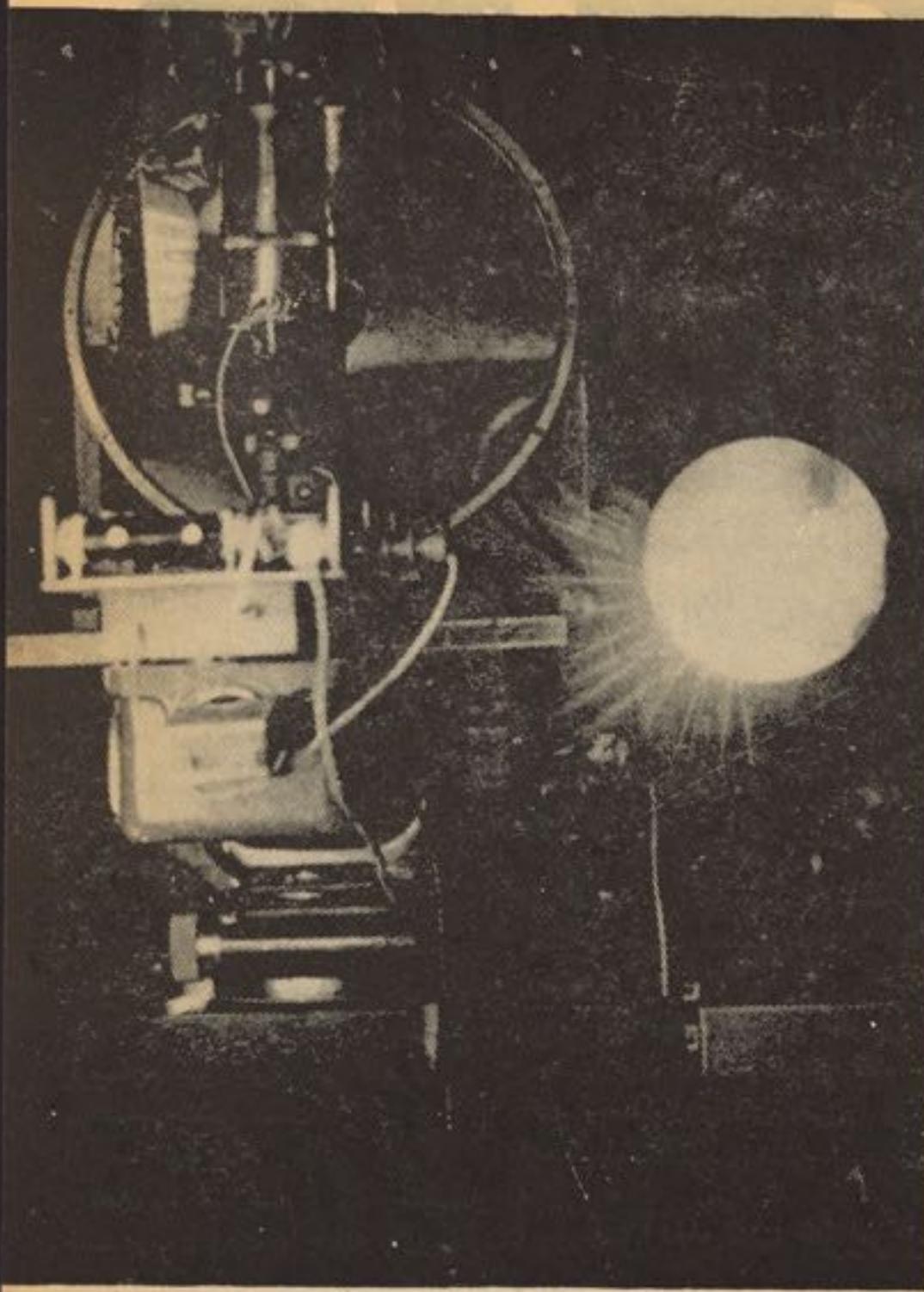
استعمال و استفاده و سیم ۱۰
اوپتیک در علوم و تحقیک عصری
در بوط به ساختن لازیرو می‌باشد.
اشعه لازیرو این امکان را می‌سازد
که اشکال منظم انرژی الکترونی
مقنا طیسی را بدست آورد. مکمل
وعصری شدن سریع خواص لازیرو
های امروزی اساساً را در دسترس
ما قرار میدهد که در آینده بسیار
نزدیکی مقیاس استفاده از اشعه نوری
با استفاده از انواع دیگر انرژی
قابل مقایسه خواهد بود.

حیات جدید امواج نوری مربوط
به فرق مهم نور بوده که از منابع عادی
و لازیرو وجود می‌آید. در پراغ
های حرا رتی اتو مها پار چه های
نور را به سمت های مختلف با طول
امواج مختلف در لحظه غیر معین زمان
تشعشع می‌نمایند. این نوسانات
الکترو مقنا طیسی به شکل صدا
هاییکه نمایند گمی از صداهای
ارتفاعات مختلف می‌نماید. در لازیرو
های اتون های نور به شکل منظم به یک
سمت ارسال میدارد. طول موج آنها
و دوره زمان آنها مساوی می‌باشد.
این خواص تشعشع لازیرو امکانات
جدیدی را برای استفاده از آن مهیا
ساخته است.

بطور مثال امکان ندارد که شعاع
آفتاب را طوری تو جیه گرد که سطح
روشن شده را تا حرارت زیاد تر از
شش هزار درجه سانتی گراد گرم
نماید. با وجود یکه از هر قسم
سیستم های اوپتیکی محراق کننده
بزرگ استفاده گردد. مگر تشعشع
لازیرو را می‌توان که کوچک ترین
سطحی که قطر آن مساوی به طول
ازج نور است جمع آوری کرده و
مجموعه بسیار زیاد انرژی را بدست
می‌آورد. در تحت تأثیر این قسم
نور می‌توان هر قسم مواد یکه درجه
غليان آن بسیار عالی است ذوب کرد.
همزمان بودن آنها اجازه میدهد که
تصور موادی دسته های نوری
قدرت عالی را ساخته و انرژی حاصل
شده را به مسافت بعید ارسال



جامعهٔ بشری



شاع لازیز

ماشین‌های حساب کننده که ملیا ردد می‌توانند مخصوص در صفحه که ابعاد آن ده در ده سانتی‌متر هست باید باشد می‌توان زیادتر از صد میلیون واحد نماید طرح و ساخته می‌شود. سمت مهندس دیگر کوانت الکترونی عبارت از کیمیا لازیز است که در ابتداء مرحله پیش‌فت قرار گرفته است. فعالیت‌های ابتدائی درین ساحه فقط دو سال قبل شروع شده بود. فعالیت انسیوت‌سپکرو سکویی اکادمی علوم اتحاد شوروی نشان داده است که کیمیا لازیز ساخته بالکل جدیدی را کشف کرده است. بصورت عمومی امکانات تجزیه کیمیا ای ازو توپ‌ها را مهیا می‌سازد. ذیرا ازو توپ‌های مختلف یک عنصر دارای فریکانس نوسانی مختلف می‌باشد. چیزی که در بر طبع تکنالوژی کوانت است گفته می‌شود. توانیم که بسیار عمومی می‌داند. بکمال اشعه لازیز می‌توان فلزات را بریده. لیم کرده و عنصر را بادرجه دقیق بودن عالی تجزیه کرد.

ما آرزو داریم که فقط راجع بیک عدد مسایل مهم و بزرگ که در بالای آن متخصصین فعالیت می‌نمایند بشما معلوم مات بدهیم. این موضوع عبارت از کوانت الکترونی است.

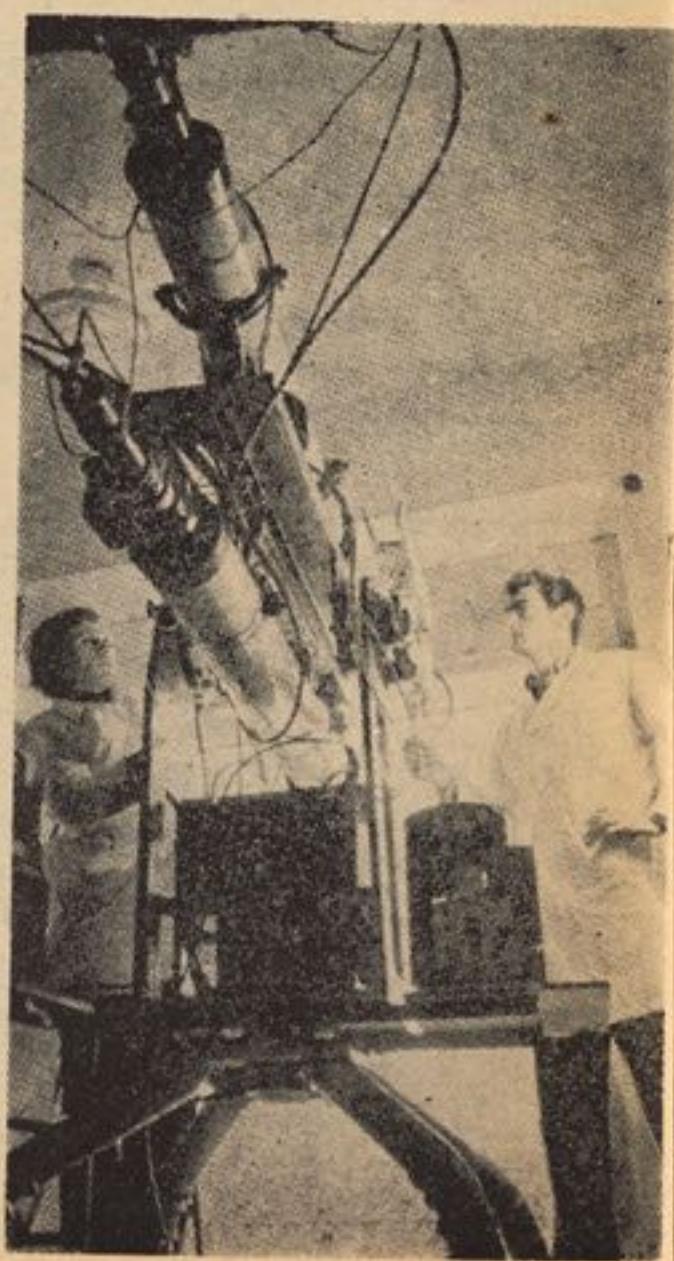
از می‌تواند های او پیکی تهییه معلوم مات شروع می‌نمایم. حیات روزمره انسانها را مجبور می‌سازد که ماشین‌های حساب کننده (کمپیوتر) سریع‌تر طرح و تهییه نمایند. بطور مثال ماشین محاسبه او نیورسال با فعالیت سریع در ظرف یک ثانیه زیادتر از میلیون عملیات را حل و فصل می‌کند ساخته شد. به تعقیب ترا نزیستورها نیم ناصله ها و دیگر شمه‌های انتگرالی عصری تر شده و امکان آن رامپیا ساخته است که فعالیت کمپیوتر، صد ها و زیاده‌تر از میلیونها عملیات را در ظرف یک ثانیه انجام بدهند. مگر این را هم باید یاد آور شویم که ساختهای لازیزی اجراه میدهد شمه‌های سریع الفعالیت را برای ماشین‌های محاسبه الکترونی ساخته و فعالیت ماشین‌های مذکور تأمین‌دارها عملیات الجبری در ظرف یک ثانیه حل و فصل نمایند.

درینجا این موضوع را با یه مذکور شویم که فعلاً تر تیبات حفظ کننده ماشین‌های محاسبه عصری مشکل و بسیار مغلق است. فعلاً این تر تیبات مقایست‌گام است. فعلاً امکان آن موجود نیست که به بسیار سرعت اساسات را بماشین‌محاسبه داده و نتیجه آن را قبول کرده و باسرعت زیاد نتایج حاصله را در جریان محاسبه نوشته کرده و در تر تیبات حفظ کننده، پروگرام تیبه شده را گذاشت طبق پرسو گرام مذکور ماشین محاسبه فعالیت نماید. درینجا او پیک بکمال می‌شتابد. در نتیجه طول بسیار کم اموج می‌توان معلوم مات را بکمال نور به کثافت بسیار عالی نوشته کرده تر تیبات حفظ کننده دا یعنی راباط فیت زیاد ساخت. بطور مثال با استفاده

میدهد که عکس‌های تلویزیونی از طریق مخابرہ قابل‌نمایی از سال کرد منظور مادر آنچه ساختن تیلفون قابل دیداست. این قسم سیستم‌های مخابرہ برای پیشرفت تکنیک محاسبه بسیار مهم می‌باشد.

پیشرفت‌های شایان برای دستگاه‌های اتو مات، تکنیک حساب کننده، محافظه معلوم مات، مخابرات، سینما و تلویزیون، حل تکنیکی جدید و تغییر اصلی تکنالوژی، مختصراً ساختن طرفیت انرژی‌تکنیکی و مشکل بودن جریان فعالیت مجادله در مقابل عوارض، حیات جدید کیمیا و مالیکولی و بیو‌لژی. درد یا زدن تو ری امواج تثییت گردیده است.

با وجود آنهم ما فعلاً نمی‌توانیم تمام امکانات شعاع لازیز از روی حقیقت در نزد خود مجسم ساخت.



روزگار پسرانه

داری بکو ۱

محسن خان با عجله بازوی آقای (ص) را راهنمی کند، لبخند بوزش خواهانه میزند ولی هنوز دست بکریبان تردید و دودلی است. من با اینکه وجودم از گرمای دلپذیری داغ شده است و بیخیا لسی ویکرنگی بر فکر و ذهن واندیشه ام چیزه کشته است، حرکات محسن خان بنظرم کودکانه نماید، کمی خودم را عقب می کشم و میگویم:

— تا شما حرفتان را بزنید، من یک گیلاس دیگر برای خودم میبریزم آقای (ص) دستم را می کشد و سعی میکند نگلزار من از او فاصله بگیرم، ولی من اعتنایی نمیکنم و خودم را به میز نزدیک میکنم. محسن خان به عنوان سپا سگداری سرش را بطرف خم می کند و در ضمن لبخندی نیز تحولیم میدهد. من با اینکه حال کاملاً عادی ندارم هم حرکات محسن خان را میبینم و هم میبینم که آقای (ص) باجه صلکی؟ خشم آلودی با تفاق محسن خان خودش را به گوشه اتاق می کشد، سرش را پائین میاورد تا حرفهای محسن خان را پیشتر بشنود.

— ظاهرا آقای (ص) به حرفهای محسن خان زاد اهمیت نمیدهد، پسون یکی دو باز رویش را بجانب من بر میگرداند و لبخندی بصور تم میزند، فقط یکبار نگاهش را بصورت محسن خان میدوزد و در تایید حرفهای اوچند بار سرش را از بالا پستان تکان میدهد و بعد در حالیکه بخوبی صدایش را می شنوم میگوید:

— بسیار خوب، بسیار خوب! خواهش میکنم دیگر هزارم من نشو.

آنوقت بجانب من میاید، دستش را روی شانه ام میگذارد و میگوید: — امید وارم ناراحت نشده باشی محسن خان همیشه همینطور است، حرفهایی را که باید جای دیگر بزند، در چنین موقعی یادش میایدو مرا حم میشود.

با اینکه نمی خواهم زیاد کجکاری کنم، باز هم میبر سم:

— مثلًا کجا باید حرفها یش را بزند؟

با بیخیالی میگوید:

— در دفتر...

— شما هنکار محسن خان هستید؟

یادداشت از: لیلا - قندهظیم از: دیدبان

نژدیک می کند و با شتاب زدگی و با ملایمت اورا بطرف خودش می کشاند. در میابم که اینکار فقط برای این است که من از حرف های میگویم:

— اجازه میدهید؟

آقای (ص) با پیمیلی آشکار، اما، حرکت محسن خان مثل اینکه نمیرخ بطرف محسن خان بر میگردد.

آقای (ص) را خوشش نماید، بازوی خودش را از میان پنجه های محسن — بکو، چه میخواهی بکو می؟

محسن خان اول مردمین نگاه می کند و بعد بازوی آقای (ص) را میگیرد

— دستم را عقب بکش اگر حرفی

گیلاس دیگری برای خودش میزد و چند قطعه یخ به آن اضافه می کند و وقتی گیلاس را به لیانش می چسباند و جرعة از آن می نوشد، خدمتکار که بیصدا وارد اتاق شده است و بی صدا خودش را بـ

نژدیکی مار سانده است، مودبانه اعلام می کند: شام حاضر است.

آقای «ص» لحظه بصـورت خدمتکار خیره میشود و مثل اینکه مطلب تازه بـ شنیده باشـد، پرسش آمیز تکرار «ی» کند:

شام حاضر است؟

بعد میگوید:

هـان!!... شـام!!... بـسـیـار خـوب آـنـوقـت با عـجلـه باـزوـیـم رـا مـیـگـیرـد:

— شـنـیدـی؟! مـیـگـیرـد شـامـحـاضـر

است. بـروـیـم آـنجـا بـهـتر مـیـتوـانـیـم حـرفـیـم.

همـهـ باـعـمـ بـهـ اـتـاقـ بـهـلـوـیـیـ مـیـزـدـ

مـیـزـ غـذاـخـورـیـ درـوـسـطـ اـتـاقـ بـاـ

دوـدـسـتـهـ گـلـ زـیـبـاـ زـینـتـ یـافـتـهـ اـسـتـ

وـسـهـ شـمـعـدـانـ نـقـرـهـ بـیـ باـ شـمـعـهـایـ بلـنـدـ روـیـ مـیـزـ رـاـ روـشـنـ کـرـدـ

رـوـشـنـایـ گـنـکـ وـلـرـزـانـ شـمـعـهـایـ

تاـ کـنـارـهـ هـایـ اـتـاقـ رسـیـدـهـ اـسـتـ

بـوـیـ مـیـزـ فـسـایـ اـتـاقـ رـاـ اـنـبـاشـتـهـ

روـیـ مـیـزـ فـسـایـ اـتـاقـ رـاـ اـنـبـاشـتـهـ

اسـتـ.

«ص» هـنـزـ گـیـلاـسـ نـیـمهـ خـالـیـ

رـاـ درـ دـسـتـ دـارـدـ وـ هـمـ چـنـاـنـکـ

خـودـشـ رـاـ بـمـنـ چـسـپـانـدـ وـ نـاـ هـرـتـ

گـامـ بـرـ مـیدـارـدـ، مـیـگـیرـد:

— حـالـاـ بـهـ توـ خـواـ هـمـ گـفتـ مـیـنـ

کـیـ هـسـتـ...

بـایـکـ دـسـتـشـ مـوـیـمـ رـاـ نـواـزـ شـ

مـیـکـنـدـ وـ مـیـپـرـسـدـ:

— دـلـتـ مـیـخـواـهـ بـکـوـیـمـ هـاـ ۱۱۹

محـسنـ خـانـ مـجـالـ نـيـمـهـدـ، مـنـ

حـرفـیـمـ نـمـ، خـودـشـ رـاـبـهـ آـقـایـ «صـ»

خواندن گان عزیز ژو دلوں قضاوت سیکنده

لیلای عزیز!

بسیاری از سران هست کرده بودند بگذار بدون هیچگو نه تعارف و مقدمه چینی خودم را بوسیله این

نامه برایت معرفی کنم. شاید این طوری بتوانم خودم را تا اندازه ارضاء کنم و تو نیز با خواندن این نامه

برای لعنه ای تنها نباشی. شاید نامه من برایت سر گرم گنده نباشد و قصه من و هاجرای که برای من پیش آمده برایت جالب باشد چون من نیز به نحوی دیگر را هی را که تو دقتی ناشناخته و بی خبر رفتم

که بـایـانـشـ تـارـیـکـ بـسـودـ وـسـیـاـهـ آـشـبـ رـاـ خـوبـ بـخـاطـرـ دـارـمـ بـرـایـ دـخـترـانـ چـشـماـ نـشـانـدـ بـسـتـهـ وـ

پـسـرـانـ آـنـهاـ رـاـتـنـکـدنـ آـغـوشـ کـشـیدـهـ بـودـنـ. منـ هـمـ مـیـخـواـهـ خـواـستـ تـرـ سـاعـتـیـ بـعـدـ هـوـرـیـکـ آـهـسـتـهـ تـرـ

توـاخـتـ وـهـهـ آـهـسـتـهـ تـرـ وـقـصـیدـ نـدـ، دـخـترـانـ سـرـ هـایـشـانـ رـاـ روـیـ شـانـهـ پـسـرـانـ نـهـادـهـ بـودـنـ. چـرـاغـ خـامـوشـ بـودـ فقطـ یـاـکـ شـمـعـ بـزـرـگـ نـورـ کـمـ نـکـشـ رـاـ بـهـ اـطـرافـ بـخـشـ مـیـکـرـدـ درـینـحـالـ

پـسـرـانـ آـنـهاـ رـاـتـنـکـدنـ آـغـوشـ کـشـیدـهـ بـودـنـ. منـ هـمـ مـیـخـواـهـ خـواـستـ تـرـ سـاعـتـیـ بـعـدـ هـوـرـیـکـ آـهـسـتـهـ تـرـ

وـبـعـدـ اـسـتـ عـوضـ گـنـدـ،

محـفلـیـ گـرمـ وـبـاـ شـکـوهـیـ بـرـ پـاـبـودـ خـوـ شـعـالـ بـودـمـ کـهـ کـامـلاـ اوـ بـرـاـیـ

بـقـیـهـ درـ صـفـحـهـ ۵۹

ترقیا یعنی او هم کارمن است و از این که یک همسکار باشیم، دو، می نشینند و آقای (ص) هم مرا است و به سختی میتوانم روی چوکی آقای (ص) جلو حرفش را میگیرد دوست هستیم و همین شاید برای پهلوی خود من نشاند و محسن خان هم در پنجه من بیاید محسن خان نگاه طولانی بی بصورت من می اندازد و تو کافی باشد.

سرم را تکان میدهم:

- این حرفها مهم نیست، منتظرم - پلی، کافی است. میگوید: مدت کو تاهی هیچکس حر فی بلند شوم.

اینست که بر ای تو اهمیتی ندارد، خنده بی در صورتش می شنگد، دستم را می فشارد و به دیگران نمیزند هر کدام به نوبه بشغا بش دارد!

- نه لیلا! نه! ما با هم میرویم اشاره می کند و میگوید: را از غذایی که دوست دارد پر می

میگوییم: - پس معطل چه هستید؟ چرا کند و بعد گیلا سپها بسرعت پر و تو باید با من باشی. یکدیگر فقط نمی نشینید و مهمنان که دور میز خالی می شود تا جایی که دیگر یکدیگر ضبور کن.

- آفرین! من و محسن خان بیش ایستاده اند هر کدام روی یک چوکی من احساس میکنم سرم بدوران افتاده ناتمام



بخش سوم

تا اینجای داستان

بهار شهر زیبای هرات را طراوت و زیبایی خاصی بخشیده است. در یکی از حجره های مدرسه گوهر شادسنه تن از طلاب علم با مقامات نازه وارد سرگرم گفتگوی اند.

بعد از جمله آنها زین الدین سلطان مراد راه بازار در پیش می گیرند و خود را بدوان شاعر حلوا فروش مولانا ترابی می رسانند و با او در اطراف همراهی می کنند. حاده روز، خبر بازگشت نوائی به هرات به بحث و گفتگو می بردازند.

علیشیر نوایی

م.ت. آی بیک

ترجمه: ایلد رم

عزم الدین مبارکه که حتی سخن سرایان پیش من برای شما اثبات نمایم. درست این داشت: کام نیز از آن بشکفت اندر شده اند. پیشا هنگترین سخن پر داشت بزر - علیشیر نوایی خطاطی چیزه که از سمرقند مینو سر شت دست است. یک تعداد آهنگهای که گشته اند و نیز کسایی که بمنظور دست ایند، به تبع از مطلع های زیبای ابداع نموده، میتواند گواه زنده تجارت و یا امور دیگر در آن سامان تردد دارند، پیرامون اشتغال علیشیر میگویند او بیخبری از جهان در آنجا باربار به این کمیته معلومات میگویند او بیخبری از جهان داده اند پیوسته به تحصیل علم از محضر فقیه معروف خواجه فضل الله ابو نیت معروف بوده و بیو ندی نزدیک نظر رابطه پسر با پدر باین ذانشمند داشته است. فکری بغايت بجاست. هر شاعری باید به موسيقی کلمات و همچنان حاکم شاعر حتی به موسيقی اندیشه انسان طبع سمرقند - احمد حاجی بیک با علیشیر پیوندی دوستانه داشته علیشیر نوایی برای هان، آیا علیشیر نوایی برای انجام کدام وظیفه رسمي به سمرقند گذشت ازینها در باره علیشیر نیز مطالبی شنیده ام. می گویند و قایعی هم پیش آمده که وی برای تأمین مصارف کوچک زندگی حبه ای هم در جیب نداشته، ولی غرور انسانی و حساسیت طبع بوی اجازه نمیداده تا از دوست محترمی چون احمد حاجی بیک نیز استعانت نماید. تمام نزدیکان علیشیر ازین مطلب آگاهند. پس چرا واقعیت نداشته باشد؟

زمین الدین بدون تأمل اظهار داشت: درست است. شاید اگر از خود علیشیر درین مورد پرسش بعمل آید نیز عین پاسخ شما را بدهد و این موضوع که وی نزد خواجه فضل الله ابو لیث تحصیل مینمود نیز غیر قابل تردید است. اما اینها همه ظاهر قضیه اند.

مولانا ترابی پرسید:

- پس حقیقت در کجاست؟ - نظر به روایت برخی ذوات قابل اعتماد، مناسبات علیشیر با پادشاه

عزم الدین مبارکه که حتی سخن سرایان پیش من برای شما اثبات نمایم. درست این داشت: کام نیز از آن بشکفت اندر شده اند. پیشا هنگترین سخن پر داشت بزر - علیشیر نوایی خطاطی چیزه که از سمرقند مینو سر شت دست است. یک تعداد آهنگهای که گشته اند و نیز کسایی که بمنظور دست ایند، به تبع از مطلع های زیبای ابداع نموده، میتواند گواه زنده تجارت و یا امور دیگر در آن سامان تردد دارند، پیرامون اشتغال علیشیر میگویند او بیخبری از جهان در آنجا باربار به این کمیته معلومات میگویند او بیخبری از جهان داده اند پیوسته به تحصیل علم از محضر فقیه معروف خواجه فضل الله ابو نیت معروف بوده و بیو ندی نزدیک نظر رابطه پسر با پدر باین ذانشمند داشته است. فکری بغايت بجاست. هر شاعری باید به موسيقی کلمات و همچنان حاکم شاعر حتی به موسيقی اندیشه انسان طبع سمرقند - احمد حاجی بیک با علیشیر نوایی برای هان، آیا علیشیر نوایی برای انجام کدام وظیفه رسمي به سمرقند گذشت ازینها در باره علیشیر نیز مطالبی شنیده ام. می گویند و قایعی هم پیش آمده که وی برای تأمین مصارف کوچک زندگی

سلطان مراد گفت: - فکری بغايت بجاست. هر شاعری باید به موسيقی کلمات و همچنان حاکم شاعر حتی به موسيقی اندیشه انسان طبع سمرقند - احمد حاجی بیک با علیشیر نوایی برای هان، آیا علیشیر نوایی برای انجام کدام وظیفه رسمي به سمرقند گذشت ازینها در باره علیشیر نیز مطالبی شنیده ام. می گویند و قایعی هم پیش آمده که وی برای تأمین مصارف کوچک زندگی

سلطان مراد گفت:

مولانا ترابی جواب داد:

- نخیر، برای تحصیل.

- برای تحصیل؟ سلطان نموده با لوجه ای حاکم از نا باوری پرسید

و بسخن ادامه دارد. در زمان السع

بیک واقعاً سمرقند مرکز دانش و

معرفت بود. اما حالا کجاست

سمرقند آن زمان؟ اکنون درین

شهر پر میمنت گروهی از مدعيان

جاهل.. مسکن گزیده اند. حالا

دیگر جای علم و هنر و کتاب را فعالیت

های خرافی... اشغال نموده

است. آفتاب دانش در آسمان

سمرقند به آسمان هرات گذشته

است و میتوان باده ها تن از

یش گامترين علمای سمرقند در هر

مدرسه آشنا شد...

- پس حقیقت در کجاست؟

- فکر میکنم خبر های من بوط به

این موضوع دور از حقیقت باشد

مروج. ابوسعید میرزا سیرد پوره

مولانا ترابی کلام زین الدین را بردید. است.

- گرچه میان علیشیر نوایی و کشیده که حتی سخن سرایان پیش از جمله آنها زیبایی هرات را طراوت و زیبایی خاصی بخشیده است. در یکی وجود ندارد، با آنهم مانند هر هر وی دیگر از بعضی جهات مربوط به آیند، به تبع از مطلع های زیبای ایشان اطلاع عاقی دارم. علیشیر او قلمفر سایی میگنند. درین شهر بزرگ (هرات - م) دریک

عاویله نجیب با موقعیتی بلند زاده سلطان مراد وارد صحبت شد:

- شاعر بزرگی مانند مولانا موسیقی را برای هر شاعری نقیصه ای شد. آبا واجدادش خدمات زیادی لطفی (۳) با شهرت عالمگیر خود په سلاله تیموری انجام داده اند.. حاضر شده بود، در برابر یک پیت پدر که به ارزش و اهمیت علم توایی جوان بزبان مادرش، از وفن نیک بی میبرد، روز گاری در مجموع غزلهایی که در طول حیات زمان ابوالقاسم بابر، حاکم سپز وار بود (۲) آن مرد فر زانه از همان باره این روایت چه میگویند؟

مولانا ترابی پاسخ داد: - کاملاً درست است. خود مولانا لطفی، کلام سحر آمیز اورا بار بار برای من ستوده اند. در حقیقت این خامه سحر انگیز توایی جوان بود که

کتجینه طلایی پایان نایدیر زبان مادری را کشف کرد. شما در باره چیرگی و تسلط علیشیر درانواع علوم، از استادان خود دوازد انشمندان بزرگ معلومات بخواهید. علیشیر روز گاران زیاری در هرات تخت و تاج کنونی - سلطان حسین یاپرا، در آوان کود کی با هم و مشهد به تحصیل پرداخته است. سلطان مراد گفت: دوست و هم مدرسه بوده اند.

- بازین اطلاع داریم که علیشیر از آوان کود کی آثار لطیف و بدیعی در دولسان سروده، بالقب «دولسانین» شهرت یافت و هنوز یانزده سال انسانی، صاحب معلمات وسیعی داشته که در سرای مرحوم ابوالقاسم بابر وارد خدمت گردید، اشعاری که در آن دوره بین بانهای دری و ترکی سروده، مورد قبول شعر او عامه

عبدالرحمان جامی و علیشیر نوایی، یکی از ورزید ترین شعرای قرن پانزدهم هرات است که بین بان دری و ترکی (نوایی) تخلص میگنند، از قازم سخن، درهای گرانبهای بیرون (۳) ملک الكلام لطفی هروی معاصر

مردم قرار گرفته است. این پسر که در اشعار دری (فانی) و در اشعار ترکی (نوایی) تخلص میگنند، از شاعری (نوایی) تخلص میگنند، از قازم سخن، درهای گرانبهای بیرون (۲) شهر سبز - شهر کوچکی بود در خراسان.

ابو سعید میرزا طرفدار آن نبوده آواره گردی های زیاد با این شهر کار شده بانقره نزدش مانده است وی میراث مانده و شاهد روز کاران را علیشیر در هرات اقامه گزیند پاگذشت، بیست و پنج دینار پول اما توغان بیک حاضر نیست، حتی خوشبختی و سعادت آنان بسو ده بنابر آن سه سال قبل علیشیر ناگزیر داشت و توانست با صرفه جویی و اگر از گرسنگی پهلاکت برسد هم **امت** توغان بیک بخاطر تدارک غذا در شد هرات را بقصد سمر قند اقتصاد، مدت استفاده از این مبلغ این سلاح را از دست پدید. زیرا جستجوی هیچگونه کاری در بازار اولاد، طور عموم حرص و علاقه شدیدی را طولانی تر ساخت. اینک حالا از ترک بگوید. حالا اگر منشاء اختلافی دو هفته پاینسو، با جیب خالی، به تیغ دارد. همانطور که بسیاری نشد. او هیچگاه حاضر نبود به کار کردن تن دردهد و چنین می پندشت خونین جکر میگردد... با عده های از اشخاص به نیروی افسون و تعویذ چرب و نرم از برخی قصابان و طباخان معتقد اند، او نیز به نیروی سحرآمیز که هر نوع کاری، عزت نفس و روح حساس او را صدمه خواهد زد.

(باقیدار)

فروش فقط یک خنجر دسته عاج و تانیا این خنجر از آبا و اجداد

وقایع با شما حر ف پز نم:
این روشن است که صاحب دیهم کنونی - حضرت بایقرا، سر سخت ترین دشمن مرحوم ابوسعید میرزا بود و میان حضرت شان و علیشیر از زمانی پس پیشین، مناسیات حسنه نزدیک و دوستانه وجود داشت.

علاوه بر آن ماهای علیشیر، از رجال بس مقرب حضرت بایقرا بوده و در پیکاری که برای رسیدن بقدرت انجام داده، از هیچگونه کمک و مساعدت دریغ نداشته است. حال آیا طبیعی نخواهد بود که این اوضاع و احوال سبب آن گرد تا ابوسعید میرزا نسبت به علیشیر با نظرشک و تردید پنگرد؟

مولانا ترابی اعتراض نکرد و چون اساساً دلیلی برای اعتراض نداشت خاموشانه بزمین نگریست.

سلطان مراد که این گفتگو را با دقت و علا قمندی زیاد میشنید، با نکاه معنی داری گفت.

- در سخنان زین الدین جنبه های حقیقت پیشتر بنظر میرسد. ممکن است بوستم زین الدین در نیا یش پنجگانه خود اشتباه کند، اما هیچگاه در درک و تحلیل ماهیت و قایع هرات دچار اشتباه نخواهد شد.

همه خندهندند. درین موقع مهمانان جدیدی که اکثریت شان شاعر بودند وارد شدند، یک کلمه ورد زبان همکان بود:

علیشیر!

توغان بیک مدت زیادی در بازار به گشت و گذار پرداخت. پوی مطبوع نان در دکانهای نان پزی و اغذیه گوناگونی که طباخان تو صیف کنان برای فروش عرضه میداشتند، بشامش رسیده، اشتباهیش را بشدت تحریک میکرد و فشار معدود خالی، و طاقت توا نش را میزد اما افسوس که جبه و دیناری در دست نداشت.

سه ماه قبل هنکا میکه پس از



سوغات ورگړی .
مکر .. هغه شهید دی او نور
سوغاتو نه چه مادی آرزښت ولري
دهغه مرحوم دپاره ټول بي ګڼي دی
اوښایي چه ورته هسي شانۍ سوغات
یوروں شې چهدمزار د پاسه یې د هغه
دسره کفن او با افتخاره شهادت
څخه نمایند ګئي وکړي او بودي د
همدغه شانۍ یوه سوغات پهراټولو
پسی خپلی وچي ليچي را بدرو هلي
وي .

بودي دومنه په پوره مينه او زيات
تلواز سره ګلونه را پريکول تا به ويبل
چه همدغه اوس بي د یوی ګرانۍ
ناوي د تيريد ولاري ته دهغه ډولی
نه ورڅلولي .
هغه یوه ګوده ګلونه وشكول او
بيا د خو شيبو د پاره هماليه دکل
ديوه ډندير په اړخ ګښي سانیولی
غوندي ګښننسته . نه پوهیدام چه
په زړه ګښي بهې کومو یادونو ټوپونه
وهل چه هغه وخت بي ګوده ګلونه
پخپل تور پوري ګښي منځ ته ایښي
او هر یو ګل به یې یوه او بله خوا
په لاس ګښي اړاوه راډاوه . دا سمان
په لوري بي په یوه رسما نظر منه
وکتل او بیاې دواړه لاسونه ددواعا
کولو په مدعا پورته ونيول . هغه له
خانه سره زونګیده او دغه وخت
نو زه پوره پوهیدام چه ګوندي د
کوم چا په حق ګښي دوعا ګانۍ کوي
ولی بیا هم راته پوره پته لالکبدلي
نهو چه اصلی ګيسه به شه شانۍ
رنګ لري .

دنپري په دغه باشپامته ګوت ګښي
د سپورمي د شبې او د بودي ادي
د هلو خلو یوه عجیبه غوندي ډنیاګي
ودانه شوي وه چه زه یې تر خو
ګپت پوره لاد خيل منظور په ليدلو
سره مشغول وساتلم او اوس توايله
بیله دو مره پوهیدلی و م چه هرومرو
به دغه ادي ګوده شوي ګلونه سبا
ورخ د کوم چاد مزار د پاسه کتارو .
دومنه لانه پوهیدام چه دغه ګلونه
به دغه با شپامته سر بشنداونکي به
مزار باندي اینسول ګپت کوم چه
بي د هيواد د یوه رښتیني اړ تاریخي
خادم بیاغلی محمد داود د سپیخلی
اووطن پر ستانه لو په فکر سره د
پيو ستون غیره ورگړه او د تاریخي
افغانستان شمله یې دنپري د هيوادونو
او اولسو نو په ورلاندی د یخوانۍ
برم او عظمت په ياد بیاور هسکه
کړه .

نن د هغه شهید وينو خاشکي
دبودي دستر ګو په ورلاندی د همدغو
پاتي په ۵۸ منځ کي

ليکونکي : حليم (ظريفي)

د ګلو کوډ

خولا د تير کال د چنګابن یه ۱۹۶۰ء د جمهوریت دلاري نهدهيږدو نکي
نيته نه یوازی مابلکه تول افغان اولس شهید د سپیخلو وینو بر یېن او د
او افغانی تاریخ ، ګران افغانستان خوان همت ندراني دوريدي او همذلتله
او راتلونکي نسل ته د خوان په باځجه ګښي د ګلونه له راټولو
جمهوریت د تاسیس سوغات ورلاندی خخه د بودي د زړه حریصا نه هرېښت
کړ .

بودي په پوره بېره او تلواز سره
ګلونه شکول او هر خو مره یې چه
ګښي دهغه قدر من موجود دا زښتاسکه
پلود کیده لا هم هو مره به یې د
مقام ستاینه ګپتی چه هغه ته (مور)
خولی نه ورسه نامعلومي غونډن په نامه سره خطاب کیده شي ارنه
زړزمي او چشیدي . زه ورنه لاس تو پوهیدام چه شهید حبيب الله دغه
زنی غلې او پت ناست و م او د ګران فرصلت له لاسه ورگړي دی او هغه
هیواد دروښانه تاریخ دغه قدر هنی له خيل هیواد او خپل والس سره
مورلا هم هسي یې د ګا و تو خخه ګښي درلودلو په درناوي دومنه خه
کړي یې دغه او سې بودي مور پايد
پورته په آسمان ګښي له یوی خوا دهغه په بشکلی مزار باندي د ګلونه
د سپورمي د ډولی خخه د همدغه هور د ګونچي کتار کړي او اوس حق خبره
ګران شهید په قير باندي ګلالې تور اور نګن عمل همدغه دی چه مور بي
اور ډوله او د ستورو په خلیدر ګښي ورته دهغه شانداري ورځي په مناسبت

د یسرلی دنرم او زړه ټپونکي
هاسختنی شمال له الولو سره
دومنو پانی په زړي او وروسته بیاور
سره په تکنی توګه په بیور یېدو
اور پیدو راغلی . دکلو په ډندر نو
باندي د بورا ګانو غایري تازه شوی
او د معطره ګلونو بویونو ټول ماخون
ته یو خوندور کيف ورو باښه .

هغه شبې چه سپورمي د آسمان
په تندي باندي د خپل سفر مزلونه
نډول د خمکي په منځ هر چا دخان
د ره یوه دنیا ګئي ودانه کړي وه چه
د هر چابيلی دنیاګي ګوبشي ، ګوبشي
او جونه او رنکو نه درلودل .

په شارواو رغونو ګښي د ګوچيانو
د تنديو وریو د خولو خخه دلپزي
رمباري نه اور ډيلی کیدي او دورځي
په شانۍ په ګلې او بانډو ، بشارنو
او واتونو باندي د خلکو د کار او
ګښي ګونی هنکامه غلى وه .

هغه شبې چا د مستې خو بونه وهل
او چا به هم د ميني د خورې دنیاګي
په غيره ګښي دزړه ګلونه او بول چه .
یوه ګلیوالی میرمنه چه تو زړو په
پر سر باندي غو ډولی وو د خپلی
کلا د دروازې د خنځير د خلاصولو
سره په په بېره ، بېره دور خرمه
پاځچي په لوري ګپتندی ګامونه منځ
نه ورلاندی پورته کول .

د سپورمي د شبې دغله په شانۍ
ددیواله د سپورمي سره په هغه پیسې
له خته په ورو قدمونو ورروان شوم
او هغه وخت چه دغه میرمن د ګل دیو
پوټي په خوا ګښي ودریده نو د
سپورمي ډیوی یې راته د عمر پته
ولکوله چه په حقیقت ګښي دغه
میرمن یوه زړه ادي وه او هسې یې
چتک رفتار او ګپتندی ګامونه دهغه
د خوان والي په فکر ګښي لاهو کړي
وم نوځکه د باځچي دیوہ کندو د سپورمي
تیاري ته ورته تم شوم او همدغه
وخت بودي له بوقو خخه د ګلایو
ګلونو په را پري کو لو باندي پیل
وکړ .

زه لا تر او سه یوری نه پوهیدام او
په زړه ګښي خولا ورته په غو سهعم
وم چه ګوندي بودي د خوش رنګه او
معطره ګلونو د ژوندانه بشکلا پاي ته
رسوی ولی دغه حقیقت ورومنه راته
ډير پنه په ثبوت ورسیده چه هغه د
جمهوري دزيم دېنسېت ايشسودونکو
دلې خخه دیوہ خوان او قهر ما ن
شهید حبيب الله مور وه .

هغه خبره شوي وه چه د مور د
ورځي د نمانڅلوا په مناسبت نېړل
ذامن او تولی لوپي خپلوا میندو ته
سوغاتونه ورکوي او زما شهید زوي



جای خالی برای پرنس

برنس فلیپ هوس کرد که بطور نا شناس در رستوران غذا بخورد. و منشی خود راهم همراه بر دو ولی در آن رستوران، میز خالی پیدا نمیشد. آقای منشی نایجار نزد مدیر رستوران رفت و گفت:

آقای مدیر! ... در رستوران خود سر برای یک پرنس جای خالی ندارید؟

مدیر فکری کرد و گفت:

خیلی متأسف هستم. درین رستوران جای خالی وجود ندارد و تعداد کارمندان و کارگران ما کافی است. ولی اگر برنس مایل باشند، می توانند در مقاومه لباس شیونی کنار ما کو جای خالی دارند.

کاری برای خود تهیه نکنند.

آوا گارد نو ستاره‌ای که میخواهد عمر را زداشته باشد

میگویند «آوا گارد نو» ستاره طناز سینما، هیچگاه نمیتواند،



مدت درازی را در یک شهر بگذراند، او در طول یک سال سفرهای متعددی می نماید و خوش دارد که همیشی در سفر باشد، بالاخره چندی پیش وارد انگلستان شد و اپارتمانی را برای ۵۷ سال اجاره کرد. جالب اینجاست وقتی مدت اجاره بپایان برسد، اگر آوازنده باشد، عمرش از صد تجاوز می کند. به این ترتیب معلوم می شود که آوا سخت در فکر زندگیست و میخواهد عمر طولانی داشته باشد.

مشکل بر قون والیزابت قایلوور

چندی پیش در مجلات خارجی آوازه های را که گفته می شود در بیان بر تون ستاره معروف سینمای غرب میخواهد الیزابت قایلوور را طلاق دهد بجای رسید.

وقتی یک نامه نگاری از الیزابت قایلوور درین مورد سوال کرد. قایلوور در جواب گفته: «من کاملاً ازین موضوع بی خبرم و فکر می کنم حقیقت نداشته باشد، زیرا بر قون بمن خیلی علاقمند است. و مرد از دل وجان دوست دارد. ولی این قدر هست که بر تون درین اواخر، زیاد مشروب می خورد و شب ها را تاسخر در مجالس و دعوت ها می گذراند. ولی باز هم فکر کنم، در مورد من تصمیمی گرفته باشد».



حریق بخار انتقام

چندی قبل محکمه «سن» در پاریس آقای «رنه گارو» را به ۱۲ سال حبس محکوم کرد. رنه در سال ۱۹۷۲ یکی از خانه های جاده شارلو را آتش زده بود.

او وقتی در محکمه از خودش دفاع می کرد گفت: میخواستم از معشوقه بی وفای خود و رقیب عشقی ام بدینوسیله انتقام بگیرم. ولی متاسفانه که هر دوی آنها بموقع خبر شدند و توانستند خود شانرا از میان شعله های آتش نجات دهند.



نـزـد شـان دـور شـوـيـم . آـرـى
مـيـخـواـسـتـنـد چـند دـقـيقـه مـقـاـبـل شـان
تـوقـف مـيـكـرـدـيم تـا جـو نـيـفر رـا اـز
نـزـدـيـك تـماـشـا مـيـكـرـدـنـد واـز دـيـدـنـش
لـذـت مـسـدـنـد .

اما با همه صدا های آنها
لیرانه از کنار شان گذشتیم
و خندیده به رستورانت رفتیم و سر
صحبت را باز نمودیم.

جونیفر از خاطرات دوران مکتب خود بمن حرف زد و از خاطرات زشت و زیبای زندگی خویش حکایت نمود . وقتی از آوان هشت سالگی خود بیاد آورد گفت : « من از همین روز گار ، درق



جو تیفر ماس سtarah زیبا ی تلویزیون

داخته ، منتظرش ماندم . همین که ساعت پنج فرارسید ، نگریستم که جونیفر بالباس مینی رُوبی کهونگ قرمز داشت و شعاع آن در پر تو آفتاب روی ساق های بلورینش-س انکاس دل انگیز بنموده بود نمایان گردید . وقتی نظرش بعن افتاد تبستم کنان بسویم آمده احوال پرسی نمودیم و بطرف هوتل برآمد افتادیم . هنگامیکه حاده : ۱ عده : میک دیم

اطفال شوخ چشم نام جونیفر را
گرفته صدازدند جونیفر قشگ،
از هنر مندان و ستار گان سینما
و اکتور هابلهوسانه زندگی مینمایند
چه اندازه زیبا و دل را شده ای
کاش ساعتی بحر فهای دل مانیز
خام که هنوز جوانی برویم لبخند
گوش بدھی در کوچه ای ما باعما
بازی کنی ... »

آنها هم از ینکه آن ستاره طناز
بامن قدم بر میداشت و حرف میزد
همان زمان از دختران دعوت نمودند
رشک میبردند و آرزو نداشتند از
بقیه دو صفحه ۵۴

از مجله شیخ حب امر بکا ترجمہ ۱۹۹۵ و وزیر

بیادر کو چہ مابازی کن

جو نیفر دختر ما نجستر و ستاره فیلیای تلویزیون، حرف میزند.

«جو نیفر ماس» از آن ستار گان
جهان سینما و تلویزیون است که
در مدت کم شهرت فراوان کسب
نموده و در سن ۲۴ سالگی در زدیف
هنر هندان بزرگ سینما و تلویزیون
قرار گرفته و در سراسر جهان
برای هنر خود دوستداران زیادی
دریافت است .
بر سینمای گفت :

او، در شانزده سا لکی شمع «ساعتی قبل مردی سیاهوبد قیافا زندگی خود «عادر» را از دستداد که لباس گلزار در بر داشت مرا واز آنکاهی که سایه هادر ازسرش اذیت کرد.»
کنار رفته از احمدی، مهر و محبت گفت

آیا این شرط انصاف است که
بنابر اذیت دیگران، با من با
عصبانیت حرف بزنی و انتقام
ازیت دیگری را ازمن بکشی؛ بهر
صورت من قهوه خشم شما را
می پذیرم . اما شما باید گذشته
را فراموش نموده . باینده فکر
کنید ، خوش باشید غم را بخود
راه ندهید و نگذارید قیافه زیما
و قشنگ تان را غم و آندوه افسرده
و بریشان ساز د .

به فکر کردن بالای حرکات
نازیبای اشخاص دیگر وقت تان را
ضایع و خاطر تان را ملکوی
گردانید.

حرفهای من ، او را راحت نمود
رمود بانه بالای چوکی نشست و یک
باشیس را بالای پای دیگر گذاشت
رهنر مندانه لبخندزد ...

من خاموش بودم و گنک گردیده
بودم که ذلبرانه شانه اش را حرکت
داد، بچشم انم چشم دوخت و گفت:
عفو کنید که در همین ساعت باید
استدبه بروم. زیرا این ساعتی

ست که همه منتظر من هستند ،
با بروم و نقشی رادر فلمی که
نازه برداشته و در تلویزیون به
نمایش گذاشته میشود اینجا نمایم .
از او خواهش نمودم تا فردا
را این وقت ملاقات و مصاحبه بدهد
خندهیده گفت : با آنکه از دست
شما نامه نگاران ، روز ندارم ،
فردا ساعت پنج عصر در گافی



جو تیفراز جمله ستارگان مشهور
سینما است

ازنا صر طبوري

سرودسپاس

چشمهاي تو :

- از براي من :
چشمهای هاي نور ..
قلب پاک و پيرصلقای تو :
بپر من بیشت شادی و سرور
* * *
ای بیشت من !

ای بیشت آرزوی من !
من زو خست شکستهای جانگرا :
سا لبا به دامن پنهان برده ام *

ای شریک درد های بیکران من !
- هادر عزیز و میریان من !
این تویی که اشک حسرت هوا :
همجو کودک یتیم و بی پنهان :
بارها بگوشهای باع زرد چشم من :
بی حجاب دیده بی ...

این تویی که از تگاه درد وین من :
ایت شکست ونا امیدم همیشه خواندنی
این تویی که ضربه های بس گران
پنک غصه را :
دیده بی هماره بر روان ناتوان من
این تویی که تک تک دل شکسته هرا
سما لبا بکوش خود شنیده بی
این تویی که بای پای اشک بی فرارمن
اشک ها فشانده بی ...
این تویی که بپر قصه های پر زخم
غضه خورده بی ...

من چه نا سپاس ارسیاس خوبی ترا :
برزبا ن نیاوره ؟
من چه نا سپاس ارز قلب حقشناس خود :
* * *
تنفه سپاس خوش را براي تو :
ناسر وده بگذر م **?
اینک این سپاس من .
اینک این سپاس من .
کز براي قلب میریان تو سروده ام .
وصف لطفهای یکران تو سروده ام .
نفعه بی براي عشق چاودان تو سروده ام .

از توفيق

مادر

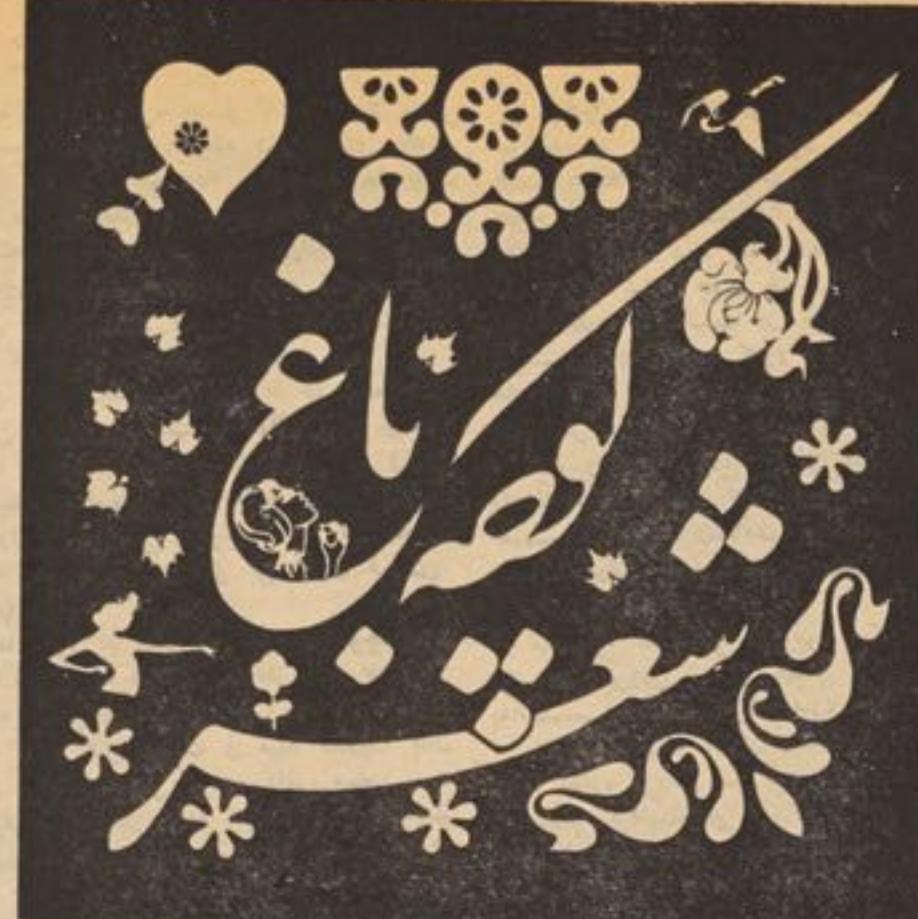
مادر :

چه آیتی تو ؟
که بپر صفحه حیات :
تبت است هر کجا ز تو روشن روایتی .
مادر :
چه آیتی تو ؟
که بپر لوح زندگی
زدین نشسته زند ، بای اشارتی
مادر :
چه آیتی ؟

ای مادر !
ای حد بیت تو آین زندگی
بپر نور از تو :
جسم جیان بین زندگی
عالی طراز پیکر امید و آرزو
زیبا تکار - قصه سیرین زندگی
از حسن کایانا ت دلا را حکایتی
چه آیتی مادر ?

میخوا تمت بشو ق :
که خوش آفریده بی
می بوبت به عشق !
که عالی گزیده بی
عشقی که تا بعرش خدا ره گشته
است

وندر حریر نود :
توازن سر گشیده بی
روح مجسم تو ؟
بیشتر ؟
قیامتی ؟
مادر !
چه آیتی ؟



از سعادت ملوک تابش

مادر پیر

آن صبح در دخیز
لبخند پیر زال در آینه جان سپردلغز ید جون نگاه ضعیف شد پر وی و
موی در گوچه های چپره در هم شکستهاش نعش امید های جوانی فناده بود
اسکن درست و سرد .
لرزید روی پلک و چو طفلی غریب وگنگ در بازوان آینه اندخت خویشرا
آنروز هم گذشت که جون روز های
پیشبروانه طلایی امید و عشق او
امیدشام عشر توده امادی پسر
در گشتزار خاطر افسرد هان
بسیبر زد بشور و شوق
تیر غریب از جگر ابر خونچکاند گرم سیاه شب به خم شاخه هاتندید
آمد پسر ز گوچه ولی خسته و غمینلختی ز شب گذشت
هر یک درون زورق اندیشه ای درازخفتند روی بستر چر گین خویشتن
فرزند خواب دید که با حسوس
دختریبزمی بیان نموده و خلو تگه صفا
ستدر حجله زفاف و شب عیش و عشرت
استختیا گران بیزده شادی زندگانی نار
دو شیز دهگان مست همه در سرود ورقض
اما صدای ناله جا نسوز مادر ش
گزترس در میانه کا بو سهایخواب
فریاد زد :
که آه کهک !سو خت سو خت سو خت
او را ز گای خمبم خوا بش برو نکشید
باشد عطر خواب ز چشمها ن او مگر
دبو غضب به حلقة در های دیده اشگویند تند و گرم
نگاه گوفت برس بیجاوه مادر شمشتی بزرگ و سخت .
هادرگه دبو هر گک بر گهای خستهاش
فریاد مکشید .
اھسته زیر لب ز خوش این سرودخوانه :
عمرت دراز باد !
پسر سعادت ابدی هر هستپسر!
راهت بسوی شیر یز از نور بیاز
باد!لیکن هرابه بخش
من خواب دیدم اینکه تو در بینآتش
و بند سرود بر لب لرزان او فرد
جون زغر سرد مرگ بیانش رسیده بود

د اوپنکو تیحفه

دمین به خیو کپنی سلامونه درلیز
دمات زیگی دردونه پیغا مونه درلیز
زخمی چهاری یه زده کرم اوس هی واوزم فریدادونه
کیلو گیلو سره خریکی آهونه درلیز
حنون کپنی چه بیلتون سرمه برخهورزی اشته
تحله دسیتو اوپنکو اصلونه درلیز
ذیزه سرمه سوری دی یه لشترستاده
له وینه نه دسترگو پیک جامونه درلیز
یه پاکه منه زه ننگالی تانه نازولی
کنتری کنتری ذیزه نه سوغاتونه درلیز
(داکتر ننگالی)



زیر و بم

دود می شو آهونه یه آهونو کپنی
واهه شن دالونه یه داللونو کپنی
لایمی شن فکرونه یه فکرونو کپنی
تعالیمی می بادونه یه بادونو کپنی
شنی لکه رودونه یه رود دونو کپنی
جور لکه دامونه یه دامونو کپنی
مه بده تور خالونه یه خالونو کپنی
تش که شن خونونه یه خونونو کپنی
ساز شن تری بمو نو یه بمو نو کپنی
(دوكتور زیار)

بل می شن سوزونه یه سوزولو کپنی
زیه می حول ماعول هسی له میتنه
بیوه سی چر نوله دماضی غیره
اوری یه زه کن می تیر وختونه با
(اوپنکی می دستر کو له چیو شنی
رالسی دی کری پسر مخ پر تی
نه خو مانه بیکلی می سینکاره رسی
نه رسی دسترگو دوه پیساوتونه سنا
پیل کوی یه زیر زیرسازله خبل سوزی زیاره
ساز شن تری بمو نو یه بمو نو کپنی

خونخواره لب

دادجلوه کاندی بودنگ همه بل، بل رنگ
هیسی رنگ زماله حاله یونسته خیل رنگ
بدشی سم سره دگلو دقتلول د رنگ
که بشه گیری زها ستا یه قتلول درنگ
ستا دزلفو په خیرنه شو دستبل رنگ
دغه خبل خونخواره لب پوئته دایره
چه تغیر دی دحمدید یه خه کبل رنگ

(حمد)

د همینی رسوا

که خوله نه راکوی خیردی دایانی کوی نو خله؟
جه وفا ورباندی نه کری داوعدی کوی نو خله?
همدا ته وی چه پیدادی کرد زما یه زده کپنی مینه
جه سلا دی پری لانسته یلمی کوی نو خله?
ستا بلنه وه چه ماهم درنه وکتل یه زغزده
چه بانه دی پری دریزی داغمزی کوی نو خله?
درور درنه هم زه یم، دلاسه دی هم دازه یم
لاجه ته پغلا کری داگیلی کوی نو خله?
نه بغله شوی دمین را تر غاوه نازولی
چه می گلکه کری په چین کپنی دابسیری کوی نو خله?
نزاواتو اوزاروته خومی هیگکله غونه یه دی

رقیبانو ته دحال می دا کپسی کوی نو خله?
گرانی! رانه زیانی پربرده بازاری هینه بی قدره
جه هیچ نه درمه ره بنایی دایپنس کوی نو خله?
اویس رسواچمشوی یه تور (رازقی) دایگی هینی
چله چا هم نه چاربری اندیشتنی کوی نو خله?
(رازقی)

سپو زهی

یه برو هسی مفرور حسن مبتلاشوم
چه لری ترلمه سیورده نظر دیشه
دغفرم لملوری لهر وخت قیامت شو
که راخی یه کبرو ناز دلبر دیشه

یه خیرات چه یار دحسن لاس پاس وینو
لهر سیورده ورته کچکول یاس بیلاس وینو
چه نازل شوده شق تند له آسمانه
داحمید دلم لايق ورته لاس وینو
زن خوزما حادنه نظم کریه بوازی یه
دگل بدن آشنا درسو سرو اشکو خیالونو
ولی بیا مرمه درنه! شرم کری بوازی یه
صبر می لادو اهیدونو درنه هیچ نه غوابم
اویس خو می بس دی حساب ختم کریه بوازی یه
خاچکن له آسمانه په هرچا اوری یک سانه
برخه یه وابه شنی په صدفو کپنی گوهردی
دقلندر یه غزل گرم کریه بوازی یه
(قلندر مومند)

قنهای

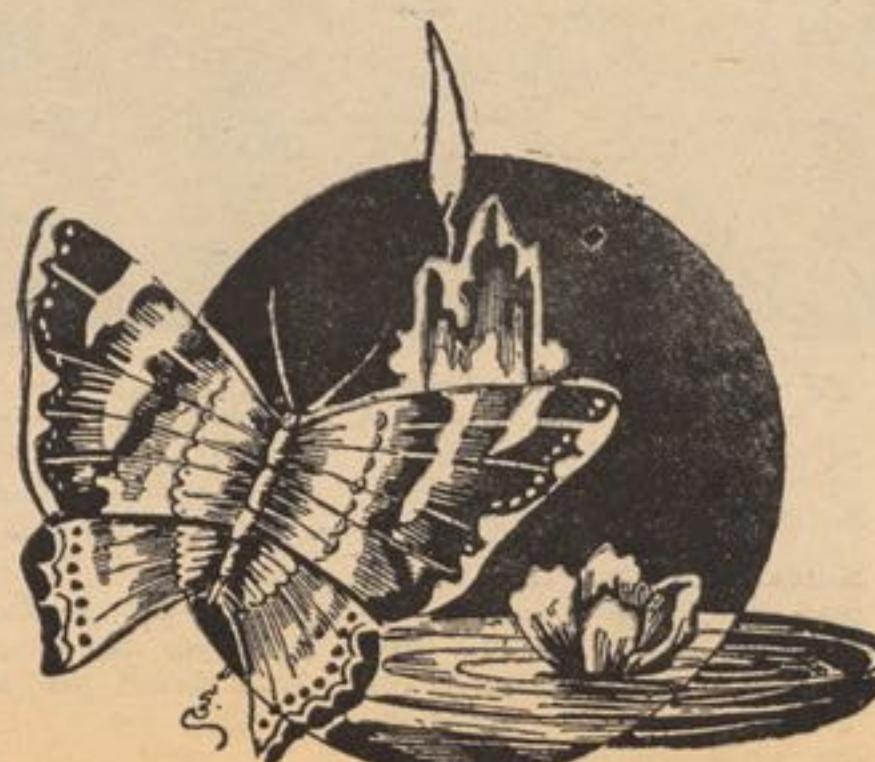
ستورو! زوگی را باندی نرم کری بوازی یه
داتنهایی را باندی بزم کریه بوازی یمه
چهی له نا سو اهولمه هنم نشنه دی
غمونو! راشی اویس هی روح کری بوازی یه
ای دیدادونو گار وانزو پنه نیولی راخیه
زدیه په ورانه لار هی رحم کری بوازی یه
زما همزولو شا عراؤ! نه جمیع راشیه
ن خوزما حادنه نظم کریه بوازی یه
دگل بدن آشنا درسو سرو اشکو خیالونو
ولی بیا مرمه درنه! شرم کری بوازی یه
هر سکوت دبی طاقتو آه فر باد دی
جه بی زیده سی علنه کپنی هله را خی
عشق دعقل او هشر کوه داماد دی
که رستا له خرابی سره سم گنجوی
خرابات دبی بنساد و بینه بنساد دی
که بی مال دکمینی یه اندزاده وی
قویقت د شا گردانو یه استاد دی
جه دانور ساعران گاندی همه نه کسا
رحمان کری نوی نوی اجتهد دی
(رحمان بابا)

نوی اجتهد

که بی سحر، محبت که بی عتنا ددی
هادیبار یه بساری که ای استمدادی
هیخ بیلتون ز ماله باره سره نشنه
کار همه واوهه موقوف یغیل میعاد دی
هیخ موقوف داعشویی په حسن نهادی
دعاشق خاطر پغیله مینه بشاد دی
زه خبل آه آتشین له خدایه غواص
دانستا خا طرکه موهدی که فولاد دی
جه برسان دیار دزلفو په خیر نوی
جمعیت د غفو زیونو لوی فساد دی
جه داه او دفریاد طا قت بی نوی
هر سکوت دبی طاقتو آه فر باد دی
جه بی زیده سی علنه کپنی هله را خی
عشق دعقل او هشر کوه داماد دی
که رستا له خرابی سره سم گنجوی
خرابات دبی بنساد و بینه بنساد دی
که بی مال دکمینی یه اندزاده وی
قویقت د شا گردانو یه استاد دی
جه دانور ساعران گاندی همه نه کسا
رحمان کری نوی نوی اجتهد دی
(رحمان بابا)

د بنکلو قمامشی

تماشی چه دبنکلو په نظر شوم
فکر و احیسته له شانه نا خبر شوم
اذاری مخ نه دیار چه مخامن شوم
اورهی دا خسته وسیه کسکر شوم
خدای پاهر مشکل یه هایاندی آسان کری
که حساب زه یه هر یو کپنی ددلبر شو
خله زه یه انگرم له بیکاره و نه
جه یه کور کپنی زه یه دیار، یا زه بزم اوی
مه تور یاران نولی دی خبر شوم
جه می دای رخی ولده یه بیار کپنی
له جنگانه لیونی شو هم او از شوم
لر دنسر دحال هم و کپه پیوسته
نه زایی چه رسوا دیار یه سر شوم
(نصر)



کوچک‌الحیسه‌خواندنی

بره در مقابل ترازو

روزی شیخ ابوعلی سینا به دکانی نشسته بود، مردی روستائی میگذشت بره بر دوش نهاده. شیخ او را طلب داشت و با او بهای بره معین کرد و گفت:

بره بکذار وساعتی دیگر بیاتابهای بدهم، روستائی او را شناخت و گفت:

تو حکیم بزرگی، بر تو باید که پوشیده نباشد که بره در مقابل ترازو وست.

شیخ را آن‌معنا خوش‌آمد و دوچندان بهای آن بره بداد.

از کتاب: «نفایس الفنون»

دلیل خوب

شخصی یکی از دوستانش را که دو متر وده سانتی قدر دارد، بازنش که قد خیلی کو تاه داشت یکجا دیده آهسته در گوشش گفت

رفیق در انتخاب زن بد سلیقه کی بخراج دادی وزن قد بلندی نکرفتی که با بلندی تو تنا سب داشته باشد. رفیقش خنده ای گرد و گفت: انفاقاً درین مسئله حسن سلیقه را بکار برد و حساب کردم که اگر ذنم موقع عصباً نیست بتواند حتی قیمت هم بالابرد باز هم سیلی اش بصورت من نخواهد خورد.

پیونددوسگ

چندی پیش ذکر شوره شوره پرو فیسور ولادیمیر دمیتیوف چراح معروف یاکچارم بدن سه‌گو را با مگ دیگر پیوند نهاده. سگ غلی شده برای مدت ۲۹ روز زنده ماند و در مدت زنده ماندن خوب خورد و احسان نداشت و نمیکرد.



کوری در اثر بیماری قند

چندی قبل در المان فدرال، دانشمندان طب اطهار گردند که آسیب‌های واردہ به بینائی در اثر بیماری قند پیوسته از دیاد می‌یابد. طبق نظریه پروفیسور ما کاب استاد چشم پوئنتون فرانکفورت ده درصد همه نابینائیها در المان فدرال ناشی از مریضی قند می‌باشد.



وقتی که انسان زبانش می‌گیرد، احساس نارا حتی زیاد نمی‌کند. وضمنا مراکز لو گو بدیک که نقايسن ناشی از لکنت زبان را بر طرف می‌کنند طبق معمول در مرکز بزرگ واقع اند. با این حال در نزدیکی شهر کاسترو ما واقع در اتحاد شوروی، مدت هفت سال می‌شود که یک سنتا تو زیم، فعلی برای کودکانی که دچار لکنت زبان هستند دایر کرده است. دوره معالجه مخصوص اکننه، زبان که توسط «تکاچنکو» داکتر متخصص انجام می‌گیرد، شاهن ورزشی مسبک تقویت کننده نیز می‌باشد. تا حال اعد زیادی از اطفال پس از تمریق سنا توریم مزبور از ناراحتی لکنت زبان نجات یافته اند

یک اختراع خوب

چندی قبل در آلمان غرب، لباسی تهیه گردیده که با استفاده از آن می‌توان در جاهای که آلوده بارادیو اکتیو تیه باشد بدون تکرانی گذار کرد این نوع لباس که مجهز به وسائل مخابراتی و هوای تنفسی است، در مرکز تحقیقات امنی «کار سر و هم» با همکاری صنایع آلمان ساخته شده است. از طرف دیگر این لباس خیلی اقتصادی هم هست زیرا بدون اینکه آثار رادیو اکتیویته آنرا تصفیه کنیم می‌توان آنرا چندین بار پوشید.

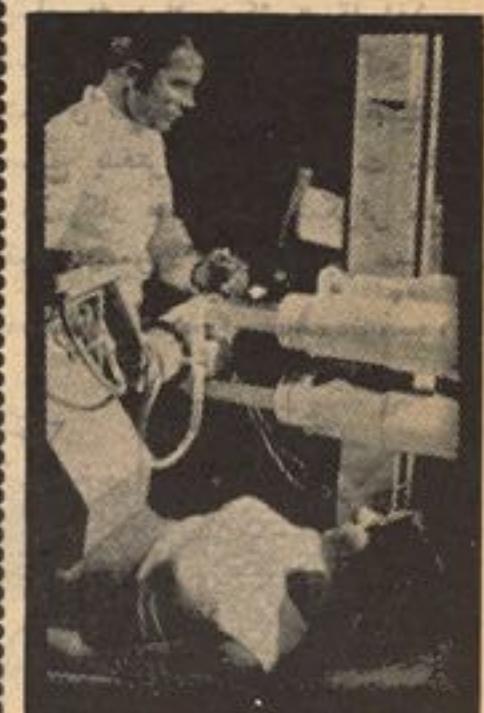
از این لباس می‌توان در شفاخانه‌ها و کارخانجات نیز استفاده کرد.

خانه‌های سیار

مردم امریکا بطور اوسعت در هر پنج سال یک بار هنوز سنت است شانرا عرض می‌کنند، ولی تهمانه بلکه با خانه‌های شان درین مملکت تقریباً ۷۵ میلیون خانه می‌باشد. تا خیر سال ۱۹۷۲ در امریکا بیش از شصت صد هزار واحد خانه سیار ساخته شده است.

در ایالت «کلرادو» که بزرگترین مرکز خانه‌های سیار امریکاست، در حدود یازده هزار واحد، خانه سیار وجود دارد.

ماساژ دهنده الکترونی



متخصصان آسا بشگاه شرکت دستگاهی را بنام «ماساژ دهنده الکترونی» ساخته اند. بر سرشاری که این دستگاه، اداره می‌کند. دست میکانیکی این وسیله را به حرکت انداخته. این دست که مجهز به دستکش و باشد، انواع ماساژ‌ها را از مشکلت‌زدای آنها تا سهیترین شان انجام میدهد. دست میکانیکی بچنان، مواظبت بدن را ماساژ میدهد که بعضی از بیماران ترجیح می‌دهند با این دستگاه، ماساژ بشوند. شماره ۱۳

من درین اندیشه ام که چگونه
میتوانم ضریب اورا از شمارد کنم
و مانع پیشرفت این دروغ گوی
تهتمت گر شوم .

رئیس قیافه جدی بخود گرفت
و به فکر فرورفت : حتی تصورش
راهم نمیتوانم یکن که متادی
قابلیت همچو عملی را داشته باشد.
لاحول ولا قوت الا ... !

کوش گن بیلبر ، تو درین مورد
پیشنهای یانه بهتر است
راپوری ، بنویس و به سکرتر
لند .

میدانم آقای رئیس یا کسایی
به حیثیت و وقار چنان بازی میکنند
باید جدی گرفت .

بسیار خوب ، راپور مینویسی
ولی درین باره زبان درد همان
نکهدار و بیسیوده در هر چنانی
چیز مگو . خاموش بودن راییاد
بکیر ، میدانی چه میکویم ؟ تسو
دوست مهر بانی هستی ، و من
اینرا هیچگاهی فراموش نخواهم
کرد میدانی ؟

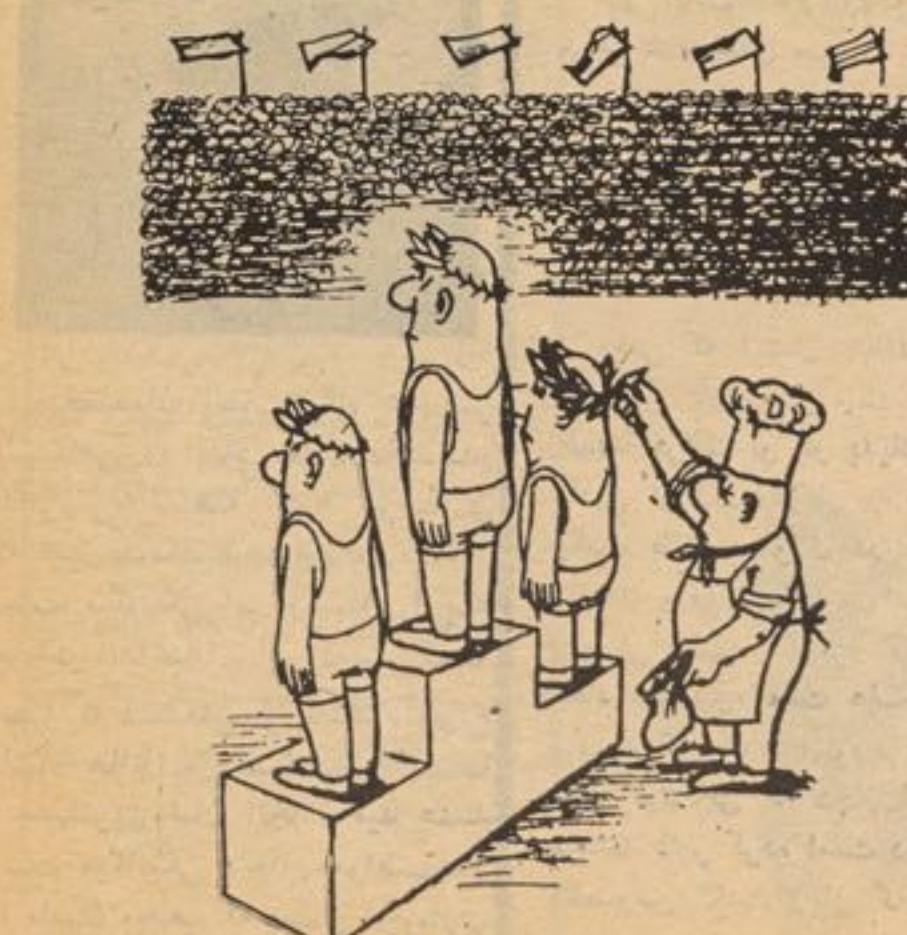
بیلبر تمام شب نخوابید و در
فکر نوشتن یک راپور قوی از
بیلبر گذشت او وارد اتاق کار
یهلو به یهلو میگشت تا آنکه
رئیس شد و درحالیکه به او خیلی
শما او را از پله های شهرت بالا
شب بروز آمد و راپور پاکنو یس
پرورش دهد . ابتدا این ما ستر
نیست ! در باره اینکه او گام های
نخستین خود را چگونه برداشت
و استعداد هایش را به چه نحوی
انکشاف داد خدمت تان عرض
میکنم .



ترجمه : ژرف بین

دستگالوف

بیلبر



باش کهای گله بهسر تو با نم

ژوندون

اسم بیلبر چه موقر وزیبا است .
آنقدر موقر است که انسان را بخاطر
مردی می اندازد که حتماً دارای
قدوقامت رسا ، شانه های فراخ ،
مشت های بزرگ باشد که اگر
کسی متوجه آن شود فوراً به
کلالت زبان بیفتد . و کی میتواند
حتی تصورش را هم یکند که حقیقت
شکل دیگری داشته باشد و این
بیلبر با عظمت دارای قد متوسط ،
محجوب و ترسو پشت میزش طوری
نشسته که فکر میشود پنهان شده
باشد و حتی اگر بعضی اوقات
ضرورت افتد گلویش عقده پر ،
پسما نش پر اشک شده و گریه
را هم سر خواهد داد . میبینید که
ظاهر فربینده است . و این بیلبر
کوچک ما با وجود این هم در بعضی
مسایل قوی و پر قدرت است
در جهان کسانی پیدا میشوند که
در زراعت و حیوانداری ، در
زمینداری و باغداری ما ستری دارند
هستند کسانی که آر تیست و توریست
مشهور (انداستادان شناو آواز خواهانی هم)
سراغ شده می توانند . ولی تابحال
هیچکس را معلوم نبود که در عصر ما
ماسترها نوشتن راپور رانیز در خود
پرورش دهد . ابتدا این ما ستر
نیست ! در باره اینکه او گام های
نخستین خود را چگونه برداشت
و استعداد هایش را به چه نحوی
انکشاف داد خدمت تان عرض
میکنم .

هنگامیکه او برای ماموریتش
به اداره ای وارد شد رئیس از او
پرسید :

مسابق چه ییشه ای داشتید ؟

من در اختیار رئیسم بودم .

ولی در تشکیل ما همچو گویی ای
ندراریم .

من : هم از آن کارم بر طرف
شما چندی قبل او را آمر فابریکه
مقرر کردید و فعلاً او حلقه ای گرد
آورده و به بدنامی شما کمرسته
است .

رئیس با شنیدن این کلمات
دستش را روی شانه او گذاشت و
با علامت موافقه سرش را پانیز
آورد و به معاون جدیدش گفت :

شما در کار های تان به نادانی
و حساقت ، یا بهتر عرض کنم
تجاهل عار قانه میکنید تا نادانی
های واقعی تانرا نیز در لابلای این
مسخره بازی های تان بپوشانید .

اینجا راپوری قبل از تهیه کرده ام و آهان .. بفرمانیم ، بیانید آنرا مرور کنیم! م.م... بلی ، همینطور است . بسیار به هوای بلند پرواز میکند و پایش را هم از گلیم فرا تر می کشد . هی هی ! حتی به آمر فابریکه هم اعتنا نی ندارد؟ چه عجب بی حیثیتی بلی ؟ برو همین الحال نزد شیلیفا و ... به تمام پایدل ها فشار بد .

و بیلبر محتاج همچو را هنما نی ها نبود او خود میدانست کجا برود و چه باید بکند . او مقاله مفصلی در لوحة اخبار فابریکه نصب کرد و اچکوف را انسان خود خواه و اچکوف را انسان خود خواه خواند و به چهار کتاب کافرش معرفی نمود . این مقاله برای اچکوف هیچ ضرری نرساند ولی بعد از نشر آن هیچ کسی در مورد آمر شدن او در فابریکه سخنی برزبان نراند .

بقیه دو صفحه ۵۵

اینجا راپوری قبل از تهیه کرده ام و آهان .. بفرمانیم ، بیانید آنرا مرور کنیم! م.م... بلی ، همینطور است . بسیار به هوای بلند پرواز میکند و پایش را هم از گلیم فرا تر می کشد . هی هی ! حتی به آمر فابریکه هم اعتنا نی ندارد؟ چه عجب بی حیثیتی بلی ؟ برو همین الحال نزد شیلیفا و ... به تمام پایدل ها فشار بد .

و بیلبر محتاج همچو را هنما نی ها نبود او خود میدانست کجا برود و چه بکند . او مقاله مفصلی در لوحة اخبار فابریکه نصب کرد و اچکوف را انسان خود خواه و اچکوف را انسان خود خواه خواند و به چهار کتاب کافرش معرفی نمود . این مقاله برای اچکوف هیچ ضرری نرساند ولی بعد از نشر آن هیچ کسی در مورد آمر شدن او در فابریکه سخنی برزبان نراند .

باقیه دو صفحه ۵۵

لازمه گرفته بود نووارد را بطرف دروازه ایکه با چرم مجلای بو شن مدت در فابریکه شایع شد که چی ناجیبانی اند . آخر این شخص از معاشر فابریکه به تحصیلات خود ادامه میداد و از برگت ما بفرمانیم انتظار تا نرا دارند !

و بصورت دوامدار مثل اینکه گم نمیشود به جاهانی میرود و در کی از پرسید: رئیس از پشت میزش بر خاسته بیلبر آمد و با بی صبری او در فابریکه نمی باشد . گپ و سخن ها بجایی کشید که آوازه چطور ؟ مثل اینکه نوشته اید . بیلبر او را که با خطوط پیش و اچکوف گماشته شود گرچه باریک و منظمی نوشته شده بود بطرف رئیس در از نموده گفت : شخص مبتکر بافهم و انسان لایقی بیلبر یک ملاقات دو باره رئیس بشمار می آید .

هم هم هم ، بله بله .

بلی ... خوب ! بسیار اعلی ! عالی راهمی حتمی دانست

رئیس پرسید :

کار و بار چطور است بیلبر ؟ حالا همه کارها را به زیرداشت سپرده ام . ولی میدانم که شبها بخود گرفت و لبخندش را پشت بروت هایش پنهان ساخت .

نخیر ، نخیر ، شما چه میگوئید رئیس حاصل اما دیگر هم اینقدر از کار نیافتاده ایم که نتوانیم جلو همچو حوادثی را بگیریم . حالا اوبه همان کاری دست میزند که سابق منادی .

رئیس به فکر اینکه بیلبر برای سر کوبی متادی راپور سزاواری تهیه کرده و یک ناسپاس را عادلانه بحقش رسانیده به گفتارش ادامه داد : - شما در انشاء نامه ها مهارت دارید . خود تان نوشته اید و یا کسی کمک تان نموده است ؟

خودم ! خانم فقط ماشینش کرد .

همین الان بروند شیلیفا و راپور را به او بده ، لاتن هوش کن که برایش نگونی من از موضوع اطلاعی دارم ، بلکه بگو که راپور را خودم و به اختیار خود نوشته ام ...

آقای رئیس در مورد (متادی) نوشته شده است که نامبرده یک مامور بی کفایت و پارت باز است از نیرو اولیاقت کرسی سکرتریت راندارد !

هه .. هه ، من میبینم که صاحب مقکوره هم هستی عزیزم ! راحت پاشید آقا ، من به تمام پایدل ها فشار می آورم .

بعد از چند روزی شیلیفا درحالیکه راپور در دستش بود وار د اتاق کار رئیس شد .

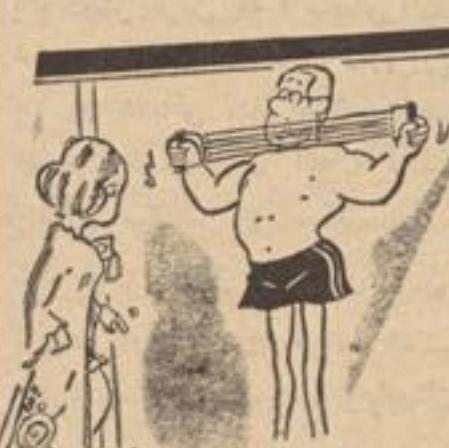
شما تا حال اینرا نخوانده اید ؟ بفرمانیم با آن آشنا شوید .

متادی آدم بیکاره ولا ابالی از آب درآمد و علاوه بر آن دست بیاز و تخریب کار . لازم است او در محض اعضا محکمه شود .

ولی متادی تا محکمه نرسید : اورا اضافه بست نمودند و بحیث آمر فابریکه بجای متادی بیلبر مقرر شد . شیلیفا او را برای احرار این مقام خیلی ها هم حمایت کرد .



نمیدهم ... نمیدهم میخواهم خودم قهرمان شوم



آخرین کمی هم به پائین تنه ان
چرا قربان دو روز قبل آخوندی پوزخندی زده جواب داد :
غذا پخته شده ... فقط حالا مشغول توجه کن
گرم کردن آن هستند .

غذای دور روزه

در رستوران مشتری بتنگ آمده بود پیشخدمت را صدا دده و گفت : این چه وضعی است . دو ساعت است که منتظر غذا هستم ولی تا حال هیچ چیز درک ندارد مثل اینکه غذا نپخته اید .

پیشخدمت پوزخندی زده جواب داد : چرا قربان دو روز قبل آخوندی پوزخندی زده جواب داد :
غذا پخته شده ... فقط حالا مشغول توجه کن
گرم کردن آن هستند .

آئینه و مردانه

ابله در کوچه ای میرفت که آینه ای را پیدا کرد . به آن نگاه کرد و عکس خود را در آن دید و فوری آنرا به زمین گذاشت و گفت : بپخشید آقا نمیدانستم که مال نیست .

فاله زخمی

روزی مردی که تازه بشهر آمده بود از جاده میگذشت متوجه شد که دو موتو باهم تصادم کرده است . پیش رفت و دید که دو نفر در موتو نشسته اند . یکی هیچ سخن نمیز نهاد و دیگری آه و ناله میکند . دعاتی رو بمردی که زخمی شده بود کرد و گفت : آن نفر که مرده هیچ چیز نمی گوید و تو که تنها دست شکسته چقدر آه و ناله می کنی ؟

شاگردان ضعیف العقل



وزکاوت شان از (۸۵) بالانمی باشد تربیه به محیط اجتماعی تطا برق عمو ما دوره مکاتب ثانوی را تکمیل کرده عضو مفیدی برای جامعه نموده اند پس برای هر یکی از گروپ کرده میتوانند .
با آن که چار گروپ فوق های متذکره لازم است صنف سازگاری با مکتب و تعلیمات آن حدا گانه مطابق رشد فکری شان کرده نمیتوانند اما اکثر آنها در این ترتیب گردد .



وهنگامیکه ویژه اش تمام شدناگزیر بود لانگ بیچ را ترک گوید . مرکن دریا نوردن در لانگ بیچ ۳۰۰ در یا نورد را ماههانه پذیرا نمیکند این مرکن با کمک های داوطلبانه نگهداری میشود .

از وقتیکه نظر یه اختلافات فردی بیان آمد روان شنا سان عقیده داشتند که اشخاص مجرم و خیانتکار کسانی اند که درجه عقلی و ذکاوت شان از حد متوسط پائین است تحقیقات زیادی دراین باره بعمل آمده تا بالاخره ثابت شد که جرم و خیانت در بین اشخاص ضعیف العقل عمومیت دارد اما پائین بودن عقل یگانه اسباب جرم و جنایت شده نمیتواند کسانیکه درجه عقلی شان از اوست پایین است به چهار گروپ تقسیم شده اند :

پائین ترین آنها احمق است که سن ذهنی شان از دو تجاوز نمیکند و قابل تعلیم و تدریس نیستند از آن بالاتر گروپ کودن است سن ذهنی این گروپ از سه شروع و تا هشت میرسد افراد این طبقه میتوانند دو یاسه صنف مکتب ابتدایی را تکمیل کنند ولی از آن بالا تر رفته نمیتوانند بدربجہ سوم شاگردانی اند که رشد فکری نداشته امامن ذهنی شان بین هشت و یا زده میباشد و در انگلیسی بنام موران یاد میشوند شاگردان موران مکاتب ابتدایی را کامیاب میباشد حتی یک یادو سال در مکاتب ثانوی نیز دوام میدهند اما دوره ثانوی را تکمیل کرده نمیتوانند . طبقه چهارم شاگردان غبی اند که هوشی کمتر از دو سال است .

احساس و وظیفه

یک دختر نرس که اسمش الکه سیمون است و ۲۴ سال دارد در یکی از بنا در شمالی بنام هیو واتسون جمهوریت اتحادی آلمان فدرال زندگی میکند. وی هنگامیکه خبر شد خانه عده‌ااز دریا نوران اند در کنیت نارک وست خراب شده و آنها به کمک احتیاج دارند بحر اطلس را پیمود و خودش را به لانگ بیچ رسانید او برای سه ماه در لانگ بیچ بصورت را یکان برای دریا نور دان آلمانی کار کرد.

درجستجوی دوست

پروین شریفی :

آرزو دارم با خواهان و برادران خویش که به شعر و ادبیات و جمع آوری کلکسیون جیک قطعه عالیه داشته باشند مکاتبه نمایم .

آدرس - کتابخانه وزارت داخله

اینجا نب محمد ظاهر خ سند علاقمند شعر و ادبیات مایلم تابا علاقمندان شعر و ادبیات مکاتبه نمایم .

آدرس محمد ظاهر خرسند محصل صنف اول گروپ (د) پوهنه‌خسی ادبیات و علوم پژوهی .

مایلم با برادران و خواهان خویش که در قسمت موسيقی علاقه داشت

باشند مکاتبه نمایم .

آدرس لیسه حبیبه - محمد نادر

متعلم صنف یازدهم .

• • •

آرزوی مکاتب را بگسانیکه در حصه ضرب المثل های برگزیده جهان معلومات داشته باشند در زیر اطلاع این آدرس : آدرس صفتی الله ما هور فتنی مطیعه دولتی .

اینجانب عبد الباقی متعلم صنف نهم لیسه نادریه میخواهم در بازه ادبیات معاصر افغا نستان معلومات داشته باشم کسانیکه در این قسمت معلومات داشته باشند لطفاً به این آدرس مکاتبه نمایند . آدرس - لیسه نادریه - عبد الباقی متعلم صنف نهم .

۷- چیز های گذشته دیر روز مردند و چیز های آینده امروز به دیما آمدند .

۸- دریک راه طولانی بار سبک وجود ندارد .

۹- برای آدم ترا نا هریچ باری سنتگین نیست .

۱۰- وطن ما در دوم است .

تهیه کننده: صفتی الله (الکوزی) مامور فنی مطبوعه دو لی

خوشبختی با همی در محیط خانواده

آیا در میان دوستان . قوم نمیدهنند فقط وقتی یکی از این دو و خویش خود (زن و شوهر) از کدام حرکت ویا حرکت فی متأثر میشود دیگری بدون کو چکترین مسعود و خوشبختی را سراغ حرفی اتفاق ویا منزل را ترک میگردیده دارید که آسمان زندگی با همسان هرگز با ابر پاره عای بدینه مکدر نشده باشد .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

آری . فرید و خانم از جمله یک کلمه محبت آمیز ویک خنده شنیده بودند .

بیاد بود روز مادر

مادر، هر چه در کتابها ی لفت گشتم،

کلمه ای را بدانه نمود که بتوانند مقام

وعزت ترا آنطوریکه شاید و باید دربرداشته

و بزدگی ترا بستا ید، ازین جهت ترا بیان

نام مادر خطاب میکنم، زیرا درین گاخ

منزلت و مقام ترا تا آسمان های هابلند بیرون

یغوبی میتواند معروف و جود شخصیت تو

باشد تو آن یوهر یکدانه هست که خداوند

به افراد پسر من بخشید و زمان دیگر پس

در تمام دنیا هیچ چیزی عزیزی مادر نمیرسد،

حتی جان هم نخواهد توانست همانند او گرامی و

محبوب باشد. زمانیکه می اندیشیم ذرات

وجود همکنی بر روی هم در اثر رنجها و

زحمات شبانه روزی تو بر ورش یافته دلم

میلرزد که مبادا نتوانم یکی از ملیوتها حقی

را که بردن من داری ادا نموده کو چکترین

وظیله خویش را بتوانم دعه .

دربان عنق ، محبت عای گونا گو نی

وجود داردگه هر کدام آتش است تا دل

وجان را تابان و فروزان سازد و لیکن هیچ

کدام بای کی وصفای هیر تو نمیرسد، عشق

و محبتیکه در قلب تو وجود دارد لطف

خدای است واز قید و بند همه آرایش های ایک

است.

مادر میتوانم ترا یگانه معلم زندگانی

خود تلقی کنم و در پیشگا هست انتم که

چنین مان خاک پای تو گردد.

اگر فردا به سبب ناملا بیانات روزگار زندگی ترا از دست دهم و بیاد بود وجود تو تازانده ام اشک هیریزم و لباس سیاه میشوند دیگر ابدا لایم را خانده نمیگردند و اگر وجود من بخودم تعلق داشت پس از تو دیگر زندگی نمیگواستم و به آسانی از خود میگذشم و تی درین که اجتماع و اصول اخلاق یعنی چنین اجازه نمیدهد من باید زندگانه باشم تا اینجا همکاری در مقابل جامعه خویش دارم ادانایم.

مادر: توانقدر فدا کار و همیر بانی که

برای آسایش و محبت خویش را درگیر گشت

جان هم درین نهاری بگو چگونه می توانم

ازین همه لطف و خوبی تو سیاست مگذارم

کنم.

مادر: تودر آسمان و بن در ز مین -

خورشید و همیر و محبت خویش را در گلستان

دل و جان بتاب ، تاهمه وقت شاد و خندان

بماندو گزنه از خزان بی همیر افسرده شده

در گلستان بی محبت همیر م

مادر: نمیتوانم او صاف ترا دارد چندسطر

و چندجمله خلاصه کنم زیرا وصف تو مثل

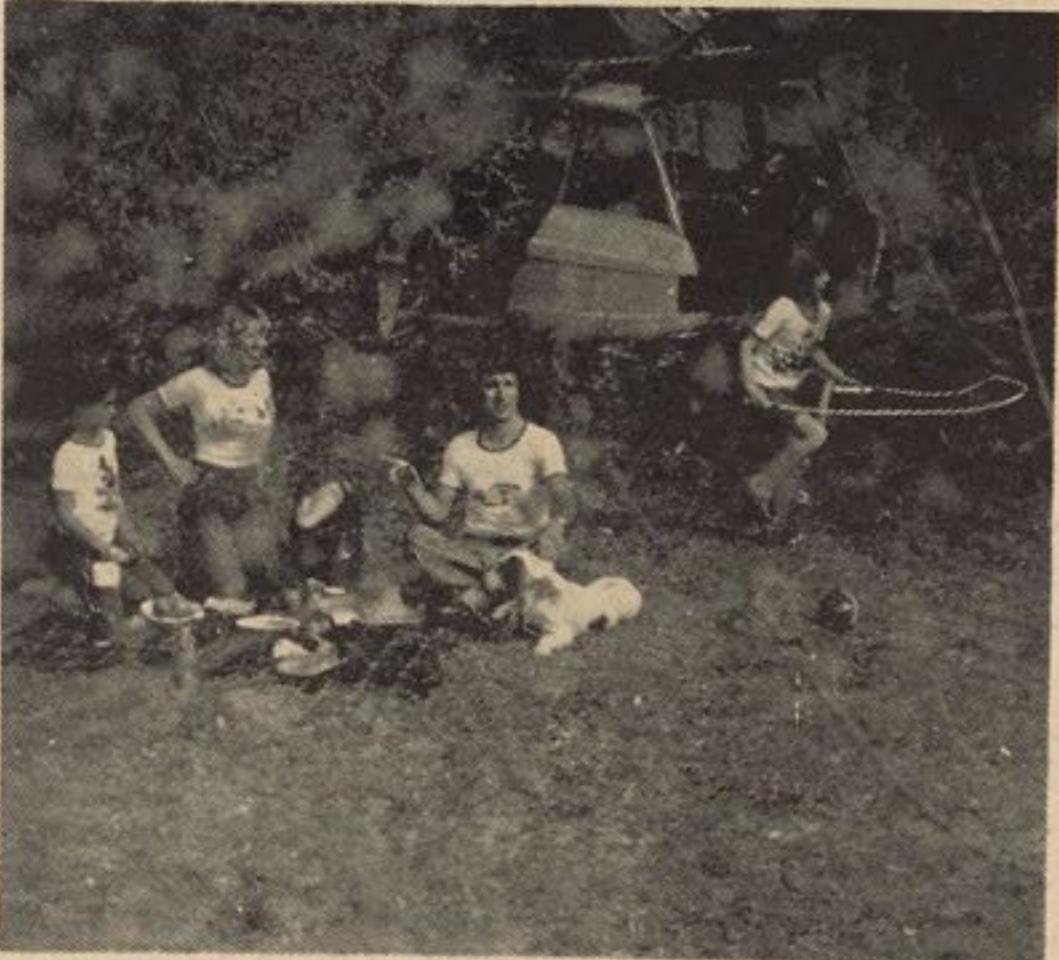
بعربیگران است که شنا گشته را در آن

ساحل نیاشد من بیاد بود تو روز ترا تعجب

واز از شهای بی پایانت باد آوری -

نمودم.

عبدالحق (شگیا)



ضرب المثلها

۱- عمارات بزرگ را از سایه اش و مردان بزرگ را از تعداد سخنان شان میتوان شناخت .

۲- پشت سر من دشایسته ولایق مردان شایسته : «یعنی هستند .

۳- هنگامیکه برادران با هم کار گشته کوه مبدل به طلاهی شود .

۴- انسان می میرد نام از خود باقی می گذارد شیرمه میرود از خود پوستی بر جای میگذارد .

۵- مسافت هزار فرستگ با یکند شروع می شود .

۶- مردی که گرده از میان برداشت کسی است که شروع به

برداشتی سک ... هد کرد .

خویش می آورند

بخوانید و به ما بدنو یسید

به آفایکه اطفال

نو از ش محتاج است آن کو دکی که
 طفل ترا پر ورش می کند چندین
 براین آن محتاج نوازش می باشد.
 او حق دارد درس پخواند و تحقیل کند
 حق دارد که از محبت های بیکران پدر
 و ما در و یا دیگری بی نیاز کرند.
 تو خود با یه متوجه با شنی که
 ساختمان جا معه را اسکلت آیند
 مملکت را همین کودک تشکیل
 مید هند که من دور طفل توست.
 با یه بدانی؟ که جهان امر و ز در
 انتقال میراث علمی گند شتکان خوب
 کو شش می کند و به هدف هم
 می رسد. اما در انتقال میراث های
 اخلاقی و معنوی بسیار کم اثر است
 عملت این است که خا نواه ها از
 انجام این وظیفه بزرگ شانه خالی
 کرده این کار را بد یکران و اگداده
 است حالانکه وظیفه فا میل هاست
 که در کنند و احساس نما یند که
 طفل امروز فشری از جا معه فردا
 و آینده مملکت اند.

کسانی که این چنین رویه و
 روش را در مقابل اطفال در پیش
 دارند و روح لطیف آنانرا به اثر این
 حرکت می آزارند مقصراً اصلی بد بختی
 جامعه و اجتماع آناند.

چرا اطفال کوچک را به عنوان
 مزدور وینا نوکر بمنزل می آورید؟
 و علاوه از نکهداری طفل خود
 بزرگترین کار های که شانه های
 کوچک آن قدرت برداشت آنرا ندارد
 به دو شش می افکنید؟

چرا او را مجبور می کنید که
 سطل حمام شما را تا نزدیک حمام
 برساند؟ چرا او را لک کرده و کنک
 زده به پشت کار های شاقه و غیر
 قابل تحمل می فرستید؟ چرا خانه
 ها را بالایش جا روب می زنید؟ چرا
 اورا سقاب خانه درست کرده روز
 ده ها سطل آب را که شانه های
 کوچکش تحمیل آنرا ندا رد به اجبار
 بالایش به خانه می آورید؟

آیا این است ادا کردن حقوق
 و احترام به شخصیت فنا نا بدیز
 کودک؟ پس لطفاً جواب بگوئید؟

کوچک را به عنوان نوکر به خانه های



مقصر اصلی انحراف و سقوط کودک
 کیست؟ و چه چیزی باعث هیشود.
 که کودک به برتگاه نیستی قرار گیرد
 . . .

چرا کودک را مجبور می کند که سطل
 حمام شما را تا نزدیکی حمام برساند.
 و چرا او را تیر شکنجه گرفته به
 پشت کار های شاقه می فرستد؟

روح لطیف کودکان را با این
 روش آزار ند هید

زندگی اجتماعی برای افراد،
 ایجاد حقوق متقابل را می کند، افرادی
 که دریک جا معه زندگی می کنند،
 موظفند کلیه حقوقی را که در برای
 یکدیگر دارند، از صمیم قلب و از روی
 ایمان و علاقه، رعایت کنند.

نسب نو خا سنته اجتماع، قشری
 است که وا سلطه میان نسب کهنه
 و نسل های بعدی است این نسل از
 یکسو با نسب کنونی، در تشکیل
 اجتماع شریک است و از سوی دیگر
 بانسل آیند.

اگر امروز، ازیک پر ورش صحیح
 پیره مند شود و به عنوان یک انسان
 از حقوق اجتماعی خود پر خور دار
 گردد، فردا نیز نقش خود را در
 انتقال مواريث ملی و اجتماعی به
 نسل های آینده، خوبتر و کاملتر ایفا
 خواهد کرد.

متاسفانه، اشکال عده کارها این
 است که کمتر به این فکر هستیم که
 اطفال هم در ساختمان جا معه امروز
 هم در ساختمان جا معه فردا،
 سهمی دارند و با یه از حقوق
 اجتماعی کامل پر خوردار باشند
 غالب ما هنوز عملای قرار داد
 اجتماعی را نگذاشته و اضطراء نکرده
 ایم و اگر هم اضطراء کرده ایم یک
 جانبه و یکطرفه بوده است.
 آغوش دیگری که مادر است می تند
 عادر و پدر اتو باید بدانی که فرزندتو

کشاخه گل هدیه مادران

پاسخ‌ها به فامه‌ها

(عزم این معلم صنف چهارم در بوهنجی ادبیات)

برای مادرم

برادر عزیز شریف خیر خواه:
نامه تانرا که عنوانی (آخرین نفس‌مادر)
نوشته بودید گوی فتحیم چون نامه‌تان اشعار
یکی از شاعران خارجی بوده و آنرا به نظر
درآورده بودید از این رو از نشر آن معدود
میغواهم.
به امید همکاری تان

خواهر عزیز راحله که کشنا: نامه‌های تان بی هم برای ما میرسدان
حسن‌نظر تان درمورد «طالب صفحه» تشکر
ازما الله هم‌ضای مین تان به نشر میرسدانید
است همکاری تانرا باما قلع نکند.

برادر عزیز آقای گریمه بور:
داستان خوب تان که بنام (وای‌مادر من)
نوشته بودید برای ما رسید واقعاً استعداد
شما قابل احترام است انشالله در شماره
های بعدی چاپ میشود.
به امید همکاری پیشتر شما

دوست عزیز اعین نظری: وجیزه‌های را گه دوره‌ردان انتخاب
گرده بودید بدلتور مجله رسید تشکر.
یقلاه عادله خا لقی ایشونو: درمورد طالب صفحه باید بگویم که
همکاری‌شما نخوب مان باهای همکاری داشتند
و هم‌ضای قابل قبول برای ما می‌باشد
همکاری‌شما را درگسته طالب خواهیم داشت.

گوی طالب فرستاده تانرا یا منبع آن برای
ما بتوضیح خوشحال میشویم.
امادر هرود مشکل دو می تان باید گفته
شود که شما برای بذست‌آوردن اشعاره‌ورده
نثار به کتابخانه های شهر و مخصوصاً مسا
کتابخانه عامه کابل هواجهه کنید.
با امید موقیت تان

پرسنده عزیز سیده شاهد: بله چرانی... البته هم‌ضای مین باشد اگر بشتر
زیاد تر قابل نشر می باشد باید اگر بشتر
جهنه های زیبایی را داشته باشد خوبتر است
منلا (انتخاب عینک) بهترین طلبی بودگه
برای ما فرستاده اید.
با امید همکاری پیشتر شما خواهیم

لذات زندگی - بر غم فروختن
این دفتر توبود که امروز بسته شد
دنیای دون ملاد و یش سیاه باد
عمر کم تو داشت زنجی چنان زیاد
مادرم تو قصه دیر ین رنجی است
گر همچو و کینه‌ایست سانجا برابر است
عرش خداست جای تو هادر، نه زیر خاک
هرگز نمرده ای - زنده است نام تو
کا م وقت نکته ها - بمن، گلام تو
هر لحظه شعر من - دارد پیام تو
می‌راز تو، عافظت زتو، شعر و سخن‌زتو
غم‌خواری هست. زین بستر بس است
در رنج انتظار - شب تاسخر بس است
عمر یست مادرم که تو بیدار مانده‌ای
پاک آمدی و پاک - رفتی بزیر خاک
دامان عصوت - پاکیزه تو زیاک
مادر خدای پاک تکبیان روح تو

اگون کجاست؟
کویا بخواب رفته ای و دیده بسته
ای؟
ای هادر عزیز:
بر خیزو بین که آمده محصول رنج
هات
باچشم اشکبار،
بریام قیر تو،
* * *
مادر ای‌جاستی و خیر نیستی مگر،

کامروز روزت؟
مادر: کنار ترتیب با قلب خونبار
فرزند هیرتو،
بنشسته درود فرستدبرو ح تو
با دسته ای گل،

ای روزن امید دل غمکشیده ام:

وجینه‌ها

همه‌چیز خودرا بعثما مد یون هست
هر فرزند نیکو کاری گه از روی شافت
نونه و سر مشق که در متابل چشم
بیدر و مادر بستگرد برازی عر تکا هی تواب

طلل قرار گرفته است مادر است
اسمايلز

یک حج مقبول باو دهنده.

حضرت محمد (ص) خشنودی خداوند «ج» در خشنودی بیدر

و مادر است و خشم او در خشم ایشان

حضرت امام صادق

من از عشق یعنی می‌باید بر اینکه عاشق

شدم مادرم را فراموش کردم

مارک توانی

یک بوسه مادرم بود که هر نفاش

کرد

راوا ایل

بدترین فر زنما نان بودکه مطیع بد

مادر نشود

الاظطون

پایدر و مادر چنان باش گهان فر زنمان

خوبش طمع داری که باقی باشند

قایوس و شکسپیر

ای پدر و مادر را گمشد گان عزیز من

تبلیغ و ترتیب از: مردم محبوب

آواز گهواره

دارم پسر کوچکم دا در گهواره تکان -
مید هم.

دادم پاره تنم را به خواب می‌برم دارم.

دنیا را با یازوان خود، میان دوستگان اسیا

نرم میکنم

دنیای بزدگ ببابازوا ن ناتوان ذنی

نرم میشود و شکل غبار سبیدی به خود می

گیرد. غبار که از یام واقع پنجه های خانه

ذره ذره وارد اطاق من میشود و مادر و فرزند

رادر زیر خود می‌بوشند.

برای طلکم لاله میگویم لا او را در طوطاب

کنم اما همراه او همه تیها، همه جویارها،

اگریده خواهند در گهواره هتکان مید هم.

او را تکان میدهم، ولی اند که اند که می

بینم که طلکم من از نظرم همو بیشود دیگر نه

گهواره را می‌بینم و نه فرزند را که دیگر دنیا

را هم چن بینم به پیشگاه آن که دنیا و

فرزندم را به من داده فریاد می‌زنم صدای به

استغاثه بیاند میکنم آن قت ناگهان از فریاد

خود بدار می‌شوم

که بالای سر فرزندم دو خوا پ

رفته ام.

نام مادر

این گلمه مقد س این‌غیو میر احساس

و این روح بروند جاو دانی عالی ترین و

مجسم ترین نهونه و سهیول فدا کاری

نقوا و ایشار است.

نقش ما در آن قدر در زنده گی شر

برجسته و بر انتشار است که از شنیدن

نام و از شاهده هیکل و سیما ی آن دلها

من تندیار قهقهی میر و بحث در ائمای

قلوب همگان می در خشد کیست که در برای

جنین موجود علی‌سیم تسلیم و تعازی دارو

نیازد و یکجاست آندلی که در دزد فنا

وجود خود عشق پالو ملکو تی مادر راجای

ناده باشد. اگر در وجود مادر شریعت هد

تفاوتی و راستی دوران گند بدون شک در

وجود مفلک نیز خلاصه میشود.

این هادر را که مفلک را هد می‌دان و

قیرهان دوران همسازد باید ستود.

اگر هادر نیود مسخرین ون و فلا سه

چنانچه گلهه اند.

اگر اذلاطون و ستری ط بوشه اند بزرگ

امروز بشر بوده پرستار خورده ایشان اگر

دیده و به دور ترین سیاره رسیده‌اند اوج

و قدرت اور هنین مادر است.

وین فاطمی هیشه در تاریخ زنده گی شر

گرم ترین احسان و تمنا ت خود را به

پیشگاه مادران مخصوصاً مادران و نج دیده

و همرو مقدمه می‌دان و مرواز خسارت

(ج) میخواهم تاما را توفیق بدهد که رضای

این موجود اسمائی را حاصل گردد این را که

در خاتمه سعادت سر فز ازی هادر ان را که

کلوش شان پرورش گاه هادر آن و بدان

اردا می‌باشد التجا گرده و بروح ما دران

لکید درود می‌فرستیم.

برساند یا آهسته حفظ دفاع حریف
نژدیک می شود و با اطمینان کامل
و با استفاده از فن دریبل توب را از
بیک ها می گذراند و با سنجش تام
و خیلی معقولانه توب را داخل گول
حریف می کند.

می گویند: وقتی توب در
اختیار شفچنکوست می در آید
کوکیپر بکلی اطمینان می یابد
که توب به گول می رسد.

ورزش

ویتالی شفچنکوست

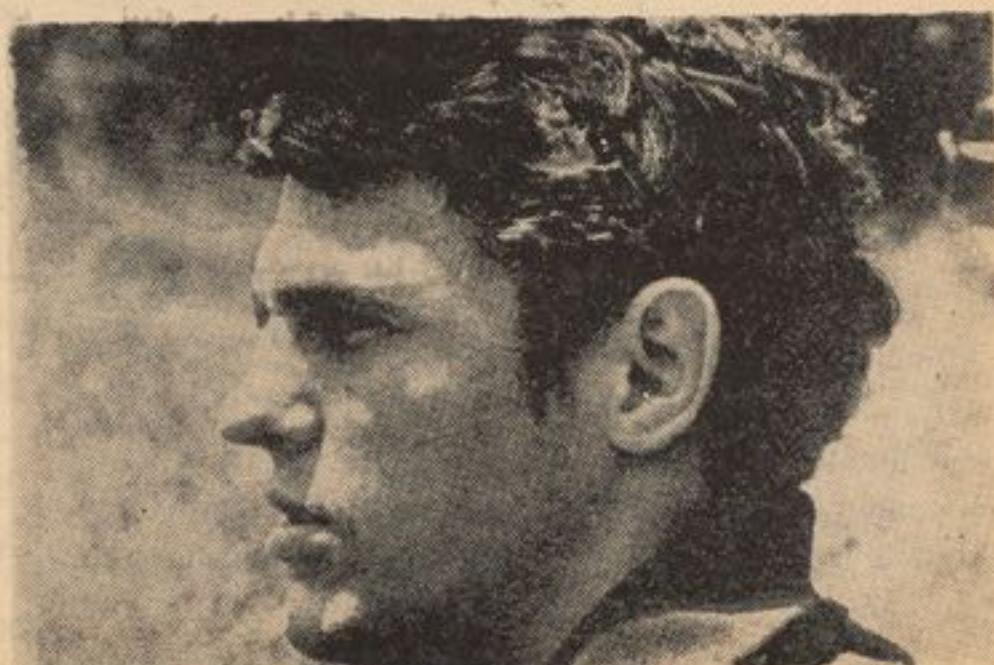
یکی از ستاره درخشان تیم ملی گرفتن اولین مدال طلا در بازی اتحاد شوروی و تیالی شفچنکوست های جوانان موفقیت و شهرت زیاد است که هم جوان است وهم پر تری را کمایی کرد. قدرت که به شهرتش تا هنوز کمتر کسی رسیده شفچنکوست که در سال ۱۹۷۰ در تیم ملی شوروی برگزیده شد در آن زمان صرف ۱۷ سال داشت.

در یکی از مسابقا تیکه در سال ۱۹۷۰ میان یوگوسلاوی و اتحاد شوروی در ماسکو بود برای اولین بار در (۱۵) دقیقه اخیر مسابقه شفچنکوست که ریز رف تیم ملی بو داجازه داده شد که در بازی اشتراک نماید همان بود که باز دن اولین گول خود تیم شوروی را غالب و خود را در تیم ملی کشور خودجا داد و تا امروز در آن باقی مانده وهر روز بر شهرتش افزوده شد در مسابقات قهرمانی که در همان سال در هلند برگزار شد این قهرمان تازه به شهرت رسیده با



ویتالی در حالیکه توب را در اختیار دارد

زوندون



ویتالی

صفحه ۴۲

ورزش‌های ((نیازی)) و ((تفنگی))

اولین بار بشر بخاطر مسازه
تمدن خویش در یافت که ورزش آنطور یکه شایسته است پرورش
و مداومت در انجام هر حرکت بدنسی دهد. از نیرو بشر به زیبایی اندام
عضلات و ماهیچه ها را پر قدرت خویش توجه خاص نموده و این
وسخت می سازد از نیرو بسرای ورزش را بوجود می آورند.



آهسته ورزش اسب سواری بمعانی بوجود آمده است. ناگفته نماند که بشر در سیمر سپورتی میخواهد عضلات خود را استفاده های گوناگون از اسب شد تجاوز همسایه به انسا نبا جنگ تن به تن آموخت و بالاخره استفاده از سلاح برنده و تیز را بخاطر دفاع از خود بدست گرفتند، بوکس را نیز بهترین وسیله دفاع دانسته و شمشیر بازی را گسب و کار خود قرار دادند فرار از چنگ دشمنان زورمند و خونخوار به انسانها پر یدن از روی موائع را آموخت تا آنکه شکل امروزی اش این همه ورزش بوجود آمده اما کم کم زمانی میرسد که آدمی دیگر ورزش را برای رفع نیاز تمیخواهد. تمدن او تا حدی پیش میرود که نیازی به تفریح و تفنن پیدا نکند دیگر بجای رسیده که با کمک ورزش نمی خواهد کسی را بکشد و نه از کشته شدن بیم دارد، این است که توب را اختراع میکند فوتبال و والیبال و باسکتبال و امثالیم را ابداع میکند و گر وه های بیشماری رابه تماشای آن و امیدارد تا خستگی و یک نواختن زندگی از تن شان بیرون رود، از اینجاست که ورزش های جدیدی پابه عرضه میگذارد که در مجموع میتوان آنها را ورزش های تفنی نامید.

ورزش های تفننی حتمی نیست که دسته جمعی باشد بلکه به تنهایی نیز میشود آنرا به تماشای دیگران گذاشت. سکی، موتور دوانی، بایسکل دوانی همه ورزش های تفننی هستند که نظر به شرایط و معیار تمدن بشر بخاطر ایجاد تفریح و تفنن

اکثر ورزش هایی که در جهان معمول است در اثر احتیاج معممی که آمد و جنگ های مختلفه باعث است گوناگون از اسب شد تجاوز همسایه به انسا نبا جنگ تن به تن آموخت و بالاخره استفاده از سلاح برنده و تیز را بخاطر دفع از خود بدست گرفتند، نیزه اندازی، اسب سواری - بو کس کشتنی وزنه برداری، پرتاب گلوله دوش و انواع پرش وغیره همه ریشه های نیازی داشته و روی احتیاجی که انسا نبا در اعصار مختلف به آنها نظر به شرایط مکانی بخود احساس کردند آنرا بوجود آوردند تا بتوانند خود را در مقابل حوادث و عوامل که باعث نابودی شان میگردید محافظه و چند روزی بر بقای زندگی خود بفرازند و پر تعداد خود افزودی بعمل آورند.

اما دیده شده که عده ای از رشته های ورزش است که ارتباط مستقیم با نیاز بشری نداشته بلکه روی تفریح و تفنن بوجود آمده و آهسته اینکه اکشاف یافته و به شکل امروزی خود در آمده است قبل آنکه وارد مطالعه اینگونه ورزش ها گردیم بهتر است تاریخ تمدن انسا نبا را مطالعه و به ارتباط با آن ابتدای بوجود آمدن و سیم ارتقا یابی این ورزش را مطالعه نمائیم.

انسا نبا روز بروز در اثر گسترش جوامع بشری و ایجاد همبستگی های بیشتر میان شان مسائل تازه پیدا میشود که ناگزیر باید عضلات خود را قوت ببخشدو پرقدرت آن بفرازید. زراغت به انسان اسب سواری و دامداری را آموخت که آهسته



و برادر تان هم درست همین قسمت نظر می‌انداخت و ضمن آن به صعبت دست را ستنش واکسین شده است؟ خود با ایلا ادامه داد: مادemo از ایلا بنت: شما برای ملاقات تان یک ایلا با اشاره سر حرف **الک** را تصدیق نموده با نا راحتی روز بسیار خوب و آفتابی را انتخاب سوال کرد: آقای **الک**، شما چرا کرده اید.

الک بصورت غیر محسوس و به این سوال را از من کردید؟ **آرامی** نسبت به هوای بدشهر لندن **الک** جواب داد: هیچ. آخ من یک خسته زیتون را قورت کرده‌ام. نمی فهمم چرا کسانی که کارخوند نموده بود. گویا **الک** سعی مینمود یکی دو ساعتی را که برای صرف آنرا دور نمی کنند؟ **آنرا** می بائیست بگذرانند، بهر

بقیه دو صفحه ۵۴

ایلا ندیده بود. **الک** گاردون از رخصتی بعد از چاشت همان روز خوب استفاده کرده بود. **دیک** اظهار داشت: **الک**، می‌ترسم که در کارها تنبیلی و اهمال از من سر بزند پس از اظهار این جمله اش ایلا **والک** را به داخل اتاق ناخوری کلوب موتو را نی رهنمایی کرده، یک دانه بالش را پشت سر ایلا روی چو کی گذاشت تا ایلا بتواند بسیار به را حتی روی چو کی بنشیند و آنگاه به دنباله حر فشن ادامه داد: اما، **حدس** میز نم که شما پیش از چاشت را بیکار نشسته اید و غیبت من شمارا زیاد در کار تان دچار مشکل نساخته باشد.

الک پاسخ داد: مطمئن باشید که بیجا حدس ن نزد اید. یک روز جالب بود. قرار تازه ترین اطلاع که در انتهای شرقي شهر لندن باز هم آثار شیوع از ناخوشی اپیدیمیک تشییع شده است و هم این مطلب را در دفتر پولیس شنیدم که یک تیم مجهز برای واکسین اهالی و باشندگان های قسمت شرقی شهر لندن دست بکار شده است. آخ، یکانه چیزی که در زندگی بدم می آید و ازان می ترسم همین واکسینا سیون است.

به این من وسایل که من دارم باید مقابل هر نوع میکروب معافیت پیدا کنم.

درست پیش از ساعت یک دیک به **الک** تیلفون کرده خواهش نمود تنانان چاشت را همراه او و ایلا بیجاوه **الک**. منهم با شما احساس مشابه دارم. وقتی رای و من تقریباً ۵ سال پیش، درست زمانی که یک اپیدیمی بزرگ شیوع یافته بحرانی و احساس **الک** از کار دون بود و مارا بمنظور وقاریه واکسین کردند این واکسین برای ما دو نفر چاشت را در کلوب موتو رانی صرف کنند. **الک** خوش داشت در کلوب های که عضویت آنرا ندارد، کا هکا هی دعوت بشود.

الک بصورت غیر عادی در سر ساعت معین آمد و این رعایت وقت از طرف **الک** خلاف عادت همیشگی اش بود، **الک**، ایلا را بسیار جای سه داغ کوچک را در حصة زیر بازوی دست راستش نشان داده علاوه نمود: داکتر بنا گفت که شما را در جایی واکسین میکنم که زیاد حسنه نمی کنید. بمنظور شما داکتر نامزدی ایلا با دیکا بود. او قبل از چنین انگشت قشنگ را در انگشت

فک خوبی نکرده بود؟

الک به آرامی پاسخ داد: بلی.



از: ادوارد ولن

مترجم: نیرو هند

کمتو از دودالر

باخته بود امایا آینه لیوتا توانست نامو
آدرس یک دوا برس کند و سپس لباس پوشیده
همسایه بروی بل بخواهد. چرا نتو بآن
ملکت مسافر تکرده بود؟ معضی برای
خرید یک دوا به قیمت ۱۵۸۱ دلار تایه آنجا
رفته بود؟

در عمان شب قبل از مرگ گردیدی
روهان، نتو هم در منزل گردیدی بود و برای
دنوهی اشکا لی نداشت که به بهانه رفت
به شناساب دزوشه وارد آتا ق خواب آنها
شده باشد و...
بل مغازه در دست لیوتا تکان میغورد
و با خود اندیشید: آیا اینمه اتفاقاً تپیم
معضی برای آنر خنداده تا به امکان بروز
یک اتفاق دیگر باور گرد؟

لیوتا بخاطر آورد که داشت در دعوت
وقتی نتو بانگاه های خود اورا دید میزد،
احساس نادرست مینمود. نتو همیشه از
لیوتا تحسین و توصیف میگرد.

ولی آیا بسیار طبیعی نبود که پس از
هرگز گردیدی و وارد شد ن اتهام قتل شوهر
بکردن لیوتا، ویرا مجبور ساخت تایه -
یگانه و گل مدلعی که شیرت فروان -
مطیع برد.

دانست و در عین حال لیوتا او را هیشناخت
روی اورد و او را برای دفاع از خودش به
وکالت گمارد؟

وقتی نتو لیوتا را از محکومیت نجات
داد، لیوتا بی اندازه همتو ن او شد و وقتی
رنوحاضر شد باوی که در انتظار مردم جهان
بصفت قاتل شو هر شعر فی بود، -

ازدواج گند، لیوتا احساس غرور فراوان

مینمود جی دنوبالماتیریک مردم شجاع و شوالیه:

خانتوال دو لت دعوی خود دایراس

نتایج حاصله از تشرییف چند پس از کالبد

شگالی ترتیب داد اما نتو خانتوال و گل

تعقیب نتایج کار دیگر نخواند و او را امداد

بی کمالیت و بی استعدادی و انمود گرد -

بالآخرین نین تعریض نتو خانگی مجبور شد -

ملدخله کند و رون تو ناگزیر در برابر اعضا

محکمه از وارد گرد ن تو هین به خانتوال

عدلرت خواست نتو جربان دعوا و خوب

میدانست و بسیار به جزییات آن وارد بود.

شاهدان خارتوال که هدیه نین نانش

قبل از مرگ گردیدی بودند شهادت دادند

که گردیدی و لیوتا در شب دعوت با هم مشاجره

گردند. لیوتا توانست این شهادت را در

کند. لیوتا در هم نسب سعی نموده بود

گردیدی را آن نوشید ن مشروط بزیاد و

ذلهسا ختن قلب نا توانش به دور نگاه

گند اما گردیدی در آتشب بالغور فراوان

حوض شنای جدید التعمیر ش دا انتخاب

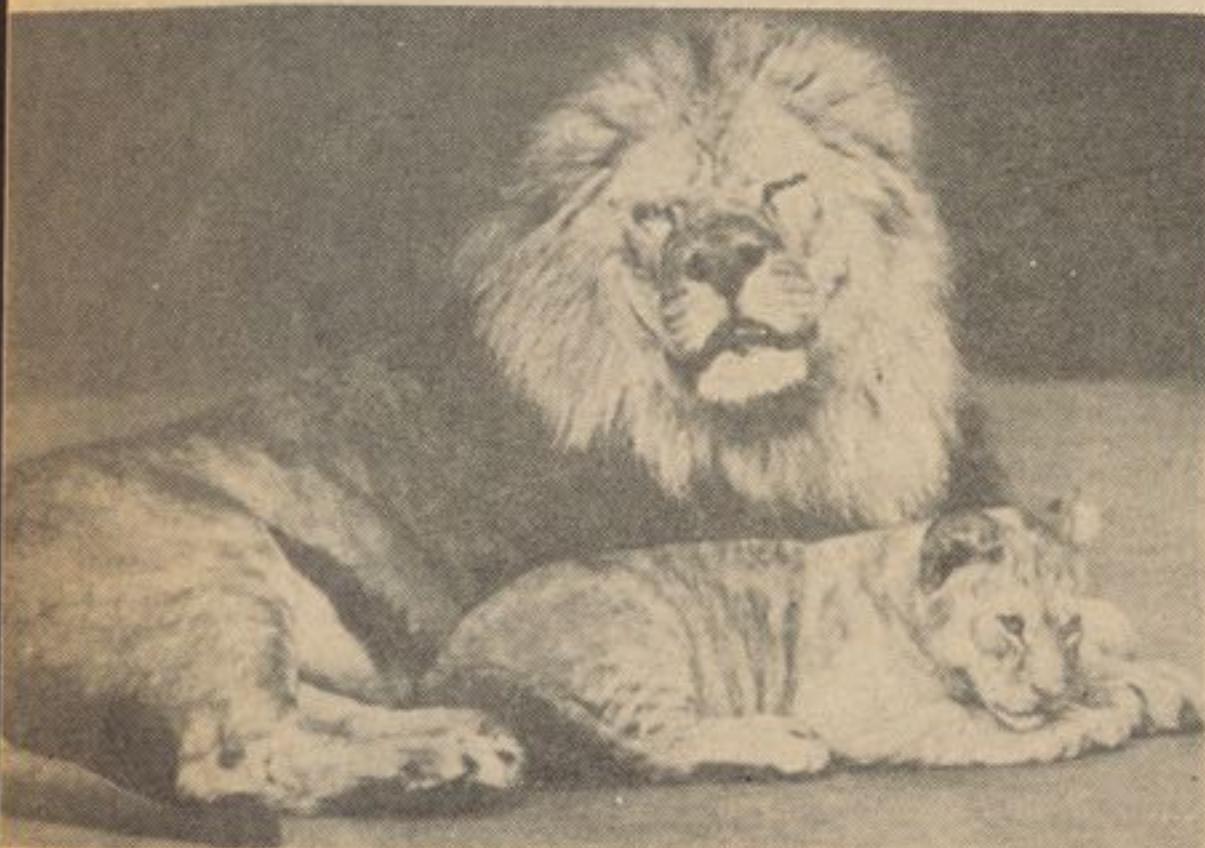
گردید و خود بمناسبت جشن البتا حیه حوض

ازدواستان

از: سامعه عاکفی
مادر

مادر تو باغبان نهال وجود من
روشن زآفتاب رخ تست خانه ام
از شیره وجود خودت شیردادهای
بردی هزار رنج پی آب و لانه ام
شبپانکرده خواب که تاخواب خوش
کنم
للوی دلپذیر تو بودی ترانه ام
هر دم طینین گریه من در شبانگاه
کردی فکار قلب تو ما هیکانه ام
باز هم یان گشاده چین جبین خود
صدبوسه میزدی برخ کود کانه ام
مادر فنای آنهمه صیر و شکیب تو
ای روشنی چشم من ای زیبلانه ام

در آغوش مادر



آغوش مادر پناه گاه خوبی است برای فرزند، حتی اگر این مادر شیر درنده باشد

فرستنده: سیده شامل

مادر

مادر ای راحت و آرام دلم .
بیش «حسان ووفایت خجمل
مادر ای آیه رحمت به جهان
زتو آموخت همه نقط و بیان
قهرت از الفت بیکانه نیکو
لطف تو خوبتر از عیش جنان
همه را چشم نیاز است بتو
عالمان را همه ناز است پتو
ای بسا شب که نشستی بیدار .
بیش گهواره من بادل زار
بهر آسایش و آرامش من
گرده ای جسم شریفت بیمار
همه گی ریزه خوار خوان توایم
تریبیت گشته ای دامان توایم
من فدای دل پاکت گردم
نوکرت گردم خاکت گردم
گرسرت در کند مادر من
من همان لحظه هلاکت گردم
بیش «حسان ووفایت مادر
پیش آن قلب صفاتیت ما در
 Husti وزندگی دهن رکم همت
گر بریند بپایت ما در
من فدای سرت ای مادر خوب
مهرت افکنده پیمان آشو ب
ازره لطف و عطوفت مادر
چشم رحمت فکنی پر محظوظ

فرستنده: نریمان سن

مادر

حضرت محمد (ص) در باره مادر مادری که کودکا نش او را احاطه
میفرماید: بهشت زیر پای مادران کرده اند، بیدار نمیکنند .
است .
اسمایلز میگوید :
هر وقت مادر فاسد شد نسل نیز
نایلیون میگوید :
ما برای آزادی ملت و آبادی فاسد میشود .
کشور شان بیش از همه بمادران استیفن میگوید :
قلب مادر زیبا ترین وجای دانی
سالم و آگاه نیاز داریم :
ترین جایگاه فرزند است حتی در روزی
کویته میگوید :
که مو های فرزند سفید شده
مادر، وقتیکه طفلش را در آغوش
دارد، استیفن میگوید :
هر کس در همه عالم، تنها قلب
مادر خود را برای همیشه مالک
احترام و ستایش هارا بقدر حالت
است .
روح پرورنیست و هیچ چیز حس
احترام و ستایش هارا بقدر حالت

شماره ۱۳

نام -
شور و بهان براي تابه آنجا
ب آنها -
فریدي د و براي د فتن ب آنها
ن بروز ميغورد بدردمعوت بد هي ذه بشه از
پس از قتل شوهر ، تابه -
روان -
من شناخت و دش به نجات و وقتی مردم جهان -
در فرavian شوالیه :
براساس ازکالبد ل وکیل واوارامرد -
فرد -
شد -
اعتصاب دادند وارد بود -
نائیب دادند مثاجره ترازو -
در زیاد و زر نگاه فرavian فتح حیه حوض زوندون

ائز علی شاه ناشاد

دامن مادر

آسودگی بدامن خوش بوی مادر است
جنت خجل به پیش گل روی مادر است
امروز اگر به چوکی قدر تنشسته ای
از کوشش و لطف و تکاپوی مادر است
(آنکو درید برد پندار ها یی شوم)
فرزندیز فهم و سخن گویی مادر است
کی میشود حقیر بدنیا و آخرت
آنکه به گفت مادر و دلچوی ما در است
آنکه قدم به گره هفتاد ما نده است
فرزندندو لایق و خوشخوی مادر است
(ناشان) تا ابد بکند احترام و
چشم دلم بدان خدا سوی مادر است

آیا نباتات شعور دارند؟

تجارب متعدد تأیید نموده است که عکس العمل های از قبیل خوشی و سرور خشم و ترس و غیره ظاهرات روحی که انسان از خود نشان میدهد، در نباتات زنده بی که در فرد یکی و قرار گرفته نیز تأثیر می کند؟

آیا همه حیوانات صاحب شعور میگردند کدام خواهد بود؟
این مسئله در یاد داشت های گر قبول کنیم که همه حیوانات کلیمنت تیمر یازیف (۱۸۴۳-۱۹۲۰) شعور دارند. چرا در مورد نباتات بنیا نگذار مكتب فزیو لوری نباتی باید آنرا تکذیب نماییم و اگر در شعوری بیاد گار مانده است، آیا ساینس شعوری گفتگوی تازه ای در قسم ساده ترین حیوانات این امر را رد کنیم پس شعور در کجا و در آستانه کدام بله کان موجودات بازه ای معماً حیرت نگیر طبیعت حیه قرار خواهد داشت آن حد فاصلی دارد.

دختری و گل جو یعنی



با صدای آرام تخصص هیمنو تیزم دختر بخواب می رود و عکس العمل نشان میدهد

صفحة ۴۸

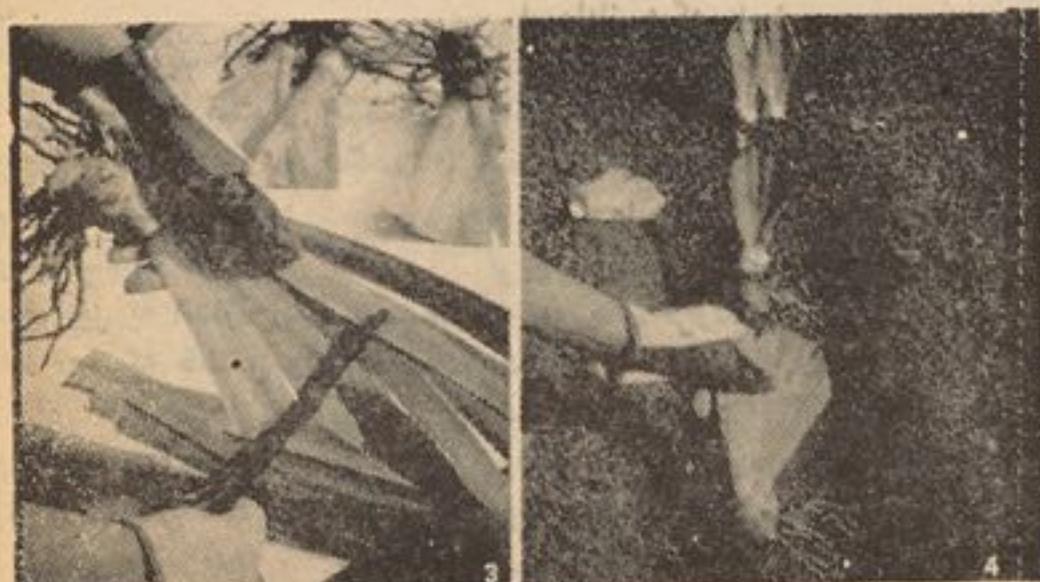


عکس العمل نباتات بو سیله آله انعکاسات ثبت شده

متخصص هیمنو تیزم با صدای اما آنچه که حیرت آور است اینست اهسته اشارت کنن میگوید: که احساس سرور تانیا بکل جریبینی (تو خوابیده ای در این اتفاق گرم که کنار کوچ وی گذاشته شده و راحت در این کوچ مستریح احساس واکنشی تو لیده میکند و آله که بکل وصل آرامش مینمایی خس میکنی که تمام است این و کنیش را ثبت مینماید. وجودت را رخوت دلپذیری فرا گرفته بعد از ربع ساعت تجربه تکرار می شود. ولی در اینبار احساس منفی است...)

حالت خواب آلودی بد ختر دست بدخلت تلقین میگرد. میدهد چشما نش را می بندد (تو در بیرون اتفاق هستی لباسی تانبا فراموش میکند که اطرافش را بتن ندری برف میبارد هوا خیل ساینس دانان و وسائل جهان لابر- سرد است وجودت بشدت از سردی اتواری احاطه نموده است. میلر زد...)

(تو دختر خیلی زیبایی هستی تا- همه می بینند که تانیا از جا پریده نیا بسیار بسیار!) تبس غیر ارادی و شروع میکند به لرزیدن. در عین بر چهره دختر سایه میا نگند. زمان ساینس دانان دفعتاً متوجه می تعجب نه کنید. این خصلت ذا تی پشر گردند که این بار هم گل جریبین عین است که در برابر هر گونه تعارف واکنش را از خود نشان میدهد و آله و تحسینی از خود عکس العمل نشان وصل بان انعکاسات حاصله را باز میدهد. هم ثبت میکند.



عکس العمل گلها و نباتات بداخل مشابه دارد

ژوندون

تجارب متعدد تایید نموده است نبات ر مجاورت وی قرارداد انتشار دیگر انسی فالو گراف وصل شده احساسات تو سطح مواد ناقلی مخابره که عکس العمل هایی از قبیل خوشی میباشد. علمت اخیر الذکر مناسبتر و بطور مستقل عمل مینمودند. عقربه شده است ولی اینکه این موادغافل وسروور خشم و ترس وغیره ظاهرات به نظر میاید .

هدی آنها با گوچکرین تغییرات بر قی که ممکن است سیا له های بر قی در لابر اتواری که این تجارب برآه در هوا خطوط مستقیمی را ثبت می (حتی اگر این ظاهرات بصورت انداخته شده بود تفها یک الکترو د نمودند. اما عقربهای که به جوین مصنوعی تولید شده باشد) در نبات به برگ گل اتصال نداشت بلکه مسنورد اولی اتصال داشت و در آن هنگام که وجود تانیا زمانیکه انعکاسات بر قی زنده ایکه در مجاورت قریب وی قرار داشت بعد اعلای تقلای روحی کشانده جلد دروی تحریک میگردد جاری گرفته و اکنون هایی را بوجود میاورد دو عدد مسنور به اطراف قرار میشند خطوط متغیری را ثبت مینمود. شده است .

بقیه در صفحه ۵۵



(ما حالت خواب مصنوعی را به منظور کنترول دقيق احسا سات درونی انسان انجام دادیم و مطابق به پروگرام معینی هر چند کاهی شخص تحت آذ ما یش خواب مقنا طیسی فرومی بردم و بیدارش میگردیم با این ترتیب برای بار اول پاسخ عای مشتبه در مورد قابلیت نمایش احساسات هم در نباتات در یافت داشتیم .)

ماهیت عکس العمل نبات چیست ؟
شاید اظهار این موضوع عجیب به نظر آید که بکویم الله انسی فالو - گراف که روا نشناسان شوروی در تجارب شان برای ثبت فعالیت های مغزی از آن کار میگیرند در مورد نباتات نیز بکار بوده شده است. لکن این آله منحصر به ثبت پر سه های بر قی داخلی جمجمه نبوده بلکه پروسه هایی را که از سطح جسم انسان بخارج ظاهر میکند نیز درک و ثبت مینماید. مثلا انعکاسات بر قی جلد را که انسان در هنگام تقلای فکری از قبیل حل نمودن مسایل در ذهن و یا حالات هیجانی که از خود نشان میدهد ثبت میکند. این مسئله را می توان باوصل نمودن یک الکترودانسی فالو گراف در کف دست والکترو د دیگر دریشت دست نشان داد .

در تجربه ایکه بالای جریبن به عمل آمد رول دست را برگ آن بازی مینمود که سکنی را به انسی فالو - گراف نقل می دار .

اما چطور نباتات قابلیت نمایش (انعکاسات بر قی جلد) و یا چیزی شبیه آنرا دارا میباشند . آیا نباتات هم در یک حالت تقلای روحی وغیره تهییج میگردند .

آیا همه چیز بهمین سادگی است آیا علمت چارچوب شدن برگها سیلان بر قی است که از وجود شخص تحت آزمایش که بشدت هیجانی گردیده و

میوه مسابقات

زنگ تقویح عمل به عکس

جدول کلمات متقطع

افقی

۱- هنر هند هندی که چندی قبل به کابل آمد از حشرات خوتوخوار است.

۲- مجلس کردن - به بدن بیماران عاجل تزریق میشود .

۳- حیوانات دارند ضد یکدیگر - حرف ندای دری - ۴- یکنوع میوه است از مناطق گرم - جسم هند سیاست حرفي از الفبا

۵- شاعری که اسمش ابوطالب است - معکو سش یک کشور افریقایی است - ۶- نمونه خروار است - باعث درمان می شود - ۷- محل ذخیره پول - زو پش معروف است - ۸- درخت (پسته) - نارس - دریا (عرب)

۹- عددیست - هم کوتلی است وهم جاده‌ای - ضمیر مخاطب انگلیسی - ۱۰- از سنگهای قیمتی است - تهیه کردن - ۱۱- گندم میده شده -

محصول صنف .

۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

عمودی .

- ۱- کریم و جوانمرد - کشوری در جنوب شرق آسیا - ۲- بصورت مختصر - چند جوی - ۳- غالباً با پلاسن همراه است - یک شهر از ولایت فاریاب - طول بد - ۴- بیوست به دهن - بوی خوش دارد - طرف - ۵- از صادرات عمده میومانگشتی - ۶- نقصان - عضو مشترک پرنده و طیاره - ۷- نقاش و سم - غذایی است از خمیر و گوشت - ۸- دست عربی - روز - سایل - ۹- نمیشنود - شاعر و عارف بزرگ غزی - واحد سطح - ۱۰- افانی هم تخلص میکرده - رهبر سودان - ۱۱- (نویسنده مرد بیر و دریا - مرتب کنید از سبز بحات است .

و تقویح را جمع کنید ایست عمل به عکس .

این مسا له حسابی شا عرانه هم از همان روز گاران باقی مانده است که بطور مثال نقل میشود .

ای دختر زیبا که چشمها نتمثیل ستاره می درخشند و رفتارت بادلدادگان همیشه عمل به عکس میشود .

به من بگو آن کدام عدد است که اگر آنرا در ۳ ضرب کنیم ، سپس سه چهارم حاصل ضرب را بر آن بیفراییم و نتیجه را به ۷ تقسیم کنیم و تلث خارج قسمت را از آن کم کنیم و حاصل را در خودش ضرب کنیم و ۵۲ از آن کسر نماییم و بر جذر باقی مانده هشت بیافزاریم و مجموع را برده تقسیم کنیم خارج قسمت عدد ۲ باشد و چیزی باقی نماند .

اگر برای پاسخ یافتن به ۱ یعنی سوال از اخر شروع کنیم خواهیم دید که عدد مورد نظر ۲۸ بوده است کلیشه فوق عملیات حسابی آنرا نمایش میدهد .

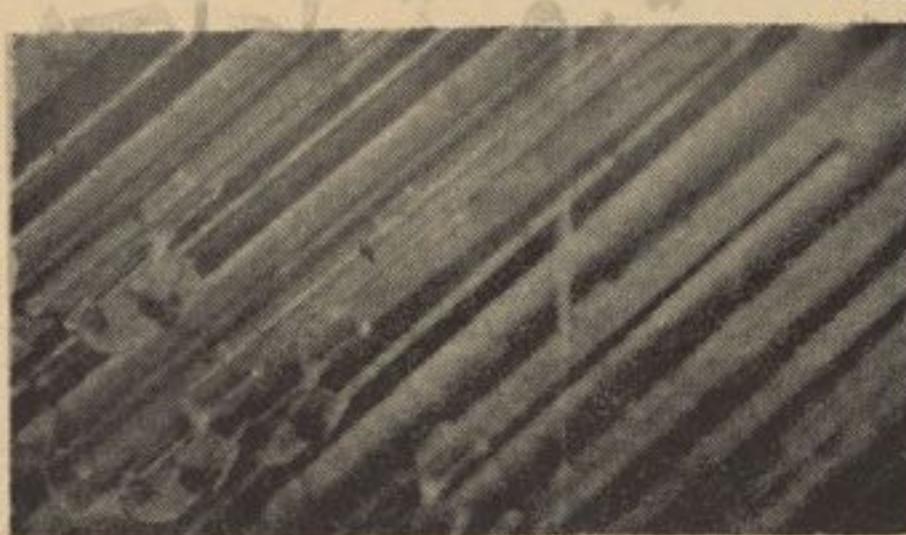
.....



HORSE - BRAND - SOCKS.

اين عکس چيست؟

عکسی را که در اینجا مشاهده می‌کنید از روی یک دسته اشیای فلزی
هم جنس که در پیلوی هم قراردارند برداشته شده است، خوب
به آن نگاه کنید آیا میدانید اشیا بی که موضوع عکس را تشکیل میدهد
جاست؟

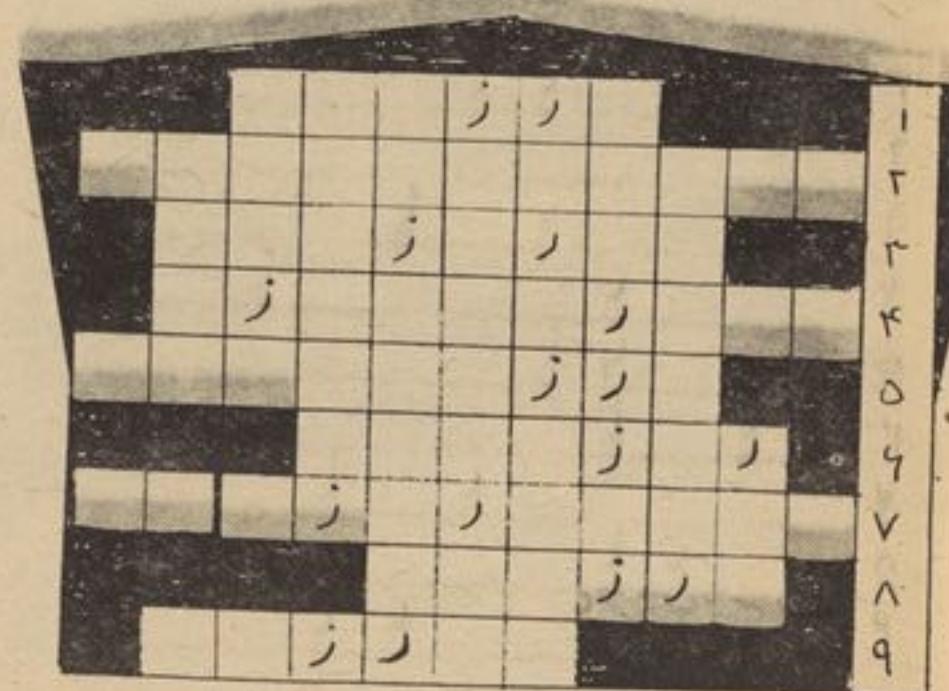
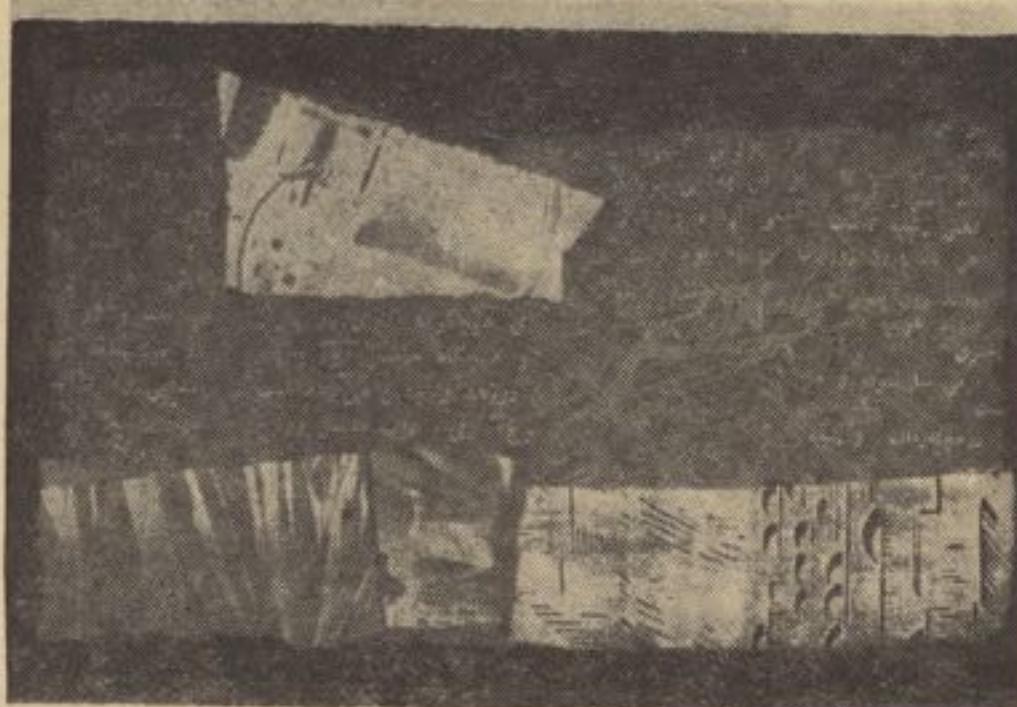


جدول نامهای مخفی

- ۱- عاقل و هوشیار .
 - ۲- از دانشمندان بزرگ وطن‌هادر قرن ششم هجری .
 - ۳- از مناطق خوش آب و هوای نزدیک کابل .
 - ۴- از مکتبهای جدید و پیچیده روزنبر وادبیات .
 - ۵- مکرانیمت نیست.
 - ۶- موسسه‌ای که باطل صحت آن سر و کار دارد.
 - ۷- مولا نا جلال الدین بلخی به این شخص ارادت بسیار داشت.
 - ۸- از ولایات افغانستان.
 - ۹- استا نسرای کتاب الف لیله ولیله.

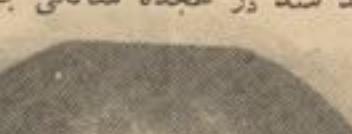
قطعه‌ای از همین شماره

در این کلیشه یک تعداد برویده هارا مشاهده میکنید که از صفحات مختلف همین شماره قطع گردیده است آیا میتوانید صفحه هر کدام آن را پیدا کنید؟



آیا میری شناسی میدی؟

به این چهره با وقت نگاه کنید، بعد بیوگرافی مختصر او را که در
زیر چاپ شده است بخوانید آیا او را میشننا سید.

انگلیسی است در سال ۱۶۴۳ متولد شد در هجده سالگی به پرهنگون کا میر بیچ داخل گردید و سال بعد که مرض طاعون شیوع یافت به زادگاه خود در ووس تورپ هر اجمعه کرد و در آینجا بود که علایم فرع او آشکار شد و چند قانون مهم پیش از کشف گردید.



برای یک تن از شر کت کنند گان در مسابقات این هفته بحکم قرعه
یک سیستم بوت پلاستیکی وطن بر سر سه جایزه تقدیم میشود

بوت پلاستیکی وطن، زیبا، قشنگ و بازی و از همه بهتر ارزان ۱ سنت
وموجبات رضایت همه را از طفل تا کلاسیمال مرد یازن، فراهم می‌آورد.

در شماره های گذشته خوانید:

یسری بار فیتش «جان گلود» در بازی قطعه شرکت میکند و در این بازی یولیا بش راهی بازد «جان گلود» که همیشه اورادره جاکمک میکند، اینبار به آن پسر جوان سراغ دختر ترومندی بنام «فیلومن» را که از مدتها بریض است و تحت تداوی میباشد میدهد و میخواهد که رفیقش با آن دختر آشنازی حاصل کند. پسر جوان هم موافقه میکند که هرجه زودتر آندختر را ببیند. یک روز داکتر به «فیلومن» مشوره میدهد که چند روزی را در کنار بصر بگذراند.

واینک دباله داستان:

بخاطر ثروت



از خود بسیم کریں چرا بدان وطنیه را ایام مریض!



جهود خود را حسنه!

مشکل خود را میشوند گردد

۱۲۰

تو عجیش سخوه‌گی میکنی، همچو درینام بایست آغاز کرد

مشکل نمیدیدم



۱۲۴

می بخاطر که نهادی «سل دار» را می داشته باشد.



س حم از این نوعی ترسی دارم لاما تو میتوانی را
بردروغ اینطور دید که از این میمی . غیر اینکه
که فتنه به حریفها بت باور نمیکند .

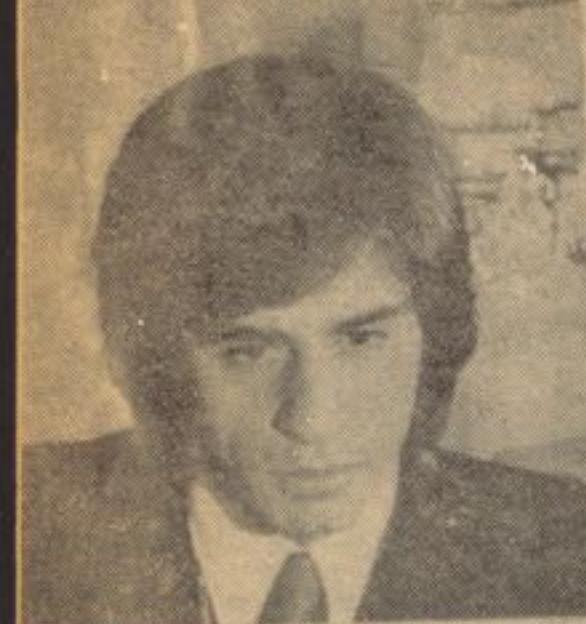
چاپ نمیشی ، بخاطر که نمیتوانی چه بگویی . جطر!



۱۲۵

از ازدیج گرفته نظر میمی ، دخانیک را باید از
آن بگلد مستدرخنی داشتی .

بر خلاف مردی نماین و زن روزگارش است... ز
ازدواج کرده ام که دشمنی ندارم.



عنانی حق هشتاد و هشت ساله

بی خوبی آنده بین اند زندگی من است.



کرام از دیدن اینها باز است
هر چهارمین سال میگذرد. نوادرانش
فرزشگر را بازی سکنه
با «پیروزی» نام عقد و
حرفت اصلی او آنها نمیکنند
آنها در طی تعزیز، همان عکس را
بسیار حوالی خود آیند.

«ذاک» پستوری خوش میگردند.
ادانته جیخی بتو درباره راه درست نمایی جزیی نه



خطور است از جذب این طرف او برای من مضره بیار

شب شده... باید ریگر باشیم با بریم.



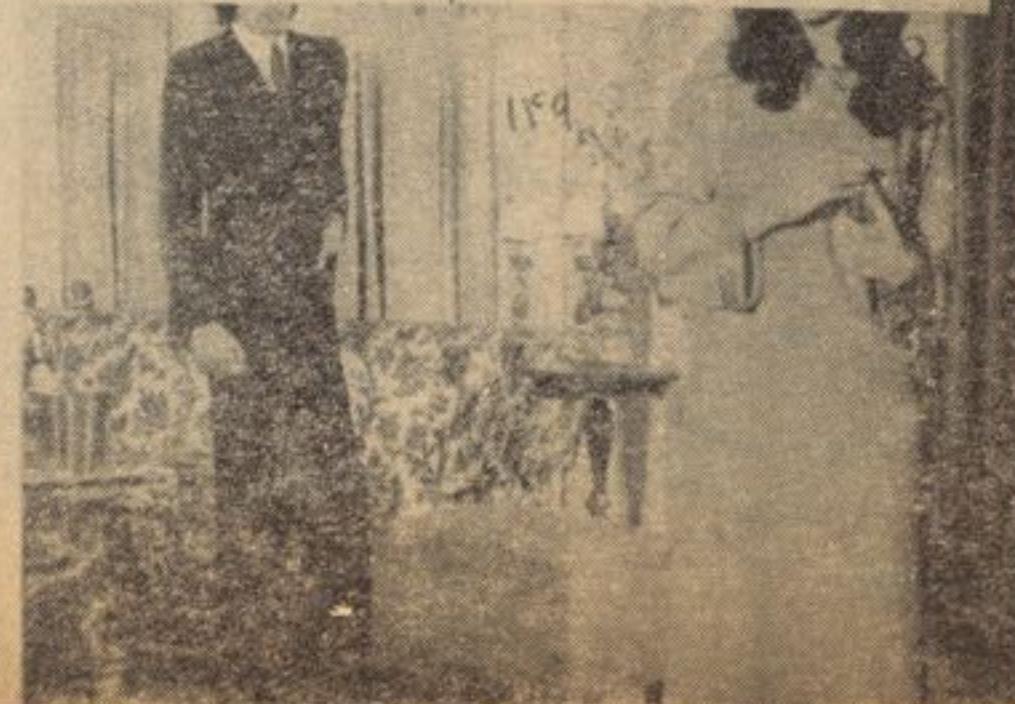
۱۴۷

«صریف» باید از این روزگاری گذشتند رئیس میشود و بعد از جایش میگذرد
و نظرت لطف میگرد. «ذاک» هم به عقب او میگردد.



۱۵۰

سهم حبلکر، اول تو صریح کن. «نمیگوییم بخواهم جزیی بیوت بگیرم



۱۴۹

مساوی اپهندیگر میر سیدند و سرعت
ها مساوی می بود ولی طوری که
تجربه نشان داد سرعت ها مسخر
نیود بلکه جریان از بالا بیان نیشن
نسبت بجریان از پایین نیشن



آیا نباتات...

بقیه صفحه ۴۹

این (سیاله) ها هر چه که باشد
بر تمام جهات منتشره میگردند و با
ازدیاد فواصل بسرعت نابود میشوند
پس چرا نباتات اینچنان و اکنش های
شیدیدی از خود نشان میدهد ایا
نمایش عکس اعله ها چیزی با لاتر
ازیک ناقل (سیاله) است.

شاید نباتات خیلی احساساً تی
باشند و بسیار میگردند
اثرات این تحریک شدید ها بعد
بروسیله انسانی فالو گراف ثبت
گردید.

اگر قضیه از اینقرار است از جه
رو این عکس ا عمل ها و
رعایت های معنو لا آنرا مخصوص
در رونی طبیعت نباتات میشنا سیم
در مقابل دامن و تیر یکسان است.

تیمر یازیف دریاد داشت های
خویش اظهار میکند که :

(اگر تایید گردد که در نباتات
کanal های معنی (چنانکه عده ای از
شاینس دانان معتقد اند) که در
امتداد آن تحریکات سریعتر نیست
به امتداد کanal های دیگر مخابر و
منی گردد و جود دارد
ساینس باید موجودیت چیزی را که
کم از کم از نظر بیو لوژیکی باسیست
اعصاب شباهت دارد نیز قبول
نماید .)

در ۱۹۵۳ پرو فیسور الیسی دور
گوناریکی از بر جسته تریسن

بیو لوژیست های شوروی از اکادمی

زراعی تیمر یازیف دیدن نمود و
عده راتحتم رهنما بی الکسی ستیوخین
شاینس دان جوان موظف نمود تا
در مرور تند مزاجی نباتات مطالعاتی
را انجام دهند. در آخرین و حمله
معصبان در یافته که در باتلاقی از
سوالات فرو رفته اند.

خطور نباتات در برابر تحریکات و
میجانات واکنش نشان میدهند ؟
سکنان از سلول تهییج شده
سلول مورد نظر میتوانند انتقال
یابد. این انتقال همراه با تغیرات
برقی بیوتا نسیال طوریکه در حیوانات
مشاهده میگردد صورت میگیرد ولی
در حیوانات اعصاب وجود وارد که
(مانند سیم های تلفون) با آنکه
مخابر را آنان انتقال نمیدهد ولی
سرعت منتشر میسازد. این انتقال
مانند جریان الکترون ها در یک
فلز ناقل نیست بلکه توسط مو جی
از ایونها و پار تیکل های چارچ دار
که در محلو لی ظهور مینمایند بوجود
میاید.



این حقیقت برگ و ریشه نبا تی را
همزمان تحریک نمودند ملا حظه
نشان میدهد که انتقال سکنان در
نباتات نیز مانند حیوانات ایو نیک
شدکه نسیال ها در بهم
است.

بطور کلی میتوان گفت که این
مشاهد یکدیگر پیشی میگرفتند
ایک انتقال است. اما اینکه سکنان
دریافت ناقل فلز ماهیت الکترونی
است و یانه در ۱۹۷۰ سنتیوخین
میداشت باید بعد از طی فواصل
تجربه قاطعی را انجام داد.

«زبان» سلول های نباتات

دو نبات بوسیله آلة الکترونیکی
مخصوص صوت بهم متصل گردیدند
وقتی که یکی از آنها تهییج میگردید
هر دو با طرز العمل های مشابهی
از خود واکنش نشان میدادند. به
طور کلی میتوان این شباهت را با
دوگانگی های سیاسی مقایسه نمود
ولی این بیوند میان آنها بیوند
فرزیکی نیست بلکه همیستگی
(تلفونی) است.

یعنی هیجان را انتقال نمیدهد
بلکه اطلاعاتی را در آن پاره مخابر
میکند یا بعباره دیگر تغیرات عملی
بیوتا نسیال ها را نقل میدهد.

بیلبر

را پوری بنویسید که تاکنون در
شعبات مختلفه فابریکه میردم
مصروف چه بوده اند و حاصله کار
شان چیست؟

شما خود بهتر میدانید که من...

من هیچ چی نمیدانم و سکرتر

حزبی به این موضوع علاقمند است.

شما که میدانید شیلیفا من که

بعن توشن راپور ها هیچ کاری

نکرده ام ...

شیلیفا گفت:

ما که نمیتوانیم توشن زایپرها

را شامل پلان کار فابریکه بسازیم.

فکر میکنم آقای بیلبر اگر شغلی

در کدام موسسه دیگری برای خود

دست و باند - بهتر خواهد بود.

رفقا چه فکر میکنند؟

همه سر شانرا به علامت متیست

پائین آوردن . بیلبر از فابریکه

نوشت . و درین لحظه حادثه ای

اخراج شد ، ولی آرام نگرفت . او

حتی تصور شما را هم نمیتوانست

میگردید . درین لحظه تمام اعضا

فعال فابریکه در این مجلس حضور

وشیلیفا را عنوان قرار می دهد و

او شانرا بی کفايت و نا اهل میخواهد

و دلچسب اینست که دلیلی هم

متادی و شاگردانش قد علم کنند

نمیتواند ارائه کند .

و هر کس نظر ش را بگوید از

آنها دفاع کنند . وبالای بیلبر

خصوصی خود مینگارد :

تاوقتی همچو آمرین مثل رئیس

آقای ماتیف و شیلیفا وجود دارند

برای من نیز چرم و چکلی هست.

من که با استعدادم !

من میخواهم که شما آقای بیلبر آخر بندی یک ماستر راپور نویس

شناخته شده شده ام

آیا شما اشتباه نمی کنید؟

چه اشتباهی را ممکن است بگتم؟

بینند آیا ناوم شاگرد متادی نیست؟

همه چیز رو برای است رئیس متادی ، واچکوف ، ساوا ، ناوم همه

صاحب ا...

وقتها دیده میشود که گاران تا

هنوز میر خاموشی بر لب نهاده ..

اعضای مجلس یکی سوی دیگر

نگریستند .

درین وقت شیلیفا گفت :

آقای بیلبر با وجود اینهم شماکم

نوشته اید و مراعات کرده اید .

رئیس اضافه کرد :

بلی او از حیاکار گرفته و بیشتر

نوشت . و درین لحظه حادثه ای

رخ داد که ماستر را پور نویسی

میگردید . درین لحظه تمام اعضا

فعال فابریکه در این مجلس حضور

داشتند فیصله کردند که تابه مفاد

متادی و شاگردانش قد علم کنند

و هر کس نظر ش را بگوید از

آنها دفاع کنند . وبالای بیلبر

نمیگنند و فقط به دسیسه بـا زـی

دست زده ، مردم را تحریک نموده

کلکتیف را متلاشی می نمایند .

عقیده شخصی من این است که

همچو کارها گنجایش ندارد .

فردا هم گزارشی در مورد این

ساوای بـیـ حـیـاـ مـیـنوـیـسـمـ .

چند روز بعد که رئیس بیلبر

رادید پرسید :

چه حال دارید آقای بیلبر ؟

همه چیز رو برای است رئیس متادی

خوشی ندارند و هر کدام دلدارند

سر بلند کنند .

کی ؟ کدام یک ؟

حالا دیگر ساوا . همینکه در

لوحة اخبار آن مقاله را جمع به

واچکوف نصب شد او نز مجلس

ایستاده شدوازوا چکوفد فاع کرد

وحالا در همه جای شایع ساخته

است که کارگران ما هر از نزد

مامیروند و کسانیکه اصلا بزرگ

فابریکه نمی خورند بجای آنها

گماشته می شوند .

مطلوب او از کیست ؟ به چه کسی

اشارة می کند ؟

به همه کس ! شما به اصطلاح

دور ویش تانرا با عنان صر گستند

یده ای گرفته اند که خود شان کار

نمیگنند و فقط به دسیسه بـا زـی

دست زده ، مردم را تحریک نموده

کلکتیف را متلاشی می نمایند .

عقیده شخصی من این است که

همچو کارها گنجایش ندارد .

فردا هم گزارشی در مورد این

ساوای بـیـ حـیـاـ مـیـنوـیـسـمـ .

بلی ، بلی حتیا !

این بار گزارش بیلبر را فوق العاده

جدی گرفتند و سوالات زیادی را

به او مواجه ساختند :

در حال حاضر وظیفه اصلی

تانرا در چه میدانید ؟

نجات دادن حیثیت و وقار مقام

ریاست را از تجاوز اشخاص در ذیل

و بی کفایت .

آیا این عمل را فو ق العاده

ضروری میدانید ؟

من نهروزونه شب خود را میدانیم ،

همیشه در فکر آنم که چگونه

ضربات محوله ایکه بالای رئیس

محترم ما وارد می شود ختنی کنم .

اینبار کی رئیس را هوزد حمله

قرار داده است ؟

نام .

از جهان مود...

اولین فلم او در سینما بطوری (بیر گاردن) یک مرکز گلخانه غوغای بر یا نماید که توجه کلیه را تحت کار دارد که در آن دو تیاتر ، یک سینما ، یک گالری برای نمایش تابلو های نقاشی یک جلب کند .
از جانب دیگر (گاردن) یک استديوی رقص ، یک کتابخانه ویک رستورانت مود دارد که باسas این علاقمندی تصمیم گرفته یک نمایشگاه بزرگ کاسیوتوم رادر قرار خواهد داد که این موضوع امریکا بزودی دایر نموده و باب قابلیت و استعداد مود میزی خود را برای شهرت و محبوبیت مزید (گاردن) نقش موثری را بجا بگذارد .

آیا این بدان معناست که موضوع اخیر الذکر جز الا ینفک خصلت انتقال اطلاعات در نباتات است .

آیا نباتات براستی چیزی شبیه سیستم اعصاب دارند .

آیا آنها در برابر ضربات دارند و تبر حسا سیست نشان نمیدهند و تنها بخاطر آنکه ما صدای (فریاد) شانرا نمی شنویم از این حقیقت بیخبریم .

برو فیسور کونار اظهار میدارد که شنیدن (فریاد) آنها سهل است مثلا (قطع ساقه اصلی برگ) دریک لحظه انحراف منفی در پوتوانسیا ل در قاعده برگ با امپیلیتو ۵۰ میلی ولت بوجود می آورد .

البته لازم نیست که به مقصد استدلال و اکتشاف نباتات باین عمل (درد ناک) متوسل گردیم مثال هایی (درد ناک) میگردید از شکارش را با تدا بیرون خواهد داشت با این فرم میگردید که نباتات خاصی گرفتار مینماید . هم چنان گفته میشود که نبات (حس شنواری) دارند و در برابر نغمات موزون عکس العمل نشان میدهند .

(بینایی) :

بسیاری از گلها بر گهای شانرا باطلیع آفتاب باز و هنگام غروب جمع میگنند . البته این همه در خور پوش است . ولی چه علت ممکن است باشد نباتات اورگان های حسی نداورند تا مانند حیوا نات تحریک شوند .

مشابهت جهان نباتات با دنیای حیوانات معلوم است . زیرا نباتات نیز مانند حیوانات در مقابل هیجانات و تحریکات سلو لهای نباتات مشا هد نمود .

میز مدور ...

زهره شریف:

محل تعیین کردند و روابطه میان مردم و سا روالی باشند. من در عین مورد پیشنهادی دارم - بناروایی میتواند میرز های را در گو شدو کنارسیر طور عصری اعتماد نماید و برای بینظربر سر اول به تایید گفته های رفیق فعال ساختن مادر کیت های جدید در گوشه و کنارسیر تو چه بیشتر بروز خود را در خانه پدرستی هرا قبیت گردد و برای عرض منطقی و منصانه طوری که نه به ضرر فروشنده باشد و نه هم بر صور عصر ف کنندبرای میرز ها چاره مو قتی تیمه سر پوش هایی است که اسان باز و سرمه شده بتواند و دیگر اینکه این میرز ها باید زود بزود تخلیه گردد. یک مشکل اساسی در شهرکابل موجود

راصع:

با تشکر از شما مهمانان عزیز که دعوت زوندون را بپرسید اکتو نظرات شما را فرشده می‌سازم. روی هم وقتی از مجموع "فتحه" ها در این مجلس این طور نتیجه گیری میشود که مشکلات حاد پاشند گمان نواحی ده گانه شهر کابل بیشتر در این موارد خلاصه میگردد.

۱- عدم تو چه شما روا لی به تابیخ حفظالصلحه محظوظ و رفع کثافات و الودگی ها

۲- عدم تو چه کافی به استقرار نرخها در مارکت های شهر.

۳- کمبود آب و برق در محلات و نواحی کهنه ساز.

۴- غیر صحی بودن حمام های شهر.

۵- موجود بودن میرز های عمومی در سرور و سرازیر شد نموده میرز های منازل بگو چه ها.

۶- کمبود سرویس در بین های انجمنی و کهنه بودن سرویس های اینکه اجازه شما و با تشکر.

و سپاس از شما مجلس امروز دادر همین خاکه میدهیم وقتی آیند و از مسوو لین شعب و مو ساتی که نظرات پیشنهادی شما مربوط کار شان میگردد

دعوت میداریم. تا تشکیل جلسه دهند و امکانا تبر آورد ن نظرات شما را با

مطالعه نهایت.

با تشکر.

آنلاین

زنوزون

مسؤول مدیر :

نجیب الله رحیق

معاون روستا باختری

دفتر تیلفون : ۲۶۸۴۹

کور تیلفون ۳۲۷۹۸

مہتمم علی محمد عثمان زاده

پته: انصاری وات

داشتراك بیه

به باندیو هیوادو کبیسی ۲۴ دالر

دیوی گنی بیه ۱۳ افغانی

به کابل کبیسی ۵۰۰ افغانی

تیلفون: مدیریت توزیع و شکایات

۲۶۸۵۴

محل تعیین کردند و روابطه میان مردم و

فعال استقرار نرخها در کارپرسوزی بینظربر سر اول به تایید گفته های رفیق فعال ساختن مادر کیت های جدید در گوشه و کنارسیر تو چه بیشتر بروز خود را در خانه پدرستی هرا قبیت گردد و برای عرض منطقی و منصانه طوری که نه به ضرر فروشنده باشد و نه هم بر صور عصر ف کنندبرای میرز ها چاره مو قتی تیمه سر پوش هایی است که اسان باز و سرمه شده بتواند و دیگر اینکه این میرز ها باید زود بزود تخلیه گردد.

یک مشکل اساسی در شهرکابل موجود نبودن میرز های عمومی است چند قبل شماروایی چند میرز عمومی در شهر ذرس ساختمان گرفت که نسبت بی توجهی عرض کدام آن بیرون گز کنایات تبدیل گردید تا بالآخره دروازه های آن مسدود گشت و وزیر دیوار های آن مورد استفاده فرار گر شد اکنون هم شماروایی میتواند باسا ختن چند میرز عمومی با گفایت خوبتر این مشکل را حل نماید.

دانشمندان از شعاع لازیز استفاده

دقیق بودن تهیه عناصر بسیار

زیاد می گردد. در دستگاه های صنعتی از لازیز های کاز کاربن دای اوکساید

برای بریدن نل های شیشه نی

و کوارسی، مزین و منقش ساختن

اشیاء کریستالی و شیشه نی

استفاده می گردد.

دانشمندان از اتو مات برای جوش

دادن ناقل ها و عناصر اینجن های

الکتریکی بسیار کوچک و دقیق و

میچنان عناصر دیگر طرح و ساخته

می شود. با عصری شدن لازیز ها

از نقطه نظر زیاد شدن قدرت آنها،

قابلیت اطمینان آنها و زیاد شدن قدرت آنها،

ضریب کار مفیده آنها، ساخته

استعمال و استفاده از آنها به سرعت

زیاد تر گردیده است. در حقیقت

امکانات استفاده از لازیز ها در عملیات

تکنالوژی که به گفته رول بصری

ضرورت دارد تحدید نکرده است.

درینجا شعاع نور بعیت یک دستگاه

دید بسیار قوی و دقیق با سرعت

بسیار زیاد و درجه دقیق بودن

کشف عوارض در عناصر فعالیت

می نماید. واضح است که اتو ماتیکی

شدن این قسم فعالیت ها قادر

استحصالی را زیاد ساخته و انسانها

رازگار خسته کن و مشکل نجات

میدهد.

در اخیر ما باشد از استفاده لازیز

در طب فرا موش نگنیم. در جویان

این مدت عملیات شبکیه چشم دریک

ساخته و سیعی انجام می گیرد.

دانشمندان طبی اتحاد شو روی با

همکاری متخصصین صنایع الکترونی

تصویر بسیار مو فقاره میتواند های

معا لجه گلو کو م چشم را تهیه می

نمایند.

فعلا باشد تمام تر تحقیقات

تأثیر بیو شمی جریانات قوى

صورت می گیرد. این آزمایشات و

اظهار امتحان

بدینو سیله از باغلی مهر فاده دکتور سر ویس داخله و دو کنود

میر علی اکبر. دو کنود رعبا س، دوکنود امین ذوقی، دو کنود ران

سروری جراحی ابن سينا رو غتون و سایر کار کنان این رو غتون که دد

جراحی و معالجه ها درم از هیچگونه مساعدت و همکاری درین ننموده اند

از صمیم قلب تشکر نموده و موفقیت های بیشتر آنها را در پر تو رویم

متفرقی جمهوریت از خداوند متعال خواهانم.

(غلام محمد اکرمی عفسو ریاست پلان وزارت معارف)

اسعه لازیز در خدمت

آیا باتات شعور دارد

یعنی زمانیکه سلو لهای نباتات خود را در مجاورت مستقیم هم می یافتدند بنابه علی بسرعت انقسام لوزیکی بانسان اجازه خواهد داد تا مینمودند.

تحقیقات بیشتر در مورد دیستها سلول های عضلات قلب جگرنتیجه باور نکردن را ببار آورد بدین معناکه انساج زنده قابلیت انتشار شعاع ماوراء بتفش را دارا میباشد اگرچه این انتشارات ضعیف است اما قابل مشاهده بوده و به آسانی ثبت شده میتواند.

از این حادثه سایکو لوزیست های شعوری اباین فایسباچه رسیده اند که نباتات نه تنها قدرت احسانس

دارند بلکه در مقابل هیجانات انسان نیز عکس العمل تولید مینمایند.

برو، فیسوس پوشیلکن در مورد تجربه کل جریان میگوید که:

خیلی زود باشند که بگوییم بکشفی

نایبل آمده ایم. اما باید بگوییم ازین

تجارب تا حال نتایج خوبی بدست آمده است از همه مهمتر اینکه

اگر نبات زنده ای در مقابله با

جربانها تیکه در سیستم اعصاب

انسان رخ میدهد انکاس نشان دهد بطور حتم وجهه مشترکی میان

سبز یجات و سلو لهای عصبی که

بکلی از هم اختلاف دارند وجود

دارد. شاید آنها بسان خود (مخابره) نماید.

آیا حرکت نباتات بسوی روشنایی

و شناخت حقیقت بو سیله

تحلیل و تجربه ریاضیات در اصل یک پدیده واحد نیستند؟

آیا این حرکت نباتات بسوی

روشنایی و تحلیل آن و سیله

ریاضیات آخرین حلقه های زنجیر

تقریباً بی بایان توافقی نیست که در سراسر جهان موجود است حیه

مشاهده میگردد؟

سولات فوق و فورمول بندی

این مسائل از طرف رمان نویسی

بیان نکریده بلکه از طرف ایوان

پاولوف فزیولو رایست معروف

شوری و برند جایزه نوبل مطرح شده است.

در کمتر از دودالر

سطح تو لیدات زراعی ببار خواهد آورد.

این ثبت های خود بخودی در مورد زرع نباتات در فضای خارجی ارزش خاصی را دارا است و مسئله توافق سریع فضایی که با شرایط زمینی متفاوت میباشد حل خواهد کرد.

مطلوب دیگری که قابل تذکر است اینست که انسان ها در ملاقات با کرات دیگر سازمان های عالی که بکلی پا ساز مان های زمینی اختلاف دارند تصادر خواهند نمود گفته میشود که جوامع خیالی نیمه حیوان و نیمه نبات که با ساخت عقل و شعور اداره می گردند در آنجا که درین راه بکار برده میشود به زندگی می کنند. انسان ها بمنظور درک متقابل با چنین زندگی نوینی نبات که از طرف ساینس دانان همچنان ثبت این واکنش ها شوروی در ساحت مختلف پیش - سهولت های رادر قسمت نگهداری رفت نموده است آمادگی حاصل جنگلات باغات پارکها و بلند بردن خواهند تولد.

پاتی په ۵۹ مخ کی

داشتند. بدترین وضعی که بروای لیو وجود داشت این بود که: رنوبه وی گفت

بود که گردید رو ها ن، گردید عزیزش قلبا از لیو تا باید ۳ تونیم توییب ۳ تونیم را از خود دور افکنده بود.

دنو به لیو تا وانوود ساخته بود که گردید خود کشی کرده و خواسته ز نجع

گناه را به یار او بینند.

جزا دنو به او اینقدر دروغ گفته بود و جرا حاضر شد تا بین حد صحنه سازی

کند؟

عشق گذاشته اش به گردید از نوجوانه

زد و نسبت به دنو چه؟ اکنون لیوتا قلب

براز گشته و نفر تی نسبت به ۱ داشت.

اما دفعتا با خود اند یشید ۰۰۰

دنو بخطاطرا و مر تک جنا یت شدمو

پس از گشتن گردیدی، بروای نجات وی از اتهام وارد تلاش کرده بود دنو اورا

آنقدر دوست داشت که غرچه از دستش ساخته بود، بروای وی انجام داد و لیو تاره

متقاد ساخت، تاهرچه را که در باره شان گفته میشد و هر قدر هردم بد گویی میگردند او همراهان دیده و تاثییده و بگردید.

وقت دنو از زینه ها فرود آمد، لیو تا

نو اسنه بود بدر خود مسلط شود. او تا

اندازه زیاد خوش لباس و ببعد از خود

رافض معلو م میشد دنو در مقابل گلکن

ایستاد و نگاه های آندو بروی شیشه گلکن

بیرون تلاقی شد.

لیوتا بگندی ۴۰ دید که چکونه دنو

ابخند ش را بالبغند پاسخ گفت او، زن

دنو یالما تیر بود نهم جبه خوبی هم داشت

و در همه جا و کل مدافع شیرت داشت

هردم زود گلکشته را فرا موش گرده، دیگر

راجع به گذشته حرفا نخوا هند زد. به این

ترتیب تمام ما جرای گلکشته ازیاد خا

ها برو خواهد رفت و آنگاه زند گش

مطبوع خواهد داشت. هر گاه اشغال

سردی می گراید، باز هم لیوتا وقت کافی

میداشت که اورا به یاد بدل دوا خانه

بیندازد ۱۱۱ و ۸۱۱ سنت ۰۰ قتل نفس

به اینقدر زودی تحت هرود زمان نمی

اید.

فریب ان پسرک راحوردمودرا خوب
روزها که از من خسته شده بود
از من کناره گرفت و
چوابم داد. حالا من هم
نمیدانم چه کنم. هیچ چیز هم نمی-
تواند مرا قانع بسازد چون وقتی انسان
در برابر یک عمل انجام شده فراز
گرفت کاری نمی تواند بگند چون
به سختی بیچاره و عاجز میشود. من
اینطور فکر میکنم تا دیگر آن را چه
نظری درین مورد باشد.

ولی یک چیز را خوب میدانم و آن
اینکه من اولین و آخرین دختری
نخواهم بود که فریب همچو اشخاص
را میخورند این اعمال نشانه
محرومیت است و فساد، که از
خصوصیات منحصر بفرد آدم های
حیوان صفت است.

نتیجه اینکه من تنبا نیسم. و
مثل تو را می بینم و دیگران را که
راهی مشترکی را پیمودیم و باز هم
عده درین راه از عقب ما کشیده
خواهند شد. اما واقعیت اینست که
با است مبارزه جدی برای از میان
رفتن این مفاسد صورت گیرد.

خوشی مان باید این باشد که زیرم
نوین جمهوریت علیه این مفاسد به
سختی مبارزه خواهد کرد و دیر یا
زود انسانهای بد بخت و بدمنشی که
ترا فریفتند و مرد و دیگران را، نا بود
خواهند شد.

سپاسگذاری



بابر از سپا سگزاری از زحمای تیکه
بناغلی دو کتور اوام پر کاش پیاسا،
شف سرویس جراحی این سینا
روغون در عملیات خیلی مهبلک و اعاده
صحت پدرم حاجی فتح محمد جگون
متقادعه کشیده اند. موقیت بیشتر
همچو دوکتوران جوان و همکارانشان
هر یک دوکتور سید نجیب الله
ستوهان رو کتور محمد قاسم با بری
و دو کتور محمد قاسم امین زوی را
در راه خدمت بمقدم در پرتو نظام
جمهوری از بارگاه خداوند (ج)
مسا لات مینما یم.

(نجیب سیف و فامیل)

۶۴-۱۳

خواندن گان عزیز

بیکانه نیستدر نخستین لحظات با
من تشریفا تو می دقصید ولی یکبار
متوجه شدم که آهسته دستم را
فسار میدهد. اینکار را یکم تبدیل
هم تکرار کرد نمیدانم چرا اینطوری
دستم را فشود. بعد ها مرد را در آغاز
کشید و آهسته در گوش نام را
زمزمه کرده گفت من شما را می
شناسم.

بوی مشروب که خورده بود بخوبی
احساس میشد.

بعد هم مر اتفاق تر
به آغو شش کشید و گفت:
تو را دیر یست می شناسم گفتم
من شما را ندیده ام.

و به این ترتیب با من گرم گرفت و
وقتی هم رقص تمام شد آمد و در
پیشلویم نشست. دستم را در دست
خود داشت راست بگوییم من هم از
اینکار چندان بلنم نمی آمد و احساس
کنگی در وجود بیدار میشد. آن
شب گذشت وما چندین بار با هم
دیدیم و کار مان بجاهای که اصلا
من نمی خواستم کشید اود و اقع
ظاهر اهرا هرادرست میداشت تا خواسته
های خودش راعملی کند. بعضی کار
های از او سر میزد که هر از نسبت
به او مشکوک میساخت مثلا یکی دو
باری که از او خواستم تا تصمیم اش
را بگیرد وضع را روشن سازد تعلل
کرده و این عمل او چند یعنی

هزاتبه تکرار شد...
لیلای عزیز! اگر قرار باشد
تمامی قصه را برایت می نویسم دیگر
بان ناگزیر خواهد بود یاد داشت
های هر این نیز تنظیم کند خلاصه اینکه

دولفين

تا حال هیچکس موفق نشده است
که زبان دو لفین ها و نهنگ ها را
کشف کند گرچه آنها بین خود
صمیمیت میکنند دانشمندان یقین
دارند که آنها زارای زبان ساده
هستند و احتیاجات ساده خود را مانند
گرسنگی درد، خطر، احساس تنها یی
و تأثیر را بیک دیگر می فهمانند.

متاسفانه در سالیان اخیر قسمت
زیاد این حیوانات مورد شکار قرار
گرفته اند که اغلب به کشته شدن
واز بین رفتن دو لفین می آنجامد.
مغاید ثابت شود. و شاید این مسافرت
به نکسن در قضیه و اثر گیت هم
معاونت کند و از مثبت بودن با
ارتباط به جهان عرب هیچ شکی موجود
نخواهد بود.

د گلو گود

سبا دهمدی ورخی په منا سبت زه
دغه مزار ته ولاړه شم او همدغه
کوده ګلونه به د خپل با شہامته
شمید بجي د مزار د پاسه وغوروم.
زوبه:

مامی خپل حق گران شهیمه زوی
ته ور پل کپری او خپلی افغانی نی
می په اخلاص ورته بېتلی دی خنه
رنگین فکر کښی می د هغه به
خواسو کښی بدلون را و ستوانی
هیواد والو دیواره دزوندانه دراټلو نکو
نیکمرغیو د حصول به هیله دتن جامی
یه وینو سری کپری.

گرانه:

سبا خم، همدغه ګلو نه ور ته
سوغات یو سم او بیا بی دیو بل
خرکوم. هغه راتم شوه او زه
وخت دیاره دقبر دیاسه له روح سره
دزره خواله و کرم، بیا به هم بولخانی
درې یو راباندی غږو کپری (زوبه)
او زلمیتوب دوری راویادوم او خپله
و زهکی؟ مومنی مینه به دهه د مزار سره
یو دشی می خواب ورکه؛ موږجانی
هغه وخته راهیسی چه نه له کوره
خخه راووتی او دا دی بیر ته خپل
دوایه دهغی دکلا دروازی ته رسیدو
کورته روانه یو تو ما تر همدا او سه
وزری ستاد حركاتو هاجرا ټوله
تعقیب او تر ستر گو تیره کړه، هیله
مج کړل او بیا کله چه د خپل کور
رم چه اوس یه می د خپل زې ګی
دیت اسرار یه رالو خولو سره دزره
هی دزره د بورجل د پاسه په ګډیدو
یو واری خو یو په باشمامه او وه
د کاغذ پر مخ باندی ورکه او د ګلو
دکودی تر عنوان لاندی هی دزوندون
ریو ونیوه او دیوه اوږده اسویلی
د مجلی ګرانو لوستونکو ته وزاندی
کړه.

یو مثاله لور همت هغه تاریخی
هاطره یو راته و خیرله کومه چه د
غفانانو د نوی آواز سره په خبر و ګولو
کښی نوی باب او جلا فصل باله شی
ود سر لوری افغا نستان ټول خواره
اره و ګپری یو واره بشاد او ژوندانه
امیدواره کړل او ور پسی راته
مددغی قدر هنی ادی وویل چه زړیه
خلک واپی او خبره شوی یم چه
پیا ته په هیواد کښی د هور ورخ
مانځله کېږي او لکه چه هور او دهه
قام ته ټول انسانان د حرمت په
تر ګه ګوري او په دغهورخ دواړونو
خوا نه میندو ته سوغات تو:—
د ګول کېږي نو پوه یو چه ماته یو
پل د ستر گو تور حبیب الله لاړو
اکړلو فرصت نه لری نو حق ده چه
د اوسم چه هغه ماته د بیا سو غات
ر کالی یو تاریخی سوغات اهدا کړ

باقیه ص ۸

مسافرت قاریحی

خواهد نمود. بعدا وارد تل ابیب می
شود و از آنجا به اردن مسافر ته
نماید.

قابل یاد آوری است که بعداز روزولت
فقید رئیس جمهور
امریکا طی سالهای ۱۹۳۰ این نخستین
بار است که یک رئیس جمهور امریکا
به شرق میانه مسافرت میکند کویا
مسافرت نکسن بحیث رئیس جمهور
ایالات متحده امریکا در مدت بیش
از سی سال بار اول در شر قیانه
صورت میگیرد.

واز آنجاییکه مدتی بعد ازین
مسافرت نکسن به اتحاد شوروی
سفر میکند بناء ملاقات هاو مذاکرات
او با زعمای عربی شاید در جریان
مذاکرات وی با زعمای اتحاد شوروی
تصویف نهاد.

اعلامیه مشترک افغانستان و ۰۰۰

جمهیر شوروی سو سیالیستی از عمل فیصله نامه بیست و هشتمن
مساعی کشور های نیم قاره آسیا
جنوبی بمنظور تعکیم صلح طرفداری
درمورد تقلیل ده فیصله بودجه نظامی
مینمایند . اینها عقیده راسخ داردند
استفاده قسمتی از مبالغه سر هجوی
قضایایی که در آسیا جنوبی موجود
میباشد حل و فصل آن توسط مذاکرات
شده دابرای مساعدت به کشور های
جناهدها شد و معاشران مذکور متفقین
در حال رشد بعثت افرادی تلقی
بین کشور های ذی علاقه بدون هیچگونه
مداخله خارجی ممکن بوده و باید
مینماید . طرفین پشتیبانی خود را از
اصل عدم توسل به قوه در روابط
صورت گیرد .

این المللی و منع دائمی استعمال سلاح
ذروی مصوبه مجمع عمومی ملل متحد
مورد تائید قرار دادند .

نهضت آزادی بخش

جمهوریت افغانستان و اتحاد
جمهیر شوروی سوسیالیستی به
نهضت های آزادی بخش ملی در آسیا
البرقا، امریکای لاتین و بیهی بزاره
مردمان ستمدیده بر پرد استعمار و
تبیعیش نزدی در آینده نیز با استفاده
از هرگونه تدبیر کمک خواهند کرد .

طرفین برای تطبیق سریع و موثر
اعلامیه موسسه ملل متحد در باره
انعطای استقلال به ممالک و مردمان
تحت استعمار اظهار طرفداری نمودند .

طرفین به خاصیت خود امیریالیستی
نهضت عدم انسلاک و همچنان سهم
مالک غیر منسلک در راه مبارقه علیه
امیر بالیزم واستعمار جهت اکتشاف
همکاری بین المللی و ترقی اجتماعی در
ارزش هشت قابل شدند .

اهمیت تماس های شخصی
رئیس دولت جمهوری افغانستان
نهضت عدم انسلاک و همچنان سهم
وزعای شوروی با اطمینان به اهمیت
بزرگ تماسیای شخصی برای توسعه
همکاری در تعکیم صلح و امنیت
جهانی اهمیت فراوان دارد .

نقش ملل متحد در نقطه صلح
بنیانیتی و درباره انجام ملاقات های
طرفین نقش موسسه ملل متحد را
در امر حفظ و انتشار همکاری های
بین المللی که سهم قابل ملاحظه
به توافق رسیدند .

طرف افغانی و طرف شوروی با
رسایتمندی مذکور شدند که مسافت
رئیس دولت و صدراعظم جمهوریت
افغانستان به اتحاد شوروی سهم قابل
ملاحظه در تعکیم علایق دوستی و
همکاری همراهین جمهوریت افغانستان
و اتحاد جمهیر شوروی سوسیالیستی
داشته است .

بنغالی محمد داؤد رئیس دولت
و صدراعظم جمهوریت افغانستان از
جلالهایان ل. ای بریزنت منشی
عومی کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی ن . و پاد گودنی
صدرهایان رئیس شورای عالی اتحاد
جمهیر شوروی سوسیالیستی و این
کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد
جماهیر شوروی سوسیالیستی دعوی
بعمل اورده تادر موقع مساعد به
جمهیر شوروی سوسیالیستی دعوی
این دعوی با ابراز تشرک یادگرفته
شده .

جمهیر شوروی سو سیالیستی از عمل فیصله نامه بیست و هشتمن
مساعی کشور های نیم قاره آسیا
جنوبی بمنظور تعکیم صلح طرفداری
درمورد تقلیل ده فیصله بودجه نظامی
مینمایند . اینها عقیده راسخ داردند
استفاده قسمتی از مبالغه سر هجوی
قضایایی که در آسیا جنوبی موجود
میباشد حل و فصل آن توسط مذاکرات
شده دابرای مساعدت به کشور های
جناهدها شد و معاشران مذکور متفقین
در حال رشد بعثت افرادی تلقی
بین کشور های ذی علاقه بدون هیچگونه
مداخله خارجی ممکن بوده و باید
مینماید . طرفین پشتیبانی خود را از
اصل عدم توسل به قوه در روابط
صورت گیرد .

اینست توسط مساعی مشترک تصمیم
دول آسیا با متفقین مردمان آسیا متعاقبت
خواهد شد و این امر مستلزم حل و فصل
شوری فعالیت هنر مردم کار دوست موافقنامه جدید افغانستان و شوروی
افغانستان را با حسن نظر دیده و از درمورد تجارت و تادیات که در مارچ
موقیت های شان در اعمار حیات جدید سال جاری عقد گردیده است برای
ایران هر سرت نموده و همچنان به اهمیت توسعه علایق هرید تجارتی شرایط
سیاست خارجی صلح جویانه، بیطری مساعی رافراهم مینماید و باین علایق
ثبت، عدم استراک دوبلکهای نظامی جنبه طویل المدت و مستحکم میگشند.
با ازدیاد صلح جویانه همکاری های همچنان راجع به ازدیاد تحولدهی
بین المللی که از طرف حکومت اسلامی که برای اقتصاد ملی هر دو
جمهوری افغانستان بصورت مدام کشور شوروی است توافق حاصل
دنیال گردیده است اشاره نمود . شده است .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
اتحاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

زعمی شوروی اظهار گردند که طرفین با درنظر داشت علایق
ایجاد شوروی به تأسی از اصل دوچاره که دیگر اینها توسعه است
هماییکی نیک و دوستی با جمهوریت راجع به تشکیل گمیسیو ن مشترک
افغانستان از سعی مردم افغانستان افغانستان و شوروی برای همکاری
بمنظور ترقی و تعکیم حاکمیت و استقلال های اقتصادی و تغییک موافقة
ایشان در آینده نیز پشتیبانی خواهد گردند .

باقرائت پیام

در تمومیل ۲۱۰۰

نامه تکاران مذکور شده‌اند که در محافل ولایات ترانه های جمهوریت و مادر از طرف اطفال گودکستانها، اعضا خارجی و شاگردان مکاتب خوانده شد و کنسرت هایی اجرا گردید.

همچنان نویسنده‌گان و شعراء بهترین آثار

شان را که بمناسبت بزرگداشت از مقام مادر تبیه نموده بودند در این محافل قرائت گردند که با گفت زدنها بدروه گردید.

در بعضی از این محافل برای تقویه صندوق

مادر معاونت هم شده است.

روز نامه های مرکز و ولایات کشور هم

بعقیده تجلیل از مقام خجسته مادر صفحات

۲۳ جوزای شان را وقف مفامین و مقالات داشتاری

پیراهون این روز نموده اند.

همچنان روز نامه های مرکز فتوتها و

بیوگرافی هادران ممتاز و قابل قدر سال را

نشر گرده اند.

امسال پنج میرهنی که با امکانات محدود

فرزندان صالح و سلیمان به جامعه تقدیم نموده

اند بیعت مادران ممتاز سال و چارمیون: بیعت

مادران قابل قدر سال تعیین شده اند.

همچنان آثار ادبی و هنری هفده نفر از

نویسنده‌گان شعراء و هنرمندان از طرف

کمسیون معن حائز جایزه شده است.

ساختمان سیلو ساختمان فابریکه حاجی و نوغنابی ساختمان تیلکلو ن چیل سیستم رادیویی کابل ساز شریف، واحدان لابرا نوار تجزیه مواد معدنی ساختمان میدان علی هوابی وغیره تطبیق می‌گردد.

بساغلی خرم در زمینه پروژه های مذکور در چوکات یک پلان منظم طول

المد بعد از تکمیل مطالعات انتخابی دی کمورد تطبیق قرار خواهد گرفت چنین

گفت: محاسبات ابتدایی در مورد موثریت این پروژه های آبیاری با تدازه‌هفت‌متری

و ۷۰ هزار جریب زمین جدید و هشتاد و پنجاه هزار جریب سابقه که مجموع

یک هیلیون و شصت و بیست و هفت هزار جریب قابل استفاده و بهره بسیار دارد

خواهد شد.

وی علاوه نمود مطابق تخمینات ابتدایی

مجموع هفاد خالص پروژه های آبیاری سالانه در حدود سه میلیارد الفانی بالغ خواهد

گردید.

وزیر پلان گفت که با تطبیق پروژه

های پیشین شده درساخه صنایع پخته امکان پرسی بیشتر از سه صد هزار

تن بخته در کشور میسر گردید و قطر فیت دستگاه های نساجی، به یکصد و شصت میلیون مترا لانه مستر ش خواهد

یافت.

وی در زمینه پروژه های مواد اولی اقی

از قبل سیلو ها ابراز داشت که مواد ارتباطی مخصوصاً گندم و توزیع مواد

مذکور در شهر های مهم کشود بطور مطلوب

صورت خواهد گرفت.

همچنین علاوه گردید که بمنظور تحقق

سترا تیزی انتخابی دو لوت جم و دری

افغانستان میتوان بر استفاده مطلع ب از

منابع طبیعی کشور دو لوت اتحاد شوروی حاضر شده تا امکانات تخمینی و اقتصادی

استخراج معدن آهن حاجی گلک رامطاعه

نمایند و با عملی ساختن پروژه تصلیب مس

که بعد از تثیت ذخایر انتخابی معدن مس

مورد تطبیق قرار میگیرد تغیر اساسی

را درساخه صنایع کشور وارد خواهد

گرد.

با غلی خرم ازود همچنان دو لوت

عسایه و دو سنت جم و دیگر افغانستان به

تاسی از آرزو های نیک آنکه توپول مید گرد

بپیواد موقت مالی جم و دیگر توپول جو نکشود

آمادگی خویشرا در زمینه تسربلات مالی

ابراز داشته و علاوه بر این تدبیر مبلغ

یکصد هیلیون روبل قریبی که به

کلمبوس تر ۱۴۹۶ کمال پوری خپله

علیله له زره خخه نه باسی، مکر

خرنکه چه د دربار له لاری کوم

تمایل نه وینی، په غمن زره پر

خپله اس سپریزی او بندر تند تک

په نیت له بناره و خی، په غمه ترش

کنکنی چه په غم خپله بنه په لاره

کنکنی دی، د دوه تنه طرفداران

چه (الونزو) او (لوبی دوسانتا جلو)

نومیری، د تولو اکمنی حضور ته

تر افیزی لاندی را خی چهوابی، (سره

ورخی و روسته د اسپانیه د دربار

دی چه د هیواد خزانه تشه ده، زره

او کلمبوس تر منع دغه چول ترون

باتجربه سپری دی او په سمندر و هللو

کنکنی بی شهرت د تولو په خوله دی ته چمتو یم چه خپل جواهرات لاسلیک کیزی:



دکتور محمد حسن شرق معاون نماینده علی‌الله علاقه ملاقات بارئیس هیئت اقتصادی

کویت بنغالی عبداللطیف الاحمد در عمارت نماینده علی‌الله

قرار داد انتقال

۲۸ میلیارد متر مکعب گاز به اتحاد

شور وی عقد گردید

قرار داد انتقال دو ائشاره به هشت میلیارد متر مکعب گاز باری سال ۱۹۷۴

پلان وزارت معدن و صنایع و بنغالی دو بره از افغانستان به اتحاد شوروی دو ۰ ۷۰ جوزا

بین دو کشور عقد شد.

به اساس این قرار داد انتقال گاز از شبرغان در سال ۱۹۷۴ از با لای در یاری آموبه استفاده از معتبر هوا بی طول.

شکنده و شصتمتر که جدیداً به مکاری قریشی رئیس استخراج و انتقال گاز و اتحاد شوروی اعماد گردیده است صورت بنغالی بو لدخ نماینده تجاری اتحاد شوروی در افغانستان نیز حاضر میگیرد.

قرارداد را ساعت ۲ بعد از غیر اتفاقی بودند.

۱۷ هنچ پاتی

کریستوف

کلمبیس او ددی میره فرد نیاند کلمبیس او دده زامن په هفو خمکو او سمندر و نو کنی چه کشف کیزی، حاکم او امیر الجر بیزندلی او د حاکمانو او سمندر لرو نکو توول حقوق او امتیازات به د هفو په باره کنی رعایت و کری.

۲- په همدغو خمکو کنی که د حکمرانانو قاکلو ته اپتیا بینیه شی، کلمبیس دری تنه تولو اکمنی او د هغی میره ته پیشنهاد کوی او دوی به لهدغو دری تنو خخه یو تن و تاکی، نور بیا

په گرو پریزدم او د کلمبیس کار لکنیت نه لری، حال داچه که بریالی شروع کر، وروسته بیا د کلمبیس شی د اسپانیه دیباره د ستمنیو او دراسمه تو لو د یاره یو قاصد لیزی، نیکنامی راولو سبب گرخی. قاصد د (سانتا فا) په پندخه کیلو

تولو اکمنی ایزابلی تر دی اندازی متري کنی رسیزی او دیتولو اکمنی بیزی و خبر و خی او واپی: (کلمبیس یو یو او د دی چه د هیواد خزانه تشه ده، زره او کلمبیس تر منع دغه چول ترون

لاسلیک کیزی:

از جهان مودبسوی سینما

مترجم: هدایت را قسی

● معروفترین مدلیست فرانسوی
روبسوی سینما آوردا و می گوید
 فقط عشق اوراباین کار واداشته است.

● ستاره فرانسوی می گوید عشق یک
مرد زندگی آینده او را تأمین
و تنظیم خواهد کرد.



سابقه آشنایی این دو نفر چیز تازه نیست ولی عشق آنان مو ضوعی است کاملاً تازه

که تاکنون در پنجاه فلم شرکت نموده و بیشتر فلم های او چهار نکاه فروش وچه از لحاظ ارزش هنری بعد خور تایید قرار گرفته

خود معروفیتی در فرانسه و سایر ممالک اروپا نیز کسب کرده است شرکت او در فلم آنهم در پلیوی، (مارو) این معروفیت را دو بالا ساخته است زیرا قسمی که در جهان

مود موفق به نوآوری های شایان توجه گردید در بازی هنری هم موقفيت های حاصل نموده که از نکاه نقادان عیبی در کار او بمالحظه

نرسیده واورا یک بازیگر استاتیک لقب دادند. چه او نقشی را که بعده گرفته بود با منکینی و متانت خاصی عاملانه و موقفانه انجام داده که این امر در جلب سایر سازندگان

فلم برای استخدام او نقش قابل توجهی را بجاه خواهد داشد. اما در خصوص (زین مارو) که عمر

شانزده ساله در سینمای فرانسه دارد این موضوع قابل تذکر است

سپری میشد احساس میکرد

بمودیست جوان تدریجاً علاقه

همکاری های لازم و همه جانبی در

بالاخره بعضی شدیدی مبدل گردید که

خود او بهیچ وجه نمیتوانست آنرا

نفی کند موجود یت آنرا نادیده

را دوست میدارد محسوب می شود.

از جانب دیگر (بیر گاردن) که

زین مارو کیست؟

این یک ستاره بینام بیر گاردن لباسی را که برای سپری نموده و با عرضه مود های فلمبر داری مشاهده میکند

قاره اروپا اورا نیکو میشنا سند (گاردن) اولین باری بود که بای در جهان سینما دراز کرد و قبل از این فقط یک خالق مود میدانستند ولی معرفت او با (زین مارو) موضوعی بحسب می رود که بیش از این فلم وجود داشت یعنی فلم اسباب آشنایی آن دورا فر ۱ هم نکوید است تنها آنچه زمینه سازی که توسط این فلم بعمل آمده است نزدیکی آن و باستانته ازدواج میباشد که بقول (زین) احتمال آن قوی و شدید میباشد و سرانجام این کار صورت خواهد گرفت.

(زین مارو) قبل با (کلینیل اوریانو) ازدواج نموده بود که در طول مدتیکه باهم زن و شوهر بودند دریک فضای سالم و آرام فاعیلی نفس میکشند و کوچکترین برخوردی که فضای صمیمیت آنان را خالل گند بینان نیامده بود تا آنکه تازه کار فلم شروع شدو (زین مارو) در طول هر رور یکه سپری میشد احساس میکرد بمودیست جوان تدریجاً علاقه همکاری های لازم و همه جانبی در عالم موثر در قسمت توفیق او همکاری همین ستازه که (گاردن) بگیرد.

«جوانه های فرانسوی «نام یکی از فلم های معروف «زین مارو» ستاره برجاذبه فرانسوی است که بکار گردانی «کار لوں دیکوپس» تهیه و به سینما عرضه شده است که مخصوصاً در سینمای اروپا و فلم های عرضه شده سینمای اروپا آوازه غریب برپا نمود ضربه دوم این فلم را همانا ظهور و شر کرت (بیر گاردن) معروف فترین مودیست فرانسه بینان آورده از جهان مود دارد که کلیه مردمان سرشناس



آشنایی گاردن و مارو تازه نیست وسا بقه طولانی دارد



است . او در سال ۱۹۲۸ در شهر پاریس بدنیا آمده که‌ما درش یک بمود پرست ها عرضه و تقدیم رفاقت انجلیسی و پدرش یک هوتلدار فرانسوی بود . او پس از تحصیلات مقدماتی مستقیماً به‌سوی هنر تمثیل متمایل شد و هنوز بمن نوزده رسیده بود که ازدواج کرد . شوهر اولی او (جان لویس ریچارد) نام داشت که بعد از هشت سال زندگی مشترک بالا خره از هم جدا شدند و نمرة ازدواج شان یک پسر بچه بود که بحکم محکمه بیدر تعاقب گرفت .

(مارو) بعد از چند سال نهایی و مجرد با (اوریانو) ازدواج نمود که این اواخر فضای صمیمیت تمان رنگ گذشته‌ها را ندارد این ستاره در سال ۱۹۶۵ با بر زیست باردو در یک فلم امریکانی شرکت نمود که شهرت فوق العاده را فلم حاصل کرد . هم چنان (زین مارو) در سال ۱۹۷۰ در هالیوود فلمی تهیه کرد که نقش مقابله او را (لی هاروین) بعده داشت که دل الفت پرست او اسپر قدرت بی نظیر هاروین شده بود . ولی پیش از اینکه نتیجه از این هوس گرفته باشد فاصله بین او شان ایجاد شد و عشق هوس آلو د او تدریجاً رو بسردی رفت تا اینکه (زین مارو) گرفتار عشق (گاردن) گردید و زمینه این عشق را بدون تردید فلم زیر کار فرا هم نموده است که زین و گاردن در آن نقش زن و شوهر نهایت صمیمی را بعده دارند . تادیه شود آیا حقیقاً این دو در آینده نزدیک باهم زن و شوهر خواهند شد یا خیر .

پیر گاردن کیست؟

پیر گاردن معروفترین مردیست اروپاست که در سال ۱۹۲۲ در شهر ونیز ایتالیا بدنیا آمده و فرزند یکمرد متمول ایتا لیانی است . او پس از تحصیلات مقدماتی شامل اکادمی آرشیتکست لیورشند ولی از آغاز کار یک تمایل و علاقه شدید بمود وجهان مود در خود احساس می‌نمود تا آنکه در سن هفده سالگی بنتای استعداد شگرف و فوق العاده در هنر تمثیل داشته و ممکن است نمایش

بقیه در صفحه ۵۶

عکس بالا : زین مارو و گاردن در صحنه از فلم که گاردن برای اولین بار در آن هنر نهایی می‌گذرد
عکس پائین : محصول اولین شوت گره فلمبرداری این عکس است که زین و مارو یکی از هنر پیشگان فلم تازه گاردن در آن دیده نمی‌شود .

جوان در تهیه لباس‌های مردانه از دیگران معرفی و شناخته شد . (پیر) وقتی این‌سال تمام زحمت

دولتی مطبعه



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library